



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

دردیستگاه
هفتکهار

گروه پژوهش‌های سینه‌پوشان فاطمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه فاطمی

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	درسنامه فاطمی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	درس اول: مطلع نور
۱۴	اشاره
۱۵	آیه نور
۱۷	بوی بهشت
۱۸	تزیین نور با نور
۲۰	شب زفاف
۲۱	چند نکته
۲۱	اشاره
۲۱	۱. مقدار مهریه
۲۲	۲. نقد بودن مهریه
۲۲	۳. جلب نظر دختر
۲۳	۴. تأمین جهیزیه
۲۳	۵. ولیمه ی عروسی
۲۳	۶. توجه به نیازمندان
۲۵	درس دوم: سیمای حضرت فاطمه علیهاالسلام در آئینه ی قرآن
۲۵	اشاره
۲۶	گلوآزه ی کوثر
۲۷	۱. حوض کوثر
۲۷	۲. نهری در بهشت
۲۹	۳. خیر کثیر

۳۰	۴. نسل و ذریه
۳۴	شأن نزول آیه
۳۸	درس سوم: سیمای حضرت فاطمه علیهاالسلام در کلمات قدسی
۴۷	درس چهارم: جایگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۵۷	درس پنجم: بانوی بانوان از منظر مولای متقیان
۵۷	اشاره
۵۷	۱. تداوم بخش رسالت
۶۰	۲. مایه مباحث مولای متقیان
۶۱	۳. خورشید عصمت
۶۲	۴. بلند جایگاه
۶۲	۵. مصیبت جانکاه
۶۴	۶. آخرین سخن
۶۷	درس ششم: سیمای حضرت فاطمه علیهاالسلام در سخنان فرزندان
۶۷	اشاره
۶۷	۱. از منظر امام مجتبی علیه السلام
۶۹	۲. از منظر امام حسین علیه السلام
۷۰	۳. از منظر امام سجاد علیه السلام
۷۱	۴. از منظر امام باقر علیه السلام
۷۲	۵. از منظر امام صادق علیه السلام
۷۵	۶. از منظر امام کاظم علیه السلام
۷۵	۷. از منظر امام رضا علیه السلام
۷۶	۸. از منظر امام جواد علیه السلام
۷۶	۹. از منظر امام هادی علیه السلام
۷۷	۱۰. از منظر امام حسن عسکری علیه السلام
۷۷	۱۱. از منظر حضرت مهدی علیه السلام
۷۹	درس هفتم: صدف کوثر

۷۹ اشاره
۷۹ نسب حضرت خدیجه علیهاالسلام
۸۰ کنیه و القاب
۸۳ سیمای حضرت خدیجه در آئینه ی وحی
۸۵ خدیجه ی کبری از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله
۸۷ اولیات حضرت خدیجه علیهاالسلام
۸۸ دوشیزه ی حجاز
۹۰ دختران هاله
۹۱ سن حضرت خدیجه علیهاالسلام
۹۲ تاریخ ازدواج
۹۳ مهریه ی حضرت خدیجه علیهاالسلام
۹۴ فرزندان
۹۴ غروب غمبار
۹۶ درس هشتم: خطبه ی فدکیه
۹۶ اشاره
۹۷ فاطمه علیهاالسلام در مسجد
۹۸ حمد و ثنای الهی
۹۹ بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۰ یادگارهای پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۰ حکمت های شریعت اسلام
۱۰۱ معرفی خویشتن
۱۰۱ مسیر رسالت الهی
۱۰۳ رفتار مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۰۵ رجوع به قرآن
۱۰۶ درخواست ارث
۱۰۹ توییح انصار

- ۱۱۰ آه فاطمی
- ۱۱۲ حدیث جعلی
- ۱۱۴ کلام ابوبکر
- ۱۱۶ منابع خطبه ی فدکته
- ۱۱۸ درس نهم: خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام در بستر شهادت
- ۱۱۸ اشاره
- ۱۲۴ منابع خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام در بستر
- ۱۲۶ کتابنامه ی شرح های خطبه ی در بستر
- ۱۲۷ پیامدهای خطبه ی در بستر
- ۱۳۲ درس دهم: خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام در پشت در
- ۱۳۲ اشاره
- ۱۳۵ منابع خطبه ی پشت در
- ۱۳۶ چند نکته پیرامون خطبه ی شریفه
- ۱۳۶ اشاره
- ۱۳۶ (۱) حضور ناشایست
- ۱۳۷ (۲) تهاجم به خانه ی وحی
- ۱۳۷ (۳) حرمت شکنی
- ۱۴۱ (۴) ساختارشکنی
- ۱۴۱ (۵) انکار بدیهیات
- ۱۴۴ (۶) راز تأخیر در خاکسپاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۴۵ (۷) تشنگان قدرت
- ۱۴۸ درس یازدهم: آثار علمی حضرت فاطمه علیهاالسلام
- ۱۴۸ اشاره
- ۱۴۸ (۱) خطبه های حضرت فاطمه علیهاالسلام
- ۱۴۸ (۲) مسند فاطمه علیهاالسلام
- ۱۴۹ کتابنامه ی مسند فاطمه علیهاالسلام

- ١٥٢ صحيفه الزهراء عليها السلام
- ١٥٣ حديث لوح فاطمه عليها السلام
- ١٥٤ حديث كساء
- ١٥٧ حديث كساء معروف
- ١٥٨ مصحف فاطمه عليها السلام
- ١٦٠ ديگر آثار ماندگار حضرت فاطمه عليها السلام
- ١٦٢ درس دوازهم: شهادت جانگداز حضرت فاطمه عليها السلام
- ١٦٢ اشاره
- ١٦٣ تاريخ شهادت
- ١٦٥ محلّ دفن حضرت فاطمه عليها السلام
- ١٧٠ پاداش زيارت
- ١٧١ زيارت نامه حضرت زهرا عليها السلام
- ١٧٣ درباره مرکز

درسنامه فاطمی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان قراردادی : درسنامه فاطمی. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور : درسنامه فاطمی/علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.؛ ۱۲×۸ س م.

شابک : ۵۰۰ ریال ؛ ۴۰۰ ریال (چاپ دوم)

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

رده بندی کنگره : BP۲۷/۲/ج۴د۶۵ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳

ص: ۱

اشاره

درسنامه فاطمی

علی اکبر مهدی پور

ص: ۲

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجٍ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» (۱)

حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام مهر تابان، خورشید فروزان و ستاره ی درخشان کره ی خاکی است، که نور جمالش بر آسمانیان نور افشانی می کند، همان گونه که ستارگان آسمان بر اهل زمین (۲).

او را «زهرا» نام نهادند، زیرا پس از خلقت زمین و آسمان، فرشته ها از تاریکی آسمان ها شکایت نمودند، خداوند مَنان نور حضرت زهرا علیه السلام را در قندیلی از عرش آویزان کرد و کرات علوی با نور فاطمه علیهاالسلام منور گردید (۳).

او را زهرا نام نهادند، زیرا او هر روز سه بار: (۱) بامدادان؛ (۲) به هنگام زوال؛ (۳) و شامگاهان بر مولای متقیان نور افشانی می کرد (۴).

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا حضرت فاطمه را «زهرا» نامیدند؟ فرمود:

ص: ۵

۱- [۱] سوره ی نور، آیه ی ۳۵.

۲- [۲] - علامه ی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲.

۳- [۳] - همان، ص ۱۷.

۴- [۴] . همان، ص ۱۶.

لَا يَنْ لِّلَّهِ عَزَّوَجَلَّ خَلْقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ؛ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِنُورِهَا، وَغَشِيَتْ أَبْصَارُ الْمَلَائِكَةِ وَخَرَّتْ لِلَّهِ سَاجِدِينَ.

زیرا خداوند او را از نور عظمت خودش آفرید. هنگامی که نورش طالع گردید، آسمان ها و زمین با نورش روشن شد، دیدگان فرشتگان خیره گردید و در برابر خداوند به سجده افتادند. (۱)

آیه نور

حضرت فاطمه علیها السلام آیتی از آیات نور پروردگار است که در میان آیات نورانی پروردگار درخششی خاص دارد.

در میان سوره های قرآن فقط یک سوره به نام: «سوره ی نور» است.

در میان آیات نورانی سوره ی نور، فقط یک آیه به عنوان «آیه ی نور» می باشد.

سوره ی نور و آیه ی نور بر محوریت کوثر قرآن، حضرت فاطمه ی زهراء علیها السلام می چرخد.

رئیس مذهب، امام به حق ناطق، حضرت جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی نور می فرماید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ»؛ خداوند نور آسمان ها و زمین است، مثل نور خداوند مثل چراغدان است.

منظور از مشکات (چراغدان) حضرت فاطمه است.

ص: ۶

«فِيهَا مِصْبَاحٌ»؛ و در آن چراغدان چراغ پر فروغی است.

منظور از مصباح (چراغ پر فروغ) امام حسن مجتبی علیه السلام است.

«الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ»؛ آن چراغ در حبابی شفاف قرار دارد.

منظور از زجاجه (حباب شفاف) امام حسین علیه السلام است.

«الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛ آن حباب گویی ستاره ی سحر است.

منظور از کوكب دري (ستاره ی سحر) حضرت فاطمه است.

و در تفسیر «نورٌ علی نور» فرمود: امامی پس از امامی از تبار فاطمه.

و در تفسیر این آیه ی شریفه چنین فرمود: «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا» امام از نسل حضرت فاطمه «فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» نور امامی روز قیامت روشنگر او نخواهد بود. (۱)

قرآن کریم در آیه بعدی کانون این نور را چنین بیان می کند:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»

در خانه هایی که خداوند اذن ترفیع آنها را داده است، و اذن داده که در آنها خداوند یاد شود و نامش برده شود. (۲)

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود، یکی از اصحاب پرسید: منظور از این خانه ها چیست؟

بزرگ مفسر قرآن فرمود: خانه های پیامبران.

ابوبکر برخاست، در حالی که به خانه ی حضرت علی و حضرت فاطمه اشاره می کرد، پرسید: آیا این خانه نیز از آن خانه هاست؟ فرمود:

ص: ۷

۱- [۱]. کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۱۸۰.

۲- [۲]. سوره نور، آیه ی ۳۶.

نَعْمَ مِنْ أَفْضَلِهَا؛

— آری، از برترین آنهاست. (۱)

در کتب عامّه آمده است که هنگامی که شب اول ماه، حضرت فاطمه استهلال می کرد، نور جمالش بر هلال غلبه می کرد و کسی هلال را نمی دید.

عایشه می گوید: ما در اطاقی که چراغ نبود، با نور جمال حضرت فاطمه نخ در سوزن می کردیم.

برای یادگار پیامبر این مطلب جای شگفت نیست، که عایشه می گوید: «شبی سوزن را گم کردم، در منزل چراغ نبود، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد، با نور جمالش سوزن را پیدا کردم. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که هرگز سخن به گزاف نمی گوید، در وصف جمال حضرت فاطمه می فرماید:

لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا لَكَانَ فَاطِمَةَ، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ؛

— اگر زیبایی تجسم پیدا می کرد، فاطمه می شد، بلکه فاطمه از آن نیز بزرگتر است. (۳)

بوی بهشت

حضرت فاطمه علیها السلام در کنار این نوراتیت خاص، بوی بهشت می داد و از این جهت نیز موجب آزار حسودان می شد.

عایشه می گوید: به رسول خدا عرض کردم، چه شد هنگامی که فاطمه

ص: ۸

۱- [۱]. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۵۶۷.

۲- [۲]. علامه ی مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۱۷۶.

۳- [۳]. حموی جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۶۸، ح ۳۹۲.

می آید او را بوسه باران می کنی و همانند کسی که بخواهد به کسی عسل بخوراند، زبانت را در دهانش می گذاری؟!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که مرا به معراج بردند، جبرئیل مرا وارد بهشت نمود و سیبی به من داد، من آن را خوردم و آن مبدأ نشو فاطمه شد.

فاطمه حوریه ی انسیه است، هر وقت اشتیاق بهشت داشته باشم، او را می بوسم و بوی بهشت را از او می شنوم. (۱)

اجتماع همه ی کمالات ظاهری و معنوی در وجود مقدّس حضرت فاطمه علیهاالسلام موجب شد که بسیاری از اصحاب پیامبر، حتّی شماری از کهنسالان آنها، از حضرت فاطمه علیهاالسلام خاستگاری کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ همه ی آنها می فرمود: در مورد فاطمه منتظر فرمان پروردگار هستم. تا هنگامی که اراده ی حضرت احدیّت تعلق گرفت بر این که صدّیقه ی طاهره را به صدّیق اعظم و فاروق امّت، یعنی حضرت امیرمؤمنان علیه السلام تزویج نماید، پس عقد آنان را در آسمان جاری کرد و به حبیبش دستور داد که در زمین جاری نماید و اینک شرح ماجرا:

تزویج نور با نور

هنگامی که خداوند مَنّان اراده فرمود که حضرت صدیقه را به ازدواج حضرت علی علیه السلام در آورد، جبرئیل امین را فرمان داد که در زمین و آسمان ندا کند که فرشتگان در بیت المعمور گرد آیند.

آنگاه به فرشتگان فرمود: من شما را گواه می گیرم که کنیز پاک و راستگویم

ص: ۹

را به بنده ی پاک و راستگویم تزویج کردم.

آنگاه به فرمان خداوند بهشت تزیین شد، حوریان به صف ایستادند، بیت المعمور مفروش گشت و فرشتگان به صف ایستادند، جبرئیل امین بر کرسی کرامت بالا رفت و خطبه خواند و در فرازی از آن گفت:

ای فرشتگان مقرب، ای راکعان، ای تسبیح گوینان، ای اهل آسمان ها و زمین ها، همه گواه باشید که من فاطمه ی زهرا، دختر رسول عالمیان، سِرْوَر بانوان جهانیان را به عقد علی، سِرْوَر اوصیا در آوردم، به فرمان خدا یک پنجم دنیا، از زمین و آسمان، دشت و دمن، کوه و دریا را مهریه ی او قرار دادم. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منزل ام سلمه بود، فرشته ای فرود آمد که پیامبر اکرم تا آن روز او را ندیده بود، فرمود: جبرئیل! تا کنون من تو را به این صورت ندیده بودم. عرض داشت: من جبرئیل نیستم، من محمود هستم، خداوند مرا فرستاده که نور را با نور تزویج کنم.

فرمود: کدام نور را با کدام نور؟ عرضه داشت: فاطمه را با علی.

در میان دو کتف او نوشته شده بود:

لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی وصیه.

فرمود: ای محمود! از چه زمانی این نوشته در میان دو کتف تو نوشته شده است؟

گفت: ۲۲۰۰۰ سال پیش از آن که خداوند متعال دنیا را بیافریند. (۲)

ص: ۱۰

۱- [۱]. نمازی خویی، حدایق الاشارات، ص ۱۶۴.

۲- [۲]. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۷۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که تعدادی از مهاجران و تعدادی از انصار را فراخواندند، پس خطبه ی مفصلی خواندند که با: «الحمد لله المحمود بنعمته» آغاز می شود، در پایان فرمودند:

من شما را گواه می گیرم که فاطمه را به ازدواج علی در آوردم در مقابل ۴۰۰ مثقال نقره، اگر راضی باشد.

آن گاه علی علیه السلام وارد شد، پس خطاب به ایشان فرمود:

یا علی! خداوند منان به من امر فرموده که فاطمه را به عقد تو در آورم، من او را به عقد تو در آوردم، در مقابل ۴۰۰ مثقال نقره.

آیا راضی هستی؟

عرضه داشت: آری. آنگاه به سجده افتاد و سجده ی شکر به جای آورد.

پیامبر رحمت دعا کرد و فرمود: خداوند نسلی پاکیزه ی فراوان برای شما قرار دهد و مبارک گرداند. (۱)

شب زفاف

به فرمان پیامبر طعامی به عنوان ولیمه تهیه شد و در کوچه های مدینه دعوت همگانی برای شرکت در مجلس ولیمه به عمل آمد.

همه ی اهالی مدینه ده نفر ده نفر وارد شدند و اطعام شدند و سیر شدند و ظرف غذا تغییر نکرده و همچنان پر از غذا بود.

بیش از ۳۰۰۰ نفر از مؤمنان و ۳۰۰ نفر از منافقان، در کنار سفره حاضر شدند، همه سیر شدند و دیگ غذا به برکت «مبارک» هنوز پر بود.

ص: ۱۱

۱- [۱]. خوارزمی، المناقب، ص ۳۳۶، ح ۳۵۷.

آنگاه کاسه ها را پر کردند به خانه های بیوه زنان، بینوایان، و نیازمندان ارسال گردید، حتی به خانواده های اهل ذمه از اهل کتاب نیز ارسال شد. (۱)

هنگامی که عروس را به خانه ی مولا می بردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشاپیش، جبرئیل از طرف راست، میکائیل از طرف چپ و هفتاد هزار ملک از پشت سر حرکت می کردند و تا صبح مشغول تسبیح و تقدیس بودند. (۲)

چند نکته

اشاره

قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای ما اُسوه و الگو معرفی کرده می فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»

برای شما در رسول خدا الگوی زیبایی است. (۳)

در منابع حدیثی، سیره و تاریخ، مطالب فراوانی در مورد ازدواج صدیقه ی طاهره آمده، که ما در اینجا کمتر از یک صدم آن را نقل کردیم.

در همین مقدار نکات مهمی هست که باید جامعه ی اسلامی برای برون رفت از مشکلات زمان ما، به آنها توجه کنند:

۱. مقدار مهریه

در تعالیم عالیّه ی اسلامی برای کمی مهریه تأکید فراوان شده و عملاً رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهریه حضرت فاطمه علیهاالسلام، حضرت خدیجه و دیگر همسران خود را ۵/۱۲ اوقیه قرار داده که معادل ۵/۲۶۲ مثقال نقره ی خالص (۴) می باشد، که در

ص: ۱۲

۱- [۱]. طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۹۶.

۲- [۲]. ابن فتال، روضه الواعظین، ج ۱ ص ۳۳۸.

۳- [۳]. سوره احزاب، آیه ی ۲۱.

۴- [۴]. که همان ۴۰۰ مثقال شرعی است.

اصطلاح به «مهر السنه» شهرت یافته است.

اگر به جای مسابقه در فزون طلبی، تلاش شود که مهریه بانوان به همان مهر السنه برگردد، تأثیر عجیبی در پایین آمدن سن ازدواج خواهد داشت.

حضرت خدیجه ۴۰۰۰ دینار به خانواده ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد تا آن را به عنوان مهریه به خانواده ی حضرت خدیجه بفرستند (۱) ولی پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم فقط ۵۰۰ درهم یعنی یک هشتم آن را به عنوان مهریه فرستاد. (۲)

۲. نقد بودن مهریه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود که زره خود را بفروشد و پول آن را به عنوان مهریه به حضرت فاطمه بپردازد.

در زمان ما به داماد تلقین می شود که: کی داده، کی گرفته؟!

طولی نمی کشد که عروس خانم به دادگاه مراجعه کرده، علیه داماد شکایت، مهریه اش را می طلبد، داماد راهی زندان شده.

۳. جلب نظر دختر

ازدواج صدیقه ی طاهره به امر پروردگار و لازم الاجراء بود، در عین حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نزد حضرت فاطمه علیهاالسلام رفته، به او می فرماید: علی آمده، نام تو را می برد. صدیقه طاهره سکوت می کند و پیامبر عظیم الشان می فرماید: سکوتش علامت رضایتمندی است.

پدرها و مادرها در عین رعایت مصالح فرزندان، باید به خواسته های آنها

ص: ۱۳

۱- [۱]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۰.

۲- [۲]. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۶.

توجه کنند به آرای آنها احترام بگذارند، در هیچ موردی، به ویژه در مورد انتخاب همسر آنها را مجبور نکنند.

۴. تأمین جهیزیه

تأمین جهیزیه یکی از دغدغه های مهم خانواده های عروس می باشد، در این زمینه زیاده روی های عجیبی می شود و تأمین جهیزیه گاهی خانواده هایی را از زندگی ساقط می کند.

مراکزی عهده دار تأمین جهیزیه شده، در این امر حیاتی به کمک خانواده ها می شتابند و کار بسیار شاسته ای انجام می دهند، باید آنها را پشتیبانی کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مهریه حضرت فاطمه علیها السلام یک مشت به سلمان، یک مشت به مقداد و چند مشت به چند نفر دیگر از اصحاب دادند و کم و کیف جهیزیه مورد نظر را بیان فرمودند و آنها را راهی بازار نمودند.

۵. ولیمه ی عروسی

در زمان ما به بهانه ی کوچک بودن خانه ها، ولیمه ها را در تالارها با هزینه های کمرشکن انجام می دهند و بسیاری از خانواده ها جداً با مشکل مواجه می شوند.

۶. توجه به نیازمندان

علاوه بر حاضران و شرکت کنندگان در ولیمه ی صدیقه ی طاهره، پیامبر رحمت کاسه ها را پر کرده به خانه های بیوه زنان، بینوایان و نیازمندان فرستادند.

در جوامع ما عمدتاً افراد ثروتمند به مجالس ولیمه دعوت می شوند و به

نیازمندان توجّهی نمی شود.

امیدواریم همه ی ما از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام الگو بگیریم، برای امر ازواج تسهیلاتی فراهم کنیم، از سقوط نسل جوان در فساد و تباهی جلوگیری کنیم.

با کمال تأسف بسیاری از نقّادان که در هر مجلسی تجمّل پرستی را محکوم می کنند، خود در مقام عمل از تجملات صرف نظر نمی کنند و در برابر خواستگاران شرایط سخت و طاقت فرسا قرار می دهند.

برای تحقیق بیشتر:

روضه الواعظین، تألیف: ابن فتنال نیشابوری، مستشهد ۵۰۸ ق.

مناقب امیرالمؤمنین، تألیف: اخطب خوارزم، متوفای ۵۶۸ ق.

دلایل الامامه، تألیف: طبری امامی - قرن پنجم -

ص: ۱۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چهل سال تمام به عبادت و اطاعت پروردگار پرداخت، تا به دریافت قرآن کریم مفتخر گردید.

آنگاه چهل شبانه روز به تهجد خاصّ پرداخت تا کوثر قرآن فاطمه ی زهرا علیها السلام به آن حضرت اعطاء گردید.

بیش از صد آیه از آیات نورانی قرآن در پرتو احادیث وارده از پیشوایان معصوم علیهم السلام به صدّیقه ی طاهره، حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام تفسیر شده است، که از آن جمله است سوره ی مبارکه کوثر:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ * وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَأْنِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

ما به تو کوثر عطا کردیم، پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی ذبح کن، به راستی دشمن تو بلا عقب و مقطوع النسل است. (۱)

این سوره کوتاه ترین سوره ی قرآن است که از سه آیه و ۱۰ کلمه تشکیل یافته و ۶ واژه از واژگان آن در قرآن فقط یک بار به کار رفته است.

همان گونه که حضرت فاطمه علیها السلام دردانه ی جهان خلقت است، سوره ی

ص: ۱۶

کوثر نیز از نوادر سوره های قرآن می باشد. (۱)

کلوازه ی کوثر

«کوثر» بر وزن «فوعیل» برای کثرت بیش از حد وضع شده است، نهر بهشت را از این جهت کوثر می نامند که آبش بسیار فراوان، ظرف هایش به تعداد ستارگان و جایگاهش بسیار بلند است. (۲)

در مورد حوض کوثر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

حوض من مسیر یک ماه راه است، آبش سفیدتر از شیر، عطرش خوشبوتر از مشک، کاسه هایش به تعداد ستارگان می باشد. هر کس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی شود. (۳)

در مورد نهر کوثر نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

بر کرانه ی آن ۱۲۰۰۰ درخت است، هر درختی ۳۶۰ شاخه دارد، چون اهل بهشت در صدد جشن و شادمانی باشند، شاخه ها به حرکت در می آیند، از شاخه های آن درختان نغمه های روح بخشی شنیده می شود، که اگر در بهشت مرگ بود، اهل بهشت از شادی قالب تهی می کردند. (۴)

در مورد منظور از کوثر اقوال مختلفی هست، ابن حجر تعداد آن را بیش از ۱۰ قول گفته، (۵) برخی دیگر آن را به ۲۶ قول رسانده اند. (۶)

ص: ۱۷

۱- [۲]. شش مورد نام برده شود

۲- [۱]. ابن حجر، فتح الباری، ج ۸، ص ۷۳۲.

۳- [۲]. بخاری، الصّحیح، ج ۸، ص ۱۴۹.

۴- [۳]. ابن مشهدی، کنزالدقائق، ج ۱۱، ص ۵۶۲.

۵- [۴]. ابن حجر، همان.

۶- [۵]. قرشی، قاموس القرآن، ج ۶، ص ۹۴.

مهم ترین اقوال به شرح زیر است:

۱. حوض کوثر

حوض کوثر میعاد گاه امت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عرصات محشر می باشد که می فرماید:

إصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْنِي عَلَى الْحَوْضِ؛

صبر و شکیبایی پیشه کنید تا در کنار حوض کوثر با من ملاقات کنید. (۱)

در احادیث ثقلین که با بیش از یکصد طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده، در مورد قرآن و عترت آمده است:

لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ

از یکدیگر جدا نمی شوند، تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (۲)

۲. نهری در بهشت

کوثر نهری در بهشت است که بیشتر نهادهای بهشتی از آن سرچشمه می گیرد. (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

کوثر نهری است در بهشت که خداوند آن را به من عطا فرموده است، خاکش چون مشک است، از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر

ص: ۱۸

۱- [۱]. بحاری همان.

۲- [۲]. حاکم، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۸.

۳- [۳]. خلیل، العین، ج ۴، ص ۳۷.

می باشد. (۱)

در حدیث دیگری فرمود:

کوثر نهری است که خداوند آن را به من عطا فرموده است. (۲)

در حدیث دیگری فرمود:

در شب معراج بر نهری گذشتم که بر کرانه های آن مرواریدهای بزرگی بود که میان تهی بود. از جبرئیل پرسیدم که آن چیست؟ گفت: آن کوثر است. (۳)

آنگاه خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

کوثر نهری است که از زیر عرش سرچشمه می گیرد، از شیر سفیدتر، از عسل شیرین تر و...

در پایان فرمود:

علی جان! این نهر از آن من و تو و دوستانان توست. (۴)

در حدیث دیگری فرمود:

این نهر برای من، تو، فاطمه، حسن و حسین می باشد و شخص دیگری در آن سهم ندارد. (۵)

در حدیث دیگری فرمود:

کسی که پیمان مرا بشکند و یا خون اهل بیت مرا بریزد از آن نهر

ص: ۱۹

۱- [۱]. سیوطی، الجامع الصغیر، ص ۴۰۲.

۲- [۲]. دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۳۵۸.

۳- [۳]. بخاری، الصحیح، ج ۶، ص ۲۱۹.

۴- [۴]. شیخ طوسی، الامالی، ص ۶۹.

۵- [۵]. سید شرف، تأویل الآیات الظاهره، ج ۲، ص ۸۵۸.

نخواهد نوشید. (۱)

در ضمن حدیث معراج فرمود:

جبرئیل خانه های مرا به من ارائه داد و خانه های اهل بیت ام را در کنار نهر کوثر به من نشان داد. (۲)

۳. خیر کثیر

ابن عباس در تفسیر کوثر گوید: کوثر خیر کثیری است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطا شده است.

ابو بشیر گوید: به سعید بن جبیر گفتم: مردم خیال می کنند که کوثر نهری در بهشت است. سعید گفت:

نهری که در بهشت است، آن نیز بخشی از همان خیر کثیر است که خداوند به پیامبر عطا فرموده است. (۳)

ابن فارس گوید:

کوثر نام نهری در بهشت است که منظور از آن خیر کثیر است. (۴)

خلیل گوید:

کوثر خیر کثیری است که خداوند مَنّان آن را به رسول عالمیان عطا فرموده است. (۵)

کوثر در لغت به معنای متناهی در کثرت می باشد، یعنی، هیچ خیر و برکت و

ص: ۲۰

۱- [۱]. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲- [۲]. همان، ص ۴۸۶.

۳- [۳]. بخاری، الصحيح، ج ۶، ص ۲۱۹.

۴- [۴]. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۵ ص ۱۶۱.

۵- [۵]. خلیل، العین.

رحمتی نیست، جز این که خداوند آن را به حبیب خود عطا فرمود است. (۱)

۴. نسل و ذریه

طریحی گوید: گفته شده منظور از کوثر کثرت نسل و ذریه است که در نسل حضرت فاطمه علیهاالسلام تحقیق یافته است. (۲)

فخر رازی در تفسیر کوثر گوید:

قول سوم این است که منظور از کوثر اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، زیرا این سوره در ردّ کسی نازل شده که پیامبر اکرم را «ابتر» خوانده است و لذا معنای سوره ی مبارکه چنین می باشد:

خداوند مَنّان به رسول عالمیان از طریق حضرت فاطمه نسل با برکتی عنایت فرموده که در رهگذر زمان باقی خواهد ماند.

با نظر اعتبار بین چقدر از فرزندان حضرت فاطمه کشته شده اند، ولی جهان پر است از این نسل مبارک.

از تبار بنی امیه حتی یک نفر شخص قابل اعتنا نمانده است. ولی عالمان فرهیخته و بزرگواری که از نسل فاطمی پیدا شده اند، به شمار نمی آیند، که از آن جمله است: امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و غیر آنها. (۳)

عین همین متن را نیشابوری نیز در تفسیر خود آورده است. (۴)

ص: ۲۱

۱- [۱]. صادقی، الفرقان، ج ۳۰، ص ۴۷۶.

۲- [۲]. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۴۹.

۳- [۳]. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۴.

۴- [۴]. نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن، در حاشیه تفسیر طبری، ج ۳۰، ص ۱۷۵.

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه فرزند ذکور عنایت فرموده:

۱. قاسم از حضرت خدیجه

۲. عبدالله، ملقب به طیب و طاهر نیز از خدیجه

قاسم در چهار سالگی و عبدالله در شیرخوارگی وفات کردند. (۱)

۳. ابراهیم از ماریه ی قبطیه، که او نیز در خرد سالی وفات کرد.

تنها فرزندی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باقی ماند و نسل طیب و طاهر آن حضرت به وسیله ی او تداوم یافت، حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام می باشد که تنها مصداق کوثر می باشد.

به هنگام تهاجم به خانه ی وحی، حضرت محسن بین در و دیوار به شهادت رسید، از این طریق ثلث عترت طه از بین رفت و نسل حضرت فاطمه علیها السلام فقط از طریق امام حسن و امام حسین علیهما السلام تداوم یافت.

در فاجعه ی کربلا همه ی فرزندان امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند و سادات حسینی منحصرأ از طریق امام سجاد علیه السلام باقی ماندند.

در همین فاجعه، همه ی فرزندان امام مجتبی علیه السلام نیز به شهادت رسیدند و سادات حسینی از طریق حسن مثنی و زید بن امام مجتبی تداوم یافت.

با توجه به نکات فوق، کثرت نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از معجزات، عنایات حضرت احدیت و کرامات گلوازه ی کوثر می باشد.

در تفسیر قمی آمده است:

خداوند کوثر را به جای ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به آن حضرت

ص: ۲۲

عطا فرموده است. (۱)

عین همین تعبیر از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است. (۲)

جایگزین بودن کوثر به جای ابراهیم شاهد دیگری است بر این که منظور از کوثر، فقط فاطمه ی زهرا علیهاالسلام می باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرزندش ابراهیم را برای امام حسین علیه السلام فدا کرد، خداوند مَنان نیز نسل آن حضرت را از طریق حضرت فاطمه علیهاالسلام تداوم بخشید.

تقابل گلوازه ی کوثر با «ابتر» دلیل قاطع و روشنی است بر این که منظور از کوثر، حضرت فاطمه علیهاالسلام است.

در واقع خداوند مَنان به حبیب خود می فرماید:

دشمن تو ابتر است، از او نه اسمی، نه رسمی، نه فرزندی و نه نام نیکی نخواهد ماند، اما ذریه ی تو تا روز قیامت باقی و پابرجا می باشد و آثار فضل و آوازه ی تو در دنیا و آخرت بیرون از شمار می باشد. (۳)

شیخ زاده در حاشیه ی خود بر تفسیر بیضاوی می نویسد:

مفسران در تفسیر کوثر اقوال مختلفی گفته اند، از جمله این که منظور از کوثر اولاد پیامبر اکرم می باشد و دلالت می کند بر این معنی این که این سوره در ردّ کسی نازل شده که آن حضرت را ابتر خوانده و تصوّر کرده که آن حضرت جانشین و جایگزین نخواهد داشت. (۴)

ص: ۲۳

۱- [۱]. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲- [۲]. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۶ در چاپ دیگر: ص ۴۵۹

۳- [۳]. بیضاوی، أنوار التّنزیل، ج ۳، ص ۵۷۶.

۴- [۴]. شیخ زاده، الحاشیه علی تفسیر البضاوی، ج ۹، ص ۳۴۱.

از دیگر مفسرانی که این تعبیر را آورده اند عبادتند از: شهاب الدین (۱)

عثمان بن حسن، مشهور به: کوسه زاده (۲) و ابوبکر حضرمی می باشند. (۳)

بورسوی می گوید: اظهر این است که همه ی نعمت های الهی در واژه ی کوثر جمع است، این واژه همه ی نعمت های ظاهری و باطنی را در بر می گیرد.

سپس می نویسد: خیرات دنیا و آخرت از نعمت های ظاهری می باشد و علوم لدنی که با افاضات ربّانی حاصل می شود، از نعمت های باطنی می باشد. (۴)

بر این اساس حضرت فاطمه ی اطهر علیها السلام همان خیر کثیر است که خداوند منّان به حبیب خود رسول عالمیان عطا فرموده، که حوض کوثر و نهر بهشتی کوثر جلوه هایی از این کوثر جاری رسالت و امامت می باشد و همه ی نعمت های ظاهری و باطنی را فرا می گیرد.

با توجه به تقابل آن با «ابتر» کثرت اولاد، نام نیک، خیر و برکت مادّی و معنوی را در بر دارد و در مقابل ابتر: از همه ی آنها محروم است، نه نسلی، نه اسمی، نه رسمی، نه نام نیکی، بلکه منقطع از هر خیری می باشد. (۵)

یکی از جهات اعجاز قرآن در سوره ی مبارکه کوثر این خبر غیبی است که خداوند منّان آن دشمن دیرینه پیامبر را «ابتر» تعبیر فرموده و ابتر در لغت به معنای کسی است که نسلش قطع شود و عقب نداشته باشد. (۶)

ص: ۲۴

۱- [۵]. شهاب الدین، عنایه القاضی، ص ۴۰۳.

۲- [۱]. کوسه زاده، المجالس، ص ۲۲۲.

۳- [۲]. حضرمی، القول الفصل، ص ۴۵۷.

۴- [۳]. بورسوی، روح البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۷.

۵- [۴]. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

۶- [۵]. خلیل، العین، ج ۴، ص ۳۷؛ ابن کثیر، النّهایه، ج ۱، ص ۹۳.

جالب توجه این که هنگام نزول این سوره، عاص بن وائل ۱۰ پسر داشت (۱) ولی منطق وحی او را ابتر خواند و نسلش منقطع شد.

در این زمینه توجه دیگری نقل شده و آن این است که فرزندان او که در فراش او متولد شده بودند، همگی حرام زاده بودند و هیچ کدام فرزند واقعی او نبودند. (۲)

شأن نزول آیه

ابن عباس گفته: این آیه در مورد عاص بن وائل سهمی (پدر عمرو عاص) نازل شده است (۳) غالب مفسران نیز همان را از ابن عباس نقل کرده اند. (۴)

ولی در لسان روایات غالباً از عمرو عاص به عنوان ابتر تعبیر شده است:

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله شروترین انسان ها را در میان اولین و آخرین می شمرد، شش تن از امت های پیشین و شش تن از امت اسلامی نام می برد و در پایان می فرماید: **وَ الْأَبْتَرُ وَ هُوَ عَمْرُ بْنُ عَاصٍ**. (۵)

۲. امام مجتبی علیه السلام در مجلس معاویه به عمرو عاص خطاب کرده و فرمود:

وَ أَمَا أَنْتَ يَا عَمْرُ بْنُ الْعَاصِ الشَّانِي اللَّعِينُ الْأَبْتَرُ؛

اما تو ای عمرو بن عاص! دشمن، ملعون، ابتر! (۶)

ص: ۲۵

-
- ۱- [۱]. صادقی، الفرقان، ج ۳۰، ص ۴۷۶.
 - ۲- [۲]. شیخ طوسی، التبیان، ج ۱۰، ص ۴۱۸.
 - ۳- [۳]. ابن عباس، تنویر المقباس، ص ۶۰۲؛ واحدی، اسباب النزول، ص ۲۰۶.
 - ۴- [۴]. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۷، طبری، جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۱۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۶.
 - ۵- [۵]. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۵۸، خصال مترجم، ص ۶۴۷.
 - ۶- [۶]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۶.

حل مشکل به این است که به هنگام مواجه شدن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدر و پسر هر دو حضور داشتند.

ابوهلال عسکری می نویسد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از خاکسپاری فرزندش با عاص بن وائل و پسرش عمرو بن عاص روبه رو شدند. عمرو عاص گفت: «من این مرد را دشمن می دارم».

پدرش گفت: «او دیگر ابتر شد و نسلش منقطع گردید».

پس خداوند آیه ی شریفه ی «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» را نازل فرمود. (۱)

بیان امام مجتبی علیه السلام نیز به این نکته اشاره دارد، آنجا که خطاب به عمرو عاص فرمود:

تو بودی که خطبه خواندی و گفتی: من محمد را دشمن می دارم و عاص بن وائل گفت: محمد ابتر است، فرزند ندارد، اگر بمیرد نامش و یادش از بین می رود. (۲)

شایان توجه است که عمر عاص در مقابل این آیه شریفه جبهه گرفته، در مصر بر فراز منبر گفت ۲۰۰۰۰۰ درهم به من داده اند که آیه ی «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» را از قرآن بردار!!

معاویه در نامه ای به او نوشت: آنچه در مصر بر فراز منبر گفتی به من رسید، تو چنین جایگاهی نداری. (۳)

به کوری چشم همه ی بدخواهان، کوثر همیشه جاری رسالت و امامت،

صدیقه ی طاهره، حضرت فاطمه علیها السلام، تندیس کوثر، سرچشمه ی نسل مبارک

ص: ۲۶

۱- [۱]. ابوهلال، الأوائل، ص ۸۰.

۲- [۲]. طبرسی، همان.

۳- [۳]. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱۰، ص ۴۴۱.

پیامبر رحمت، تا انقراض عالم و پایان جهان، بر تارک خلقت می درخشد و ذریه اش در اقصی نقاط عالم، شاهد صدق منطق وحی و مصداق روشن خیر کثیر می باشند.

از ده پسر عاص بن وائل هیچ نشانی در جهان نماند و میلون ها سیّد حسنی و حسینی از برج فاطمی و علوی طلوع کرده، در جهان نور افشانی می کنند.

گفته می شود: در قرن هشتم سادات و فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام را سر شماری کردند، به ۲۰۰۰۰ رسیدند، و در زمان سلطان سلیم عثمانی (جلوس: ۹۷۴-۹۸۲ق) شماره ی آنها به ۱۹ میلیون رسیده بود.^(۱)

آگاهان آمار، سادات را در زمان ما ۶۰ میلیون نفر تخمین می زنند.^(۲)

کثرت نسل مبارک و میمون حضرت زهرا، یکی از معجزات غیبی قرآن کریم و بر چیده شدن طومار نسل عاص بن وائل از روی زمین، یکی دیگر از معجزات قرآن می باشد، که نه اسمی، نه رسمی، نه یادی و نامی از او نمانده است.^(۳)

در پایان این مقال اشاره می کنیم که آنان که به در خانه ی وحی تهاجم کردند،

کوثر قرآن را در میان در و دیوار آزرده و ثلث عترت طه را با یک لگد از بین

ص: ۲۷

۱- [۱]. قریشی، قاموس القرآن، ج ۶، ص ۹۶.

۲- [۲]. در هر قرن حداقل سه نسل به وجود می آید، بدین گونه که اگر شخصی در ۲۵ سالگی ازدواج کند، تا ۳۵ سالگی صاحب فرزند شود و فرزند او هم ازدواج کند تا ۳۵ سالگی صاحب فرزند شود سه نسل می شود. به این ترتیب تاکنون حدود ۴۰ نسل از فرزندان حضرت زهرا به وجود آمده اند. اگر هر نسلی دو فرزند از خود باقی بگذارد، به این معناست که در هر طبقه نسل حضرت زهرا دو برابر می شود. بدین گونه که در نسل اول ۲ نفر، نسل دوم ۴ نفر، نسل سوم ۸ نفر، نسل چهارم ۱۶ نفر، نسل پنجم ۳۲ نفر، به همین ترتیب تا آنکه در نسل بیست و هفتم جمعیت آنها به ۶۷۱۰۸۸۶۴ نفر می رسد. پس وجه این آمار برای سادات روشن می شود.

۳- [۳]. طنطاوی، تفسیر الجواهر، ج ۲۵، ص ۲۷۶.

بردند، همان گونه که سعادت شرکت در نماز فاطمه علیهاالسلام را از دست دادند، در روز قیامت نیز همانند اشتران بیگانه که از نزدیک شدن به آبشخور رانده می شوند، از نزدیک شدن به حوض کوثر منع شده، به سوی دوزخ رانده می شوند، چنانچه در احادیث فراوان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است.^(۱)

برای تحقیق بیشتر:

۱. فضائل فاطمه الزهراء فی الذکر الحکیم، شیخ علی حیدر مؤید.

۲. شواهد التنزیل، حافظ عبیدالله حسکانی، از علمای عامه در قرن پنجم هجری.

۳. الکوثر فی احوال فاطمه بنت النبی الاطهر، سید محمد باقر موسوی (در هفت مجلد)

ص: ۲۸

۱- [۱]. بخاری، الصّحیح، ج ۸ ص ۱۴۸-۱۵۱؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۱، ص ۴۷۳.

درس سوّم: سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در کلمات قدسی

در فرازی از حدیث کساء معروف آمده است که خداوند مَنان خطاب به فرشتگان فرمود:

من آسمان بر افراشته، زمین گسترده، خورشید فرزانه، ماه تابان، فلک چرخان، دریای خروشان و کشتی های روان را جز برای محبت این پنج تن که در زیر کساء هستند نیافریدم.

این فراز از کلام قدسی صریح است در این که پنج تن از آل عبا خلقت و راز آفرینش جهان هستی می باشند.

جبرئیل امین عرضه داشت:

بار پرودگارا! چه کسانی در زیر کساء هستند؟

خداوند مَنان فرمود:

هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنُ الرَّسَالَةِ،

هُمُ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا.

— آنها اهل بیت نبوت و معدن رسالت هستند. —

آنها: فاطمه، پدر فاطمه، شوهر فاطمه، و فرزندان فاطمه هستند. (۱)

ص: ۲۹

۱- [۱]. در مورد اعتبار حدیث کساء معروف در فصل «آثار علمی حضرت فاطمه» سخن گفتیم.

در این فراز از کلام قدسی پنج تن آل عبا، با محوریت حضرت فاطمه علیهاالسلام معرفی شده اند.

این کلام قدسی مؤید است با کلام قدسی دیگر، که در شب معراج از سوی خداوند منان خطاب به خاتم پیامبران شرف صدور یافته است که خطاب شد:

يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ،

وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ

وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا؛

ای احمد! (صلی الله علیه و آله) اگر تو نبودی این چرخ گردون را نمی آفریدم، اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمی آفریم.

این کلام قدسی را مرحوم آیت الله میرجهانی در کتاب شریف «الجَنَّةُ العاصمه» از کتاب «کشف اللثالی» با سند متصل به جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده است. (۱)

کتاب «کشف اللثالی» تألیف صالح بن عبد الوهَّاب، مشهور به: «ابن عرندس» می باشد.

ابن عرندس از علمای بزرگ و شعرای سترگ شیعه در قرن نهم هجری می باشد.

علامه امینی در مورد یکی از قصائد ایشان فرموده است:

در میان اصحاب مشهور است که این اشعار هرگز در مجلسی خوانده نشده، جز این که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه حضور یافته است. (۲)

ص: ۳۰

۱- [۱]. میرجهانی، الجَنَّةُ العاصمه، ص ۲۸۴.

۲- [۲]. علامه امینی، الغدير، ج ۷، ص ۱۴.

متن کامل این اشعار در کتاب «منتخب طریحی» آمده است. (۱)

کتاب «کشف اللئالی» تا کنون به چاپ نرسیده است، نسخه ی خطی آن در کتابخانه ی علامه شیخ محمد سماوی، در نجف اشرف، موجود است.

علامه میرجهانی آن را در کتابخانه مرحوم سماوی دیده و کلام قدسی یاد شده را از آن استنساخ نموده است. (۲)

چند نکته

۱. حدیث کساء معروف را صاحب عوالم با سلسله اسنادش از طریق جابر بن عبد الله انصاری، از حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت کرده است. (۳)

۲. به هنگام وقوع حادثه ی کساء، واثله بن اسقع، از اصحاب عظیم الشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام حضور داشته و این واقعه را مشاهده کرده، علاوه بر جابر بن عبدالله او نیز مشاهدات خود را برای دیگر اصحاب نقل کرده است. (۴)

۳. معرفی اصحاب کساء از سوی حضرت احدیت با محوریت حضرت فاطمه علیهاالسلام انجام یافته است.

خداوند می توانست به فرشتگان بفرماید که آنها حبیب من رسول اکرم، دخترش فاطمه، دامادش علی و نوه هایش حسن و حسین می باشند، ولی فرمود: آنها فاطمه، پدر فاطمه، همسر فاطمه و فرزندان فاطمه می باشند.

ص: ۳۱

۱- [۱]. طریحی، المنتخب، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲- [۲]. میرجهانی، همان، ص ۲۸۳.

۳- [۳]. بحرانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۹۳۰.

۴- [۴]. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۷، ص ۵۰.

۴. احتمالاً جهت محوریت حضرت فاطمه علیهاالسلام در این کلام قدسی، این باشد که مخاطب این سخن فرشته ها بودند و فرشته ها از پیش از خلقت حضرت آدم، با حضرت فاطمه علیهاالسلام آشنایی داشتند، زیرا پس از خلقت زمین و آسمان فرشتگان از تاریکی آسمان شکایت کردند، خداوند منان نور حضرت فاطمه علیهاالسلام را برای فرشتگان تجلی داد، همه ی فرشته ها به سجده افتانند و عرض کردند: این چه نوری است، خطاب شد:

این پرتوی از انوار منست، آن را در آسمانم قرار دادم و آن را از عظمت نور خودم آفریدم، او را از صلب پیامبری از پیامبرانم بیرون می آورم و او را بر پیامبرانم تفضیل می دهم و از او پیشوایانی به وجود می آورم که به فرمان من بر می خیزند و به حق من رهنمون می شوند، آنها را پس از انقضای وحی، جانشینان خود در روی زمین قرار می دهم. (۱)

بر این اساس فرشته ها از پیش از خلقت حضرت آدم، با نور حضرت فاطمه علیهاالسلام آشنا بودند و با نور آن حضرت از تاریکی آسمان نجات یافته بودند.

در واقع خداوند منان می فرماید: شما که حضرت فاطمه را می شناسید و هزاران سال است که با نور او آشنا هستید، اصحاب کساء عبارتند از: فاطمه، پدر فاطمه، همسر فاطمه، و فرزندان فاطمه.

۵. در متن حدیث کساء جابر بن عبدالله انصاری از حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل می کند که می فرماید:

پس خداوند فرمود: ای فرشتگان من! و ای ساکنان آسمان من! پس

ص: ۳۲

۱- [۱]. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۰.

جبرئیل امین عرضه داشت: پروردگارا! چه کسانی زیر کساء هستند؟

پس خداوند عزوجل فرمود: آنها اهل بیت نبوت و معدن رسالت هستند...

پس جبرئیل عرض کرد: پروردگارا! آیا اذن می فرمایی که من نیز هبوط کرده، ششمین آنها بشوم؟

پس خداوند فرمود: آری من اذن دادم.

پس جبرئیل فرود آمد و گفت: درود بر تو ای رسول خدا...

همه ی این فرازها را حضرت فاطمه علیهاالسلام بدون واسطه نقل می کند و نمی فرماید که پدرم فرمود: که خداوند متان چنین فرمود و فرشتگان چنان، بلکه خود می فرماید: که خداوند فرمود و جبرئیل عرضه داشت و خداوند فرمود.

این تعبیرها صریح هستند در این که حضرت فاطمه علیهاالسلام بدون واسطه سخن رب الارباب را شنیده و گفت و گوی فرشتگان را با حضرت احدیت شخصا استماع نموده است.

۶. یکی از اسامی حضرت فاطمه علیهاالسلام، «محدّثه» می باشد، امام صادق علیه السلام در علت نامگذاری آن حضرت به محدّثه فرمود:

حضرت فاطمه را از این جهت «محدّثه» نامیده شده، که فرشته از آسمان بر او فرود می آمد و او را ندا می کرد، همان گونه که بر مریم دخت عمران فرود می آمد. (۱)

ص: ۳۳

۷. سخن گفتن فرشته ها با حضرت مریم (۱) و همسر حضرت ابراهیم در

قرآن به صراحت آمده (۲) و در مورد مادر حضرت موسی واژه ی «وحی» به کار رفته است:

ما به مادر موسی وحی کردیم که... (۳)

از این رهگذر امکان سخن گفتن فرشته با حضرت فاطمه علیهاالسلام و دریافت وحی برای آن حضرت از آیات نورانی قرآن قابل اثبات است.

۸. رئیس مذهب، امام صادق علیه السلام در مورد ایام حزن و اندوه حضرت فاطمه علیهاالسلام پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

در فراق پدر، اندوه فراوان او را فرا گرفت، جبرئیل همواره به نزد او می آمد، او را نیکو تسلیت می داد، از جایگاه پدرش سخن می گفت و از آنچه پس از وی برای ذریه اش رخ خواهد داد نوید می داد. (۴)

۹. در کلام قدسی «لَوْلَا-كَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» تصور نشود که این کلام برتری حضرت علی علیه السلام را بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برتری حضرت فاطمه علیهاالسلام را بر آن دو می رساند، بلکه از اعتقادات قطعی ما این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشرف کاینات و افضل موجودات جهان خلقت است و بعد از ایشان امیرمؤمنان علیه السلام بر همه ی پیامبران پیشین برتری دارد.

۱۰. معنای حدیث قدسی این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشرف و افضل کائنات

ص: ۳۴

۱- [۲]. سوره ی آل عمران، آیه ی ۳.

۲- [۱]. سوره ی هود، آیه ی ۷۱ - ۷۳.

۳- [۲]. سوره ی قصص، آیه ی ۷.

۴- [۳]. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۸.

است و خاتم پیامبران، پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شریعت نسخ نمی شود،

بلکه تا انقراض عالم ادامه دارد و تداوم شریعت با وجود مقدس مولای متقیان، امیرمؤمنان علیه السلام می باشد و لذا اگر علی نبود شرع مقدس ابرتر می شد و تداوم نمی یافت و لذا فرمود:

وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ،

اگر علی نبود، تو را خلق نمی آفریدم.

چنانچه در قرآن کریم در مورد ابلاغ ولایت امیرمؤمنان به صراحت آمده است که:

«وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^(۱)

یعنی، اگر وصایت و ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را ابلاغ نکنی، اساس رسالت الهی را ابلاغ نکرده ای.

چون امامت تداوم رسالت است و رسالت بدون امامت ابرتر می باشد.

۱۱.

وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا

اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی آفریدم.

زیرا بعد از شهادت مولای متقیان باید نه ستاره ی فروزان امامت از برج فاطمی طلوع نماید، تا شریعت مطهره تداوم پیدا کند.

پس این جمله به معنای برتری حضرت فاطمه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام نمی باشد، بلکه به این معناست که شرع مقدس نبوی با خلافت علوی، و سپس با امامت امامان معصوم از تبار فاطمه علیهاالسلام تداوم خواهد یافت.

ص: ۳۵

۱- [۱]. سوره ی مائده، آیه ی ۶۷.

۱۲. در پایان این مقال، این درس را با نکته ای نغز و پر مغزی از غواص

برکه ی غدیر خم، علامه ی بزرگوار آیه الله شیخ عبدالحسین امینی قدس سره حُسن ختام می بخشیم:

علامه ی امینی پس از بازگشت از سفر پاکستان چند روزی در مشهد مقدّس اقامت داشتند و جمعی از علمای مشهد مقدس به دیدارشان شرفیاب شدند، یکی از علمای مشهد که اینک از مدرسین حوزه ی علمیه مشهد مقدّس هستند، نقل می کنند که علامه ی امینی در یکی از جلسات برای گروهی از دیدار کنندگان، از یافته های خود از نسخه های خطی استانبول صبت کردند و به عنوان نمونه فرمودند:

من در مسافرت خود به استانبول و استفاده از نسخه های خطی کتابخانه های استانبول دو مجلّه بزرگ پیرامون امام حسن و امام حسین علیهماالسلام یادداشت برداشته ام، اگر روزی این یادداشت ها منتشر شود، به همان مقدار کتاب الغدیر موج ایجاد کرده، نشر این یادداشت ها نیز در جهان اسلام تأثیر خواهد گذاشت.

آنگاه یکی از یافته های خود را به شرح زیر بیان فرمودند:

من در این سفر در تتّمه ی حدیث «لولاک» را پیدا کردم و متن آن چنین است:

يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ،

وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ،

وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ،

وَلَوْلَا الْحَسَنانِ لَمَا خَلَقْتُكُمْ؛

— ای احمد! (صلی الله علیه و آله) اگر تو نبودی این چرخ گردون را نمی آفریدم، اگر علی

نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمی آفریدم.

و اگر حسن و حسین نبودند، شما سه تن را نمی آفریدم. (۱)

چنانچه پیشتر تقدیم گردید، معنای حدیث شریف این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله عُلّت غایی جهان آفرینش، حضرت علی علیه السلام تداوم بخش شریعت نبوی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام تداوم بخش کوثر جاری امامت هستند.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الجَنَّة العاصمه، تألیف: حاج سید حسن میرجهانی (متوفای ۱۴۱۳ق)

۲. الغدیر، تألیف: علامه امینی (متوفای ۱۳۹۰ ق)

۳. المنتخب، تألیف: فخرالدین طریحی (متوفای ۱۰۸۵ق)

ص: ۳۷

۱- [۱]. مهدی پور جرعه ای از کرامات امام حسین علیه السلام ص ۱۶.

درس چهارم: جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایات صادره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون حضرت زهرا علیها السلام بسیار فراوان است، به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

۱. فَاطِمَةُ بِهَجَّةِ قَلْبِي، وَ ابْنَاهَا ثَمَرَاتُ فُوَادِي، وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصْرِي، وَ الْأُئِمَّةُ مِنْ وُلْدِهَا أُمَنَاءُ رَبِّي، وَ حَبْلُهُ الْمَمْدُودُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى؛

فاطمه شادمانی دل من است، دو پسرش میوه دلم هستند، همسرش نور دیده ام می باشد، امامان از نسل او امنای پروردگار و ریسمان استوار خداوند به سوی مردمانند.

هر کس به آنها چنگ بزند نجات می یابد و هر کس از آنها تخلف کند هلاک می گردد. (۱)

۲. وَ أُمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ، فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةُ فُوَادِي، وَ هِيَ رُوحِي؛

اما دخترم فاطمه، او سرو بانوان جهان است از اولین و آخرین، او پاره تن من است، او نور چشم من، میوه دل من و روح من است. (۲)

ص: ۳۸

۱- [۱]. أخطب خوارزم، مقتل الحسين، ج ۱، ص ۹۹.

۲- [۲]. شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ص ۲۲.

۳. نَزَلَ مَلَكٌ فَبَشَّرَنِي أَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ؛

فرشته ای بر من فرود آمد و مرا بشارت داد که فاطمه سرور بانوان بهشت است. (۱)

۴. خَيْرٌ رِجَالِكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَخَيْرٌ شَبَابِكُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَخَيْرٌ نِسَائِكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ،

بهترین مردان شما علی بن ابی طالب است، بهترین جوانان شما حسن و حسین است و بهترین بانوان شما فاطمه دختر محمد است. (۲)

۵. أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَبْنَاكَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

آیا خشنود نیستی از این که بانوی بانوان بهشت باشی و پسرانت سرور جوانان بهشت باشند؟ (۳)

۶. يَا سَلْمَانَ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مَائِهِ مِنَ الْمَوَاطِنِ، أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ: الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْحَشْرُ وَالصَّرَاطُ وَالْمَحَاسِبَةُ؛

ای سلمان! محبت دخترم فاطمه در یکصد مورد پر خطر سود می بخشد، که آسان ترین آنها: (۱) دم مرگ؛ (۲) در قبر؛ (۳) سنجش اعمال؛ (۴) محشر؛ (۵) صراط؛ (۶) و به هنگام حساب رسی اعمال می باشد. (۴)

۷. إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ، يَا أَهْلَ الْمَوْقِفِ، غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكِّسُوا رُؤُسَكُمْ، لَتَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلَى الصَّرَاطِ؛

چون روز قیامت فرا رسد، منادی از اعماق عرش ندا دهد: هان ای اهل محشر! دیدگان خود را فرو بندید و سرهای خود را پایین بیاورید، تا فاطمه دختر محمد از صراط عبور.

ص: ۳۹

۱- [۱]. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲- [۲]. خطیب، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۹۲.

۳- [۳]. هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۱.

۴- [۴]. خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۰۰.

کند. (۱)

۸. إِنَّ اللَّهَ - أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَكَ فَاطِمَةَ عَلَى خُمْسِ الدُّنْيَا، فَمَنْ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ وَهُوَ يَبْغُضُكَ، فَالدُّنْيَا عَلَيْهِ حَرَامٌ، وَمَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا؛

خداوند به من امر فرمود که فاطمه را به تو (امیرمؤمنان _ علیه السلام) تزویج کنم در برابر یک پنجم دنیا، پس هر کسی که بر فراز آن گام نهد، در حالی که تو را دشمن می دارد، دنیا برای او حرام می باشد و گام نهادنش بر آن حرام است. (۲)

۹. فَاطِمَةُ بَضَعَتْ مِنِّي، يُرِيْبُنِي مَا رَابَهَا، وَيُؤْذِنِي مَا آذَاهَا؛

فاطمه پاره تن من است، آنچه او را اندوهگین سازد، مرا اندوهگین می سازد و آنچه او را آزار بدهد، مرا آزار می دهد. (۳)

۱۰. أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِنْتِي فَاطِمَةُ؛

اول کسی که وارد بهشت می شود، دخترم فاطمه است. (۴)

۱۱. إِنَّ اللَّهَ - غَيْرُ مُعَذِّبِكَ وَلَا وُلْدِكَ؛

خداوند تو را و فرزندان را هرگز عذاب نمی کند. (۵)

۱۲. أَبْشِرِي يَا فَاطِمَةُ! فَإِنَّ الْمَهْدِي مِنْكَ؛

ای فاطمه تو را بشارت باد که مهدی از نسل توست. (۶)

۱۳. إِنَّ اللَّهَ - يَغْضَبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ؛

ص: ۴۰

۱- [۱]. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲- [۲]. قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳- [۳]. ابن حجر، تهذیب التّهذیب، ج ۶، ص ۶۰۹.

۴- [۴]. زینی دحلان، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۲۳۲.

۵- [۵]. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۲.

۶- [۶]. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۵.

خداوند به سبب خشم تو خشمگین می شود و به سبب خشنودی تو خشنود می شود. (۱)

۱۴. فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي؛

پدر و مادرم به فدای تو باد. (۲)

۱۵. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى رَأَيْتُ فِي ابْنَتِي مَا رَأَى زَكَرِيَّا فِي مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ؛

سپاس خداوندی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا در دخترم دیدم آنچه را که زکریا در مریم دخت عمران دیده بود. (۳)

۱۶. يَا فَاطِمَةُ! أَبْشِرِي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا؛

فاطمه جان! تو را بشارت باد که برای تو در نزد خداوند جایگاه بلندی هست. (۴)

۱۷. لَوْ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُو؛

اگر خداوند علی بن ابی طالب را نمی آفرید، هرگز برای فاطمه هم سنگ پیدا نمی شد. (۵)

۱۸. إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورِهِ إِنْسِيَّةً؛

فاطمه حوریه ای است که به صورت انسیه آفریده شده است. (۶)

۱۹. إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً، لِأَنَّهَا فَطِمَتْ هِيَ وَ شَيْعَتُهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنَ النَّارِ؛

فاطمه از این جهت فاطمه نامیده شد که خودش، شیعیانش و ذریه اش از آتش جهنم _

ص: ۴۱

۱- [۱]. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- [۲]. حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۶.

۳- [۳]. بحرانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۹۴.

۴- [۴]. کراچکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۵۰.

۵- [۵]. ابن قتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۳۴۷.

۶- [۶]. طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۱۴۶، ح ۵۲.

بریده شده اند. (۱)

۲۰. أَوَّلُ مَنْ يُحَكَّمُ فِيهِمْ مُحَسَّنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ فِي قَاتِلِهِ ثُمَّ فِي قُنْفُذٍ قِيَوْتِيَانِ هُوَ وَ صَاحِبُهُ فَيُضْرَبَانِ بِسَيَاطٍ مِنْ نَارٍ لَوْ وَقَعَ سَوَاطُ مِنْهَا عَلَى الْبَحَارِ لَعَلَّتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا وَ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَادًا؛

در محکمه عدل الهی نخستین پرونده ای که به آن رسیدگی می شود، پرونده حضرت محسن است، که در مورد او، قاتل او و قنفذ داوری می شود. قنفذ را با صاحبش می آورند با تازیانه های آتشین بر آنها می نوازند، که اگر یکی از آنها به دریا زده شود، همه دریاها از مشرق تا مغرب به جوش می آید و اگر یکی از آنها به کوه های دنیا نهاده شود، ذوب می شود و تبدیل به خاکستر می گردد. (۲)

روایات وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون جایگاه صدیقه طاهره بسیار فراوان است، به همین مقدار بسنده می کنیم، فقط چند نکته پیرامون احادیث یاد شده تقدیم می کنیم:

چند نکته

(۱) در حدیث اول جایگاه حضرت زهرا علیها السلام، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و امامان نور علیهم السلام از تبار آن حضرت، به صورت شفاف بیان شده، بر ضرورت تمسک به ذیل این خاندان تأکید شده، راه نجات بیان گردیده، راه هلاکت و سقوط در آتش نیز یادآوری شده است.

(۲) در حدیث دوم از حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان بانوی بانوان جهان در میان

ص: ۴۲

۱- [۱]. همان، ص ۱۴۸، ح ۵۷.

۲- [۲]. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۳۴.

اولین و آخرین تعبیر شده، که حضرت مریم بانوی بانوان عصر خویش و حضرت فاطمه علیهاالسلام بانوی بانوان جهان از آغاز خلقت تا پایان جهان می باشد.

(۳) در حدیث سوم بر سرور بانوان بهشتی بودن آن حضرت تأکید شده است و این بیان از منطق وحی نقل شده است.

(۴) در حدیث چهارم بر افضلیت حضرت زهرا بر بانوان جهان خلقت تأکید شده است.

(۵) در حدیث پنجم سروری بانوان بهشتی، به عنوان تسلی بخش قلب شریف آن حضرت در برابر ناملايمات بیان گردیده است.

(۶) در حدیث ششم آثار محبت و دلباختگی به آن حضرت و سودمند بودنش در یکصد مورد پر خطر، از جمله به هنگام مرگ، حضور در محشر، عبور از صراط و در موقع سنجش اعمال بیان شده است.

(۷) در حدیث هفتم جایگاه ویژه حضرت زهرا در محشر و فرمان حق تعالی به تشریفات خاص، به هنگام ورود آن حضرت به عرصه محشر و عبور از صراط بیان گردیده است.

(۸) در حدیث هشتم آمده است که یک پنجم روی زمین مهریه صدیقه طاهره است و چون این سهم به صورت مشاع می باشد، در هر وجه به وجه آن ایشان سهم دارند. تنها دوستاناران خاندان عصمت و طهارت حق عبور و مرور دارند و بر دشمنان این خاندان تصرف در روی زمین ممنوع است حتی اگر نماز بخوانند، همانند تصرف در مکان غصبی، گناه به شمار می آید.

(۹) در حدیث نهم دلدادگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیهاالسلام بیان گردیده، که هر کس موجب غم و اندوه حضرت فاطمه علیهاالسلام باشد، قلب شریف

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به درد می آورد.

(۱۰) در حدیث دهم آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام نخستین کسی است که وارد بهشت می شود، با تجلیات آن حضرت از بهشت رونمایی می شود و با مقدمش سرای جاویدان الهی افتتاح می گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرمود: علی جان! تو نخستین کسی هستی که وارد بهشت می شود. (۱) این دو حدیث با یکدیگر تعارض ندارند، زیرا که علی علیه السلام همراه حضرت فاطمه علیها السلام وارد بهشت می شود، چنان که در حدیث دیگری فرمود: نخستین کسی که وارد بهشت می شود، علی و فاطمه دختر محمد علیهم السلام می باشند. (۲)

(۱۱) در حدیث یازدهم برات آزادی ذریه حضرت فاطمه علیها السلام از آتش جهنم صادر شده است. این موضوع در مورد فرزندان ایشان، یعنی: امام حسن، امام حسین، حضرت زینب (امّ کلثوم) علیهم السلام قطعی است، چنان که در احادیث فراوان به آن تصریح شده است. (۳) اما در مورد نسل های بعدی، مشروط است بر این که با اعمال ناشایست خود این مدال افتخار را از خود دور نکنند و همانند فرزند حضرت نوح مشمول آیه شریفه «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» نشوند. (۴)

همان گونه که قرآن کریم در مورد همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر یکی از شما گناه آشکار کند، عذابش دو برابر دیگران است» (۵) امام سجّاد علیه السلام در مورد سادات بنی الزّهراء می فرماید:

ص: ۴۴

۱- [۱]. اخطب خوارزم، المناقب، ص ۷۶.

۲- [۲]. شبلنجی، نور الأبصار، ص ۴۲.

۳- [۳]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۱.

۴- [۴]. سوره هود، آیه ۴۶.

۵- [۵]. سوره احزاب، آیه ۳۰.

لِمُحْسِنِينَ كَفْلَانَ مِنَ الْأَجْرِ وَ لِمُسِيئِينَ ضِعْفَانَ مِنَ الْعَذَابِ؛

برای افراد نیکوکار از ما دو برابر پاداش داده می شود و برای گنهکاران ما دو برابر عذاب می باشد. (۱)

(۱۲) در حدیث دوازدهم برای تسلی قلب شریف حضرت فاطمه علیهاالسلام بشارت می دهد که حضرت مهدی از نسل تو می باشد، او می آید و انتقام تو را از دشمنانت می گیرد، چنان که امام باقر علیه السلام به آن تصریح فرموده است. (۲)

(۱۳) در حدیث سیزدهم از جایگاه ویژه حضرت فاطمه علیهاالسلام سخن رفته و آن مقام بسیار بلندی است که به احدی از انبیا و اولیا داده نشده است.

منطق وحی در مورد انبیا و اولیا می فرماید:

«لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»؛

آنها در گفتار بر خداوند پیشی نمی گیرند، آنها مطابق فرمان الهی رفتار می کنند. (۳)

ولی بزرگ مفسر قرآن، خاتم پیغمبران، در مورد سیده النّسوان می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ - يَرْضَى لِرِضَاكِ وَ يَغْضِبُ لِعِغْظِكَ؛

خداوند با خشنودی تو خشنود می شود و با غضب تو غضبناک می شود. (۴)

يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ - لَيَغْضِبُ لِعِغْظِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ؛

ای فاطمه! خداوند به سبب خشم تو خشمگین و به سبب خشنودی تو _

ص: ۴۵

۱- [۱]. علامه مجلسی، همان، ص ۲۳۰.

۲- [۲]. طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۴۸۵.

۳- [۳]. سوره انبیا، آیه ۲۷.

۴- [۴]. طبرانی، معجم کبیر، ج ۱، ص ۱۰۸.

خداوند مَنان بر اساس این حدیث که با سند صحیح در ده ها منبع حدیثی از شیعه و سنی آمده است، به حضرت فاطمه علیهاالسلام برگ سفیدی عطا کرده و فرموده از هر کس تو خشنود باشی من خشنودم و از هر کس تو خشمگین باشی من بر او خشمناکم.

(۱۴) در حدیث چهاردهم پدر و مادرش را فدای دخترش می کند و آن یک استثنا در شیوه گفتاری پیامبر می باشد.

(۱۵) در حدیث پانزدهم خشنودی خودش را در مورد مائده آسمانی که بر حضرت فاطمه علیهاالسلام آمده بود، با شور و اشتیاق عجیبی بیان می کند.

(۱۶) در حدیث شانزدهم جایگاه بسیار بلند حضرت فاطمه علیهاالسلام را در بارگاه حضرت احدیت بیان می کند.

(۱۷) در حدیث هفدهم از بعد دیگری از ابعاد عظمت حضرت فاطمه علیهاالسلام پرده برمی دارد و اعلام می کند که اگر حضرت علی علیه السلام نبود، احدی از انبیا و اولیا شایستگی همسری حضرت فاطمه علیهاالسلام را نداشت.

(۱۸) در حدیث هجدهم از بعد دیگری از ویژگی آن حضرت سخن گفته و او را حوریه انسیه معرفی کرده و لذا منابع در تاریخی و حدیثی آمده است، هنگامی که حضرت فاطمه علیهاالسلام لباس دنیوی می پوشید، جای درزهای آن در بدن مبارکش خط می انداخت از اینجا عمق فاجعه میان در و دیوار معلوم می شود.

ص: ۴۶

۱- [۱]. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۱۴؛ شیخ مفید، الأمالی، ص ۹۵؛ شیخ طوسی، الأمالی، ص ۴۲۷؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۴؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۲۲؛ ابن مغزلی، المناقب، ص ۳۵۱؛ حموینی، فرائد السیمطین، ج ۲، ص ۴۶؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۸۳۵؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۱؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۳.

۱۹) در حدیث نوزدهم یکی از راز و رمزهای نامگذاری آن حضرت به «فاطمه» بیان شده، که او نیز همانند همسنگ و همسرش قسیم الجنه والنار است دوستدارانش را به سوی بهشت و دشمنانش را به سوی دوزخ رهنمون می شود.

۲۰) در حدیث بیستم که از احادیث معراج می باشد، با قاطعیت و شفافیت اعلام می شود که در حکومت عدل مهدوی نخستین پرونده ای که رسیدگی می شود، پرونده حضرت محسن است، که عاملان شهادت حضرت محسن با تازیانه های آتشین مورد نوازش قرار می گیرند، چنانکه در محکمه عدل الهی نیز نخستین پرونده ای که بررسی می شود، پرونده حضرت محسن است که: «وَ إِذَا الْمَوْؤَدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»؛

از زنده به گورشدگان سؤل می شود که به چه جرمی کشته شدند؟! (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه خطاب به مفضل فرمود:

يَا مُفَضَّلُ! وَالْمَوْؤَدَةُ وَاللَّهِ مُحَسِّنٌ؛

ای مفضل! به خدا سوگند منظور از مؤوه «محسن» می باشد. (۲)

برای تحقیق بیشتر:

۱. دلایل الامامه، امامی طبری ج قرن پنجم -

۲. فاطمه الزهراء، بهجه قلب المصطفی، احمد رحمانی همدانی، متوفای ۱۴۲۵ ق.

۳. روضه الواعظین، ابن قتال نیشابوری، مستشهد ۵۰۸ ق.

ص: ۴۷

۱- [۱]. سوره تکویر، آیه ۸.

۲- [۲]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۳.

اشاره

از امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، امیرمؤمنان علیه السلام تعبیرهای بسیار بلندی در مورد همسر و همسنگ بزرگوارشان در منابع حدیثی آمده است که به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تداوم بخش رسالت

هنگامی که صدیقه طاهره خطبه فدکیه را ایراد کرد و غاصب فدک را در جمع مهاجر و انصار استیضاح نمود و به خانه وحی بازگشت، مولای متقیان او را به عنوان:

يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ، وَ بَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ؛

ای دختر برگزیدگی و بازمانده نبوت (۱)

خطاب کرد.

اگر مولای متقیان آن حضرت را «یا بقیه النبی» خطاب می‌کرد به معنای: ای یادگار پیامبر! بود، ولی: یا بقیه النبوه، معنای بسیار بلندی دارد، که برای بیان آن به مقدمه کوتاهی نیاز است:

ص: ۴۸

۱- [۱]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

قرآن کریم در مورد حضرت آدم علیه السلام می فرماید:

«فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ»؛

حضرت آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود. (۱)

پرواضح است که حضرت آدم همه کلمات را دریافت نکرده، بلکه حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و رسول اکرم علیهم السلام نیز کلماتی را دریافت کرده اند.

آیا با این دریافت ها همه کلمات دریافت شده؟ یقیناً نه، زیرا قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي»؛

بگو اگر دریاها مرکب باشد و با آن کلمات پروردگارم نوشته شود، دریاها تمام می شود، ولی کلمات پروردگارم تمام نمی شود. (۲)

در ادامه آمده است که اگر دو برابر شود، باز هم کلمات پروردگار تمام نمی شود، در سوره ای دیگر آمده است که اگر هفت برابر آن بر آن افزوده شود، باز هم کلمات پروردگار تمام نمی شود. (۳)

پس آنچه توسط پیامبران عظیم الشان، از حضرت آدم ابوالبشر تا حضرت خاتم الانبیاء، از مبدأ وحی دریافت شده و به امت ها القاء شده، بخشی از کلمات پروردگار است، نه همه آنها، پس هنوز بقیه دارد.

آیا دیگر کلمات توسط چه کسی دریافت خواهد شد؟

ص: ۴۹

۱- [۱]. سوره بقره، آیه ۳۷.

۲- [۲]. سوره کهف، آیه ۱۰۹.

۳- [۳]. سوره لقمان، آیه ۲۷.

بخشی توسط حضرت فاطمه علیها السلام، که به صورت «مصحف» پس از شهادت پیامبر اکرم، توسط جبرئیل، میکائیل و اسرافیل به آن حضرت تقدیم گردید. (۱)

امام صادق علیه السلام در وصف آن می فرماید:

کتابی است سه برابر قرآن شما، ولی از قرآن شما حتی یک حرف در آن نیست. (۲)

امام باقر علیه السلام در مورد محتوای مصحف حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

آنچه در گذشته رخ داده، آنچه در آینده رخ می دهد، اخبار هر یک از آسمان ها، شمار فرشتگان هر آسمان، نام و شمار پیامبران مرسل و غیر مرسل، اسامی امت هر پیامبر، باور داران و تکذیب کنندگان هر پیامبر، اسامی مؤمنان و کافران از اولین و آخرین، اسامی شهرها، وصف قرون اولیه، شمار طاغوت ها، مدت حکومت هر یک از آنها، نام و سیرت هر امام و مدت امامت هر یک، اوصاف آنها در عالم رجعت، اوصاف رجعت کنندگان از اولین و آخرین، در مصحف فاطمه آمده است. (۳)

بخش دیگر آن را وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می آورد.

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

دانش ۲۷ رشته است، آنچه پیامبران آورده اند، دو رشته بیشتر

نمی باشد، چون قائم ماقیام کند، ۲۵ رشته دیگر را ظاهر می سازد و

ص: ۵۰

۱- [۱]. طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۱۰۶.

۲- [۲]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۹.

۳- [۳]. طبری امامی، همان، ص ۱۰۵.

در میان مردم منتشر می کند، تا همه ۲۷ رشته انتشار یابد. (۱)

محصف حضرت فاطمه علیها السلام از ودایع امامت است و یکی از نشانه های امام حق می باشد (۲) و اینک در محضر حضرت مهدی علیه السلام است. (۳)

بر این اساس شاید بخشی از دانش هایی که توسط حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ظاهر خواهد شد، برگرفته از مصحف حضرت فاطمه علیها السلام باشد.

۲. مایه مباهات مولای متقیان

مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در موقعیت های فراوانی به وجود اقدس فاطمه اطهر مباهات نموده، از جمله در یکی از بیانات شافی و وافی خود که مناقب ویژه خود را برشمرده، در پایان می فرماید:

وَلَقَدْ أُعْطِيتُ زَوْجَتِي مُصْحَفًا فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَسْبِقْهَا إِلَيْهِ أَحَدٌ خَاصَّةً مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛

به همسر من مصحفی داده شده، که در آن، چنان دانشی هست که پیش از همسر من احدی به آن دست نیافته است، این عنایت خاص از خدا و رسول خداست. (۴)

یک بار دیگر در اواخر عمر شریف خود، پس از جنگ نهروان، خطبه مفصّلی ایراد کرده و در اول آن فرموده: اجلم فرا رسیده، هنوز مرا

نشناخته اید،...

ص: ۵۱

۱- [۱]. قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱.

۲- [۲]. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- [۳]. تهرانی، الذریعه، ج ۲۶، ص ۴۵.

۴- [۴]. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۷۳۱.

آنگاه فضایل و مناقب ویژه اش را برشمرده و در فرازی از آن فرمود:

أَنَا زَوْجُ الْبُتُولِ، سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، فَاطِمَةُ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّزْكَانِيَّةِ الْمَبْرُورَةِ الْمَهْدِيَّةِ، حَبِيبَةُ حَبِيبِ اللَّهِ؛

من همسر «بتول» هستم، که سرور بانوان جهان، فاطمه پارسا، پاک، پاکیزه، نیکوکار، هدایتگر و محبوبه حبیب خدا هستم. (۱)

۳. خورشید عصمت

امیر بیان، مولای متقیان، حضرت علی علیه السلامه هنگام تشریح مقام امامان، فضیلتی از فضائل حضرت زهرا علیها السلام بیان کرده و از حضرت فاطمه علیها السلام، به «خورشید عصمت» تعبیر کرده، می فرماید:

فَهُمُ الْكَوَاكِبُ الْعُلَوِيَّةُ، الْمَشْرِقَةُ مِنْ شَمْسِ الْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ، فِي سَمَاءِ الْعِظَمَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ، وَالْأَعْصَانُ النَّبَوِيَّةُ النَّابِتَةُ فِي السَّدْوَحِ الْأَحْمَدِيَّةِ؛

آنها ستارگان فروزان علوی هستند، که از برج خورشید عصمت فاطمی طلوع کرده، در آسمان عظمت محمدی _صلی الله علیه و آله نورافشانی می کنند. آنها شاخه های استوار و پر بار نبوی هستند که در گلستان احمدی عترافشانی می کنند. (۲)

ص: ۵۲

۱- [۱]. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۵۸.

۲- [۲]. میرجهانی، الجنة العاصمه، ص ۱۶۶.

۴. بلند جایگاه

امیر مؤمنان علیه السلام در حدیثی در مورد جایگاه بلند صدیقه طاهره چنین بیان می کند:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ: يَا أَهْلَ الْجَمْعِ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ عَنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ حَتَّى تَمُرَّ؛

چون روز رستاخیز فرا رسد، منادی از پشت حجاب ها ندا سر می دهد که ای اهل محشر! دیدگان خود را فرو بندید تا فاطمه دخت محمد صلی الله علیه و آله عبور کند. (۱)

۵. مصیبت جانکاه

مولای متقیان اسوه صبر و استقامت بود، در میدان نبرد بر عمرو بن عبدودها و مرحب خیبری ها غلبه کرده، در احد یک تنه از پیامبر رحمت دفاع کرده، درب خیبر را با یک دست بلند کرده، آن را سپر قرار داده، سپس روی خندق پل قرار داده، در پایان دور انداخته، هشت تن از زورمداران نتوانستند که آن را جا به جا کنند.

این مولا با این قدرت و صلابت، هنگامی که زهرای اطهر را نقش بر زمین دید، دریای صبرش کم شد، طاقتش طاق شد، در حالی که ۴۰۰۰ نفر او را به سوی مسجد می کشیدند، خطبه ی جانکاهی خوانده که با همه خطبه هایش

متفاوت است.

ص: ۵۳

۱- [۱]. مناوی، فیض القدر، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۸۲۲.

در فرازی از آن می فرماید:

أَوْ تُضْرَبُ الزَّهْرَاءُ نَهْرًا؟ وَيُلَاذُ مِنَّا حَقًّا قَهْرًا وَجَبْرًا، فَلَا- نَصِيرَ وَلَا- مُجِيرَ وَلَا مُسْعِدَ وَلَا مُنْجِدًا؟ فَلَيْتَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ مَاتَ قَبْلَ يَوْمِهِ، فَلَا- يَرَى الْكُفْرَةَ وَالْفَجْرَةَ قَدْ إِزْدَحَمُوا عَلَى ظُلْمِ الطَّاهِرَةِ الْبَرَّةِ، فَتَبًّا تَبًّا، وَ سَيِّحُحًا سَيِّحُحًا، ذَلِكَ أَمْرٌ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُهُ، وَإِلَى رَسُولِ اللَّهِ مَدْفَعُهُ، فَقَدْ عَزَّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يَسُودَ مَتْنُ فَاطِمَةَ ضَرْبًا؛

_ آیا حضرت زهرا با زجر کتک زده می شود؟! _

آیا حق ما به قهر و غلبه از ما گرفته می شود؟!

نه یار و یاور، نه ملجأ و پناهی؟!

نه مدافعی، نه حامی و نه ناصری؟!

ای کاش پسر ابوطالب پیش از امروز مرده بود و نمی دید که چگونه کافران و فاجران ازدحام کرده، برای ستم به بانوی پاک و پاکیزه و نیکو سیرت هجوم آورده اند!!

خداوند هلاکشان کند و از رحمتش دور کند.

بازگشت این جنایت به سوی خدا و دفاع از آن با رسول خدا می باشد.

بر پسر ابوطالب بسیار سخت و دشوار است که پشت فاطمه با ضربه ها سیاه شود!!

متن کامل این خطبه جانکاه، که از اعماق دل پردرد مولای متقیان، در بحرانی ترین لحظات عمر مبارکش صادر شده، در کتاب «کشف اللثالی» ابن عَرْنَدَس حَلّی، از عالمان بزرگ شیعه در قرن نهم هجری آمده است.

آیه الله میرجهانی نسخه خطی آن را در کتابخانه علامه سماوی در نجف

اشرف دیده، متن کامل آن را با ترجمه روان در کتاب گران سنگ «الجنه العاصمه»^(۱) آورده، متن عربی و شرح واژگانش را در «مستدرک نهج البلاغه» نقل فرموده است.^(۲)

مولای متقیان در ادامه، علت صبر و شکیبایی اش را در برابر این گستاخی و هجوم وحشیانه، صیانت از اسلام و بقای نوپای دعوت بیان کرده، در پایان فرموده: تا پروردگارم را ملاقات کنم، از جنایاتی که مرتکب شدید و حق ما را غصب کردید و در دفاع از حق ما سستی نمودید، به او شکایت کنم، که او بهترین داور و دادگر است.^(۳)

۶. آخرین سخن

مصیبت بزرگتر مولای متقیان فاجعه غمبار شهادت صدیقه طاهره بود، که فاتح خیبر در فراق حضرت فاطمه علیهاالسلام تاب و توانش را از دست، دور رکعت نماز خواند، تا از نماز استعانت بجوید و بتواند قبر شریف را حفر نماید.

هنگامی که چهره ی فاطمه علیهاالسلام در خاک نماند، همه آمال و آرزوهای امیرمؤمنان در دل خاک مدفون شد، غم های عالم بر دلش فرو ریخت، در میان زمین و آسمان انیس و مونس پیدا نکرد که غم دلش را برای او شرح دهد، روی به قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده، پس از تقدیم سلام، عرضه داشت:

قَدْ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةُ وَأُخِذَتِ الرَّهِيْنَةُ وَأُخْلِصَتِ الرَّهْرَاءُ؛

—امانت برگردانده شد، رهن و گرو دریافت شد و حضرت زهرا ر بوده شد.—

ص: ۵۵

۱- [۱]. میرجهانی، الجنه العاصمه، ص ۴۶۱ چاپ دیگر، ص ۲۵۲.

۲- [۲]. میرجهانی، مصباح البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳- [۳]. همان.

فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَالْغُبْرَاءَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛

—ای رسول خدا آسمان و زمین (در چشم علی) چقدر زشت است!—

أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ؛

—دیگر غم های علی پایان ندارد، دیگر خواب با دیدگان علی انس ندارد. (۱)

در ادامه عرضه می دارد:

وَسْتَبِيكَ ابْنَتُكَ بِتَطَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا، فَأَحْفِيهَا السُّؤَالَ وَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ؛

—به زودی دختری به شما خبر می دهد که چگونه امت برای له کردنش اجتماع کردند. —

پس، از او پرس و اوضاع را از او جويا باش.

مولای متقیان می ترسد که حضرت فاطمه علیهاالسلام جنایات امت را برای رعایت حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پوشیده بدارد، همان گونه که ورم بازو را در مدت ۹۵ روز مخفی داشته بود و مولای متقیان به هنگام غسل آن را مشاهده نمود، از پدر بزرگوارش نیز مکتوم بدارد، و لذا عرضه می دارد که فاطمه را سؤل پیچ کن تا شرح ماجرا را بازگو نماید.

در پایان به نکته عجیبی اشاره می کند که اوج مظلومیت مولا را می رساند:

اگر ترس از متوجه شدن متولیان امر از محل قبل نبود، در همین جا اقامت می کردم و همانند مادر داغ فرزند دیده، برای این مصیبت

بزرگ ناله سر می دادم.

ص: ۵۶

در برابر دیدگان خداوند، دخترت شبانه و مخفیانه به خاک سپرده شد، حَقش غصب گردید، از ارثش محروم شد، در حالی که هنوز از ارتحال شما چیزی نگذشته بود و یادتان فراموش نگشته بود.^(۱)

برای تحقیق بیشتر:

۱. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ق.

۲. دلائل الامامه، طبری امامی، قرن پنجم هجری.

۳. الجَنَّة العاصمه، سید حسن میر جهانی، متوفای ۱۴۱۳ ق.

ص: ۵۷

۱- [۱]. همان.

اشاره

نکات فراوان از سیره صدیقه طاهره در سخنان پیشوایان معصوم آمده، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. از منظر امام مجتبی علیه السلام

۱. از مادرم حضرت فاطمه علیها السلام شب جمعه ای در محراب عبادتش در حال رکوع و سجود بود، همه اش برای دیگران دعا می کرد و برای خودش دعا نمی کرد.

گفتم: مادر جان! دیدم که همه اش برای دیگران دعا کردید، برای خودتان دعا نکردید، فرمود:

يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ؛

فرزندم! اول همسایه، سپس داخل خانه. (۱)

۲. امام مجتبی علیه السلام با مادرش در یک ظرف غذا نمی خورد، حضرت فاطمه علیها السلام از علت آن جو یا شد، عرضه داشت: می ترسم دست من پیشی بگیرد

ص: ۵۸

۱- [۱]. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۱.

به لقمه ای که چشم تو بر آن پیشی گرفته باشد، پس عاق بشوم، فرمود: بخور، تو در حلالیت هستی. (۱)

۳ نظیر این مطلب در مورد امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده، که با دایه اش در یک ظرف غذا نمی خورد و می فرمود: می ترسم دستم پیشی بگیرد بر لقمه ای که چشم مادرم بر آن پیشی گرفته است. (۲)

۳. امام مجتبی علیه السلام در موقع احتضار حضرت فاطمه علیها السلام، او را بوسه باران کرده بود و عرضه می داشت:

يَا أُمَّاهُ! كَلِّمِينِي قَبْلَ أَنْ تَفَارِقَ رُوحِي بَدَنِي؛

—مادر جان! با من سخن بگو، پیش از آن که روح از بدنم مفارقت کند. (۳)

۴. امام مجتبی علیه السلام نقل می کند که مادرم در حال احتضار نگاه تندی کرد و گفت: درود بر جبرئیل، درود بر رسول خدا، خدایا با پیامبرت، در رضوان تو، در جوار تو و در خانه تو: دارالسلام.

سپس فرمود: آیا شما نیز می بینید آنچه را که من می بینم؟

پرسیدیم: شما چه چیزی می بینید؟ فرمود: مویک های آسمانی را می بینم، این جبرئیل است و این رسول خداست که می فرماید:

يَا بُنَيَّ أَقْدَمِي، فَمَا أَمَامَكَ خَيْرٌ لَكَ؛

—دخترم، به پیش، که آنچه در پیش روی توست، برای شما بهتر است. (۴)

۵. امام مجتبی علیه السلام نقل می کند که هنگامی که مولای متقیان چهره حضرت

ص: ۵۹

۱- [۱]. حضوری شافعی، نزهه المجالس، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- [۲]. ابن قتیبه، عیون الأخبار، ج ۳، ص ۹۷.

۳- [۳]. بیرجندی، الکبریة الأحمر، ص ۲۸۳.

۴- [۴]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۰.

فاطمه علیهاالسلام را گشود، نامه ای بالای سرش بود که در آن پس از بیان عقاید، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام نوشته بود:
مرا شبانه غسل بده، حنوط کن، کفن نما و بر پیکرم نماز بخوان و شبانه دفن کن و کسی را آگاه نکن، تو را به خدا می سپارم.

وَ أَقْرَأُ عَلَى وُلْدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛

تا روز رستاخیز به فرزندانم سلام برسان. (۱)

۲. از منظر امام حسین علیه السلام

۶. امام حسین علیه السلام روایت می کند که روزی یک نفر نابینا از حضرت فاطمه علیهاالسلام اجازه ورود خواست، حضرت اجازه نداد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چرا به او اجازه ورود ندادی؟ او که نابیناست.

حضرت فاطمه علیهاالسلام گفت: او مرا نمی بیند، ولی من او را می بینم. او نیز عطر مرا استشمام می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی. (۲)

۷. سالار شهیدان روایت کرده که چون حضرت فاطمه بیمار شد، به امیرمؤمنان علیه السلام توصیه نمود، که بیماری ایشان را مخفی بدارد، لذا شخصاً او را پرستاری می کرد و اسماء بنت عمیس آن حضرت را یاری می داد، به هنگام ارتحال نیز وصیت کرد که شخصاً او را تجهیز کند، شبانه به خاک بسپارد و جای قبر را مخفی بدارد.

هنگامی که از دفن بی بی فارغ شد، غم های عالم بر دلش فرو ریخت، روی

ص: ۶۰

۱- [۱]. همان، ص ۲۱۴.

۲- [۲]. ابن مغزلی، المناقب، ص ۳۸۰.

به قبر پیامبر کرد و عرضه داشت:

درود بر تو ای رسول خدا! از من و حبیبه ات و نور چشمت که به دیدارت شتافت و در زیر خاک قرار گرفت.

قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَ ضَعُفَ عَنِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ تَجَلُّدِي؛

ای رسول خدا، در فراق برگزیده ات صبرم کم شد و از سرو بانوان توانم طاق شد. (۱)

۸. امام حسین علیه السلام کیفیت غسل حضرت فاطمه علیها السلام را شرح می دهد و می فرماید:

امیرمؤمنان علیه السلام شخصاً او را غسل می داد و مرتب می گفت: خدایا! او کنیز تو و دختر پیامبر تو و برگزیده تو از میان بندگانت می باشد، بار خدایا حجّتش را تلقین فرما، برهانش را قوی ساز، درجه اش را متعالی بدار و او را با پدرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله محشور فرما. (۲)

۳. از منظر امام سجاد علیه السلام

۹. حضرت فخر السّاجدین امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

هنگامی که پدرم در آستانه شهادت بود، در حالی که خون مبارکش در حال غلیان بود، مرا به سینه چسبانید و فرمود:

فرزندم! این دعا را فراگیر که آن را حضرت فاطمه علیها السلام به من تعلیم کرده، به او نیز رسول خدا تعلیم فرموده است، به آن حضرت نیز جبرئیل یاد داده و گفته:

ص: ۶۱

۱- [۱]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲- [۲]. محدّث نوری، مستدرک وسائل، ج ۲، ص ۱۹۹.

هرگاه حاجت مهم داشتی و حادثه بزرگی به تو رخ داد بگو:

بِحَقِّ يَسِّ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طِهِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ؛ (۱)

۴. از منظر امام باقر علیه السلام

۱۰. امام باقر علیه السلام می فرمود:

وَلَقَدْ كَانَتْ مَفْرُوضَةً الطَّاعَةِ، عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ، وَالْوَحْشِ، وَالْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَلَائِكَةِ؛

حضرت فاطمه بر همه مخلوقات خداوند، از پریان، آدمیان، پرندگان، درندگان، پیامبران و فرشتگان واجب اطاعه بود. (۲)

۱۱. امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام را از این جهت «طاهره» نامیدند که از هر گونه پلیدی پاک و پاکیزه بود. (۳)

۱۲. امام باقر علیه السلام فرمود:

چون قائم ما قیام کند، حمیرا رجعت می کند، به او حدّ جاری می کند و انتقام حضرت فاطمه علیها السلام را از او می گیرد.

پرسیدند: چه حدّی برای او جاری می کند؟ فرمود: حدّ قذف، که به ماریه، مادر ابراهیم تهمت زده بود. (۴)

۱۳. هنگامی که امام باقر علیه السلام به تب مبتلا می شد، با صدای بلند نام حضرت فاطمه علیها السلام را بر زبان جاری می کرد و از نام آن حضرت طلب شفا می نمود. (۵)

ص: ۶۲

۱- [۱]. قطب راوندی، الدعوات، ص ۵۴.

۲- [۲]. طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۱۰۶.

۳- [۳]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

۴- [۴]. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۴.

۵- [۱]. محدث قمی، بیت الأحران، ص ۱۰۰.

۱۴. امام باقر علیه السلام در وصف آن مائده آسمانی که برای حضرت فاطمه علیها السلام آمده بود فرمود: آن یک کاسه نان و گوشت بود.

خاندان عصمت و طهارت به مدّت یک ماه از آن خوردند. آن کاسه در پیش ماست و قائم علیه السلام در آن غذا می خورد. (۱)

۵. از منظر امام صادق علیه السلام

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود: برای حضرت فاطمه در نزد خداوند متعال ۹ اسم هست: ۱- فاطمه ۲- صدیقه ۳- مبارکه ۴- طاهره ۵- زکیه ۶- رضیه ۷- مرضیه ۸- محدّثه ۹- زهرا (۲)

۱۶. از پیشوای ششم پرسیدند: چرا حضرت فاطمه «زهرا» نامیده می شود؟ فرمود:

لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا، زَهْرٌ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ، كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛

زیرا هنگامی که در محراب عبادتش می ایستاد، نور جمالش بر اهل آسمان ها نورافشانی می کرد، همان گونه که ستارگان برای اهل زمین پرتو افشانی می کنند. (۳)

۱۷. رئیس مذهب ما می فرماید:

وَ هِيَ الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى؛

حضرت فاطمه صدیقه کبری است و همه قرن های اولیه بر محور معرفت

ص: ۶۳

۱- [۲]. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- [۳]. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۷۴.

۳- [۴]. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۴۶.

او گردیده است. (۱)

۱۸. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: حضرت فاطمه علیها السلام را چه کسی غسل داد؟ فرمود: امیرمؤمنان.

این مطلب بر مفضل گران آمد، فرمود:

لَا تَضِيقَنَّ، فَإِنَّهَا صَدِيقَةٌ، وَ لَمْ يَكُنْ يَغْسِلُهَا إِلَّا صَدِيقٌ. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْيَمَ لَمْ يَغْسِلْهَا إِلَّا عِيسَى؛

بر دلت سنگین نباشد، زیرا حضرت فاطمه «صدیقه» بود، جز صدیق نمی توانست او را غسل دهد. مگر نمی دانی که حضرت مریم را حضرت عیسی _ علیه السلام غسل داد. (۲)

«صدیق» به معنای معصوم است، چون حضرت مریم معصوم بود، می بایست که یک فرد معصوم او را غسل دهد.

حضرت فاطمه علیها السلام نیز معصوم بود و لذا ایجاب می کرد که یک فرد معصوم او را غسل دهد.

۱۹. پیشوای ششم شیعیان فرمود: اگر خداوند متعال حضرت علی علیه السلام را نیافریده بود، در روی زمین برای ایشان هم سنگ پیدا نمی شد، از حضرت آدم به بعد. (۳)

۲۰. در عهد امام صادق علیه السلام پای زن حامله ای لغزید و بر زمین افتاد، به یاد حضرت افتاد و گفت:

لَعَنَ اللَّهُ مَظَالِمِيكَ يَا فَاطِمَةَ؛

ص: ۶۴

۱- [۱]. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۶۸، ح ۱۳۹۹.

۲- [۲]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۹.

۳- [۳]. همان، ص ۴۶۱.

مأمورین دولت او را دستگیر کردند، کتک زدند و به زندانش بردند.

خبر به امام صادق علیه السلام رسید، آن قدر گریست که محاسن شریفش تر شد. آن گاه به مسجد سهله تشریف بردند و برای استخلاص آن زن دعا کردند.^(۱)

۲۱. امام صادق علیه السلام در مورد شیوه رفتار امام زمان علیه السلام با غاصبان فدک می فرماید:

آنها را با همان هیزمی که برای سوزاندن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام آورده بودند، می سوزاند.

آن هیزم در نزد ماست، ما آن را از یکدیگر ارث می بریم.^(۲)

۲۲. یکی از اصحاب نام دخترش را «فاطمه» گذاشته بود، امام صادق علیه السلام به او فرمود: حالا که او را فاطمه نام نهاده ای، او را نفرین نکن، دشنام نده و او را مزین.^(۳)

۲۳. رئیس مذهب حقه فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام را از این جهت «محدثه» گویند که ملائکه از آسمان فرود می آمدند، او را ندا می کردند، همان گونه که مریم دخت عمران را ندا می کردند، پس می گفت:

يا فاطمة! (إِنَّ اللَّهَ - اضْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اضْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛

ای فاطمه! خداوند تو را برگزید، پاک و پاکیزه نمود و تو را بر بانوان جهان برگزید.^(۴)

ص: ۶۵

۱- [۱]. محدث قمی، بیت الأحران، ص ۱۰۱.

۲- [۲]. طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۴۵۵.

۳- [۳]. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

۴- [۱]. طبری، همان، ص ۱۵۲؛ سوره آل عمران، آیه ۴۲.

۶. از منظر امام کاظم علیه السلام

۲۴. امام کاظم علیه السلام فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ صِدِّيقَةَ شَهِيدَةٌ؛

فاطمه صدیقه و شهیده است. (۱)

۲۵. امام کاظم علیه السلام فرمود:

در هر خانه ای که نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، یا فاطمه از نام های بانوان باشد، فقر به آن خانه داخل نمی شود. (۲)

۷. از منظر امام رضا علیه السلام

۲۶. از امام رضا علیه السلام در مورد عمر مبارک حضرت فاطمه علیها السلام پرسیدند، فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام در سال پنجم بعثت متولد شد، هشت سال در مکه اقامت داشت، به مدینه مهاجرت نمود، ۱۰ سال نیز در مدینه اقامت کرد و به هنگام ارتحال عمر شریفش ۱۸ سال و ۷۵ روز بود. (۳)

۲۷. محل دفن حضرت را از امام رضا علیه السلام پرسیدند، فرمود:

در خانه اش به خاک سپرده شد، هنگامی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرار گرفت. (۴)

ص: ۶۶

۱- [۲]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲- [۳]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۰.

۳- [۴]. عطاردی، مسند الامام الرضا، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۱۷۵.

۴- [۱]. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۱.

۸. از منظر امام جواد علیه السلام

۲۸. امام جواد علیه السلام در سنین کودکی دست مبارکش را بر زمین زد، به سوی آسمان متوجه شد و مدت طولانی در اندیشه فرو رفت.

امام رضا علیه السلام فرمود: جانم به فدایت، در چه اندیشه ای؟

عرض کرد: در مورد آنچه بر مادرم فاطمه واقع شده، فکر می کنم.

سپس فرمود:

به خدا سوگند! پیکر آن دو پلید را از زمین بیرون می کشم، آتش می زنم، خاکسترشان را به دریا می ریزم.

امام رضا علیه السلام فرزند دلبندهش را به آغوش کشید، میان دو دیده اش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدای تو، تو شایسته آن (امامت) هستی. (۱)

۲۹. یکی از اصحاب به امام جواد علیه السلام شرح داد که هر روز از طرف یکی از معصومین طواف انجام داده است، در پایان از طواف به نیابت از حضرت فاطمه پرسید، امام علیه السلام فرمود:

آن را فراوان انجام بده، که آن برترین عملی است که تو انجام می دهی. (۲)

۹. از منظر امام هادی علیه السلام

۳۰. از امام هادی علیه السلام پرسیدند که چرا حضرت فاطمه را «زهرا» نامیدند؟ فرمود: برای این که جمال حضرت فاطمه بامدادان همانند خورشید فروزان برای حضرت علی علیه السلام می درخشید، به هنگام ظهر همانند ماه تابان و به هنگام

ص: ۶۷

۱- [۲]. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۸۴.

۲- [۳]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۱.

غروب چون ستاره سحر. (۱)

۳۱. احمد بن اسحاق حدیث مفصّلی از امام هادی علیه السلام پیرامون روز نهم ربیع الاول به عنوان: «عید الزّهرا» روایت کرده است. (۲)

۳۲. امام هادی علیه السلام فرمود: گوشت اولاد حضرت فاطمه بر درندگان حرام است. (۳)

۳۳. از امام هادی علیه السلام در مورد محلّ دفن حضرت فاطمه علیها السلام پرسیدند، فرمود:

هِيَ مَعَ جَدِّي؛

او در کنار جدم می باشد. (۴)

۱۰. از منظر امام حسن عسکری علیه السلام

۳۴. امام عسکری علیه السلام در یک بیان بسیار والا فرمود:

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، وَ فَاطِمَةُ حُجَّةُ عَلَيْنَا؛

ما - امامان - حجّت خدا بر مردمان هستیم و فاطمه - علیها السلام حجّت خدا بر ما می باشد. (۵)

۱۱. از منظر حضرت مهدی علیه السلام

۳۵. وجود مقدّس جان جانان، قبله خوبان، صاحب عصر و زمان، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در توقیع شریف خود می نویسد:

ص: ۶۸

۱- [۱]. همان، ج ۴۳، ص ۱۶.

۲- [۲]. همان، ج ۹۸، ص ۳۵۱.

۳- [۳]. قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۰۴.

۴- [۴]. سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۶۱.

۵- [۵]. مرحوم طیب، أطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۳۵.

وَفِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛

در دختر پیامبر برای من الگوی خوبی هست. (۱)

۳۶. علامه سید باقر، فرزند سید محمد هندی، متوفای ۱۳۲۹ ق. در شب عید غدیر، در عالم روا[□] به محضر مقدس کعبه مقصود مشرف می شود و حضرت را در حزن و اندوه می بیند، عرضه می دارد:

مولای من! همه غرق شادی و سُرور هستند، چرا شما را غمگین می بینم؟

حضرت می فرماید:

به یاد غم و اندوه مادرم افتادم.

آنگاه این بیت را انشاد می فرماید:

لَا تَرَانِي إِتَّخَذْتُ لَا وَعُلَاهَا بَعْدَ بَيْتِ الْأَحْزَانِ بَيْتَ سُرُورٍ

نه، هرگز، سوگند به عظمت آن حضرت، پس از بیت الأحزان بیت سُرور نخواهم داشت. (۲)

خدای را به عظمت حضرت زهرا علیها السلام می خوانیم که از بقیه دوران غیبت صرف نظر بفرماید، با امضای فرج مولا، سفره جشن و شادمانی را در پهندهشت کره خاکی بگستراند و قلب شریف قلب عالم امکان را شادمان بفرماید ان شاء الله.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کتاب ألفین، شیخ علی حیدر مود[□]

۲. بحار الأنوار، از علامه مجلسی، جلد ۴۳

۳. موسوعه سیره أهل البیت، محمد باقر قرشی

ص: ۶۹

۱- [۱]. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۶.

۲- [۲]. سید عبدالرزاق مقرّم، وفاه الزّهراء، ص ۹۷.

اشاره

در میان میلیون ها بانوی با فضیلت جهان، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که در شاهوار جهان آفرینش، دُر دانه ی بی همتای خداوند مَنان باشد و سرور بانوان جهان، دخت گرانمایه ی خاتم پیامبران، وجود اقدس سیده النّسوان را در صدف خود پروراند. او کسی جز حضرت خدیجه علیها السلام نبود.

نسب حضرت خدیجه علیها السلام

او دخت گرامی «خَوَیَلَد» فرزند اَسَد، فرزند عبدالعُزّی، فرزند قُصَیّی، فرزند کِلَاب، فرزند مُرّه، فرزند کَعْب، فرزند لُؤی، فرزند غالب، فرزند فِهر می باشد. (۱)

مادرش: فاطمه دخت زائده، پسر اَصَم، پسر رِواحِه، پسر حَجْر، پسر عبد، پسر مَعِیص، پسر عامر، پسر لُؤی، پسر غالب، پسر فِهر بود. (۲)

حضرت خدیجه از تیره ی قریش بود، از سوی پدر در نیای سوم (قُصَیّ) و

از سوی مادر در نیای هشتم (لُؤی) با نسب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیوند می خورد.

ص: ۷۰

۱- [۱]. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۸.

۲- [۲]. همان.

«خویدل» قهرمان دلاوری بود که به هنگام تهاجم «تُبَّع» پادشاه خودکامه ی «یمن» دست به شمشیر برد، مردانه در برابرش ایستاد و او را با ذلت و خواری از حریم کعبه دور ساخت. (۱)

هنگام جلوس «سیف بن ذی یزن» بر تخت سلطنت، او به همراه حضرت عبدالمطلب به عنوان نماینده ی قریش به «صنعا» رفت و در کاخ «غمدان» به وی تبریک گفت. (۲)

«اسد» پدر خویدل نیز از چهره های درخشان قریش بود، در اجتماع «حلف الفضول» که به عنوان دفاع از مظلومان برگزار شد و به «پیمان جوانمردان» شهرت یافت، شرکت فعال داشت. (۳)

کنیه و القاب

برای حضرت خدیجه علیهاالسلام کنیه ها و القاب فراوانی نقل شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. امّ المؤمنین

منطق وحی همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در رأس آنها حضرت خدیجه را «امّ المؤمنین» لقب داده است. (۴)

بزرگ مفسر قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را برترین بانوان و برترین همسران

خود خوانده فرمود:

ص: ۷۱

۱- [۱]. سیلاوی، الأنوار الساطعه، ص ۹.

۲- [۲]. أزرقي، تاریخ مکه، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳- [۳]. همان، ص ۲۶۶.

۴- [۴]. سوره ی احزاب، آیه ی ۶.

یا خدیجه! أَنْتِ خَيْرُ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَفْضَلُهُنَّ وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ؛

_ای خدیجه! تو برترین امّ المؤمنین ها و بهترین آنها و بانوی بانوان جهان هستی. (۱)

۲. بانوی بانوان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث فوق او را «سیده نساء العالمین» تعبیر کرده، مولای متّقیان علیه السلام در چکامه ای که در سوگ حضرت خدیجه سروده، او را «سیده النّسوان» خوانده (۲) امام کاظم علیه السلام نیز از ایشان به عنوان «سیده قریش» یاد کرده است. (۳)

در عهد جاهلی نیز ایشان را «سیده نساء قریش» می خواندند. (۴)

۳. صدّیقه

گلوازه ی صدّیقه در قرآن کریم فقط یک بار در باره ی حضرت مریم به کار رفته، (۵) و امام صادق علیه السلام آن را به معنای «معصومه» معنی کرده است. (۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام معرفی حضرت خدیجه به جبرئیل امین فرمود:

هذه صدّیقه امتی ؛

_این صدّیقه ی امت من می باشد. (۷)

ص: ۷۲

۱- [۱]. أخطب خوارزم، مقتل الحسين، ج ۱، ص ۵۲.

۲- [۲]. علامه ی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۴۳.

۳- [۳]. حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۵۲.

۴- [۴]. زرقانی، شرح المواهب اللدنیّه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۵- [۵]. سوره ی مائده، آیه ی ۷۵.

۶- [۶]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۹.

۷- [۱]. ابن کثیر، البدایه و النّهایه، ج ۲، ص ۶۲.

مشهورترین لقب حضرت خدیجه علیها السلام در عهد جاهلیت «طاهره» بود^(۱) زیرا که او پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بود.^(۲)

۵. مبارکه

محدّث قمی از کلمات قدسی روایت می کند که خداوند منّان به حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

إِنِّي خَلَقْتُكَ مِنْ غَيْرِ فِجْلِ آيَةٍ لِلْعَالَمِينَ.

أخبرهم: آمنوا بي و برسولي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، نسله من مبارکه، هي مع امّك في الجنّه؛

—من تو را بدون پدر آفریدم که آیتی برای جهانیان باشی.—

به امّت خود بگو که برای من و پیامبر من ایمان بیاورند که او پیامبر امّی است و نسل او از یک بانوی «مبارکه» است که او با مادرت در بهشت است.^(۳)

عبدالله بن سلیمان نیز آن را از انجیل نقل کرده است.^(۴)

۶. دیگر القاب

در یکی از زیارت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (زیارت از راه دور) آمده است:

درود بر صدّیقه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، خدیجه ی کبری،

ص: ۷۳

۱- [۲]. ابن حجر، الاصابه، ج ۸، ص ۶۰.

۲- [۳]. زرقانی، شرح المواهب اللدنیّه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳- [۴]. محدّث قمی، کحل البصر، ص ۷۰.

۴- [۵]. علامه ی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۲.

سیمای حضرت خدیجه در آینه ی وحی

نخستین سیر شبانه ی خاتم پیامبران به آسمان دو سال پس از بعثت در شب دوشنبه ای در ماه ربیع الاول اتفاق افتاد. (۲)

به هنگام بازگشت به سوی زمین پیک وحی عرضه داشت:

حاجتی أن تقرأ علی خدیجه من اللّٰه و منّی السّلام؛

حاجت من این است که از سوی خداوند و من جبرئیل به خدیجه سلام برسانی. (۳)

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام خداوند و حضرت جبرئیل را به حضرت خدیجه علیها السلام ابلاغ نمود، حضرت خدیجه عرض کرد:

إنّ اللّٰه هو السّلام، ومنه السّلام، وإلیه السّلام، وعلی جبرئیل السّلام؛

خداوند خود سلام است، همه ی سلام ها از او و به سوی اوست، بر جبرئیل نیز درود باد. (۴)

یک بار دیگر پیک وحی بر فراز جبل النور به محضر رسول عالمیان عرض کرد:

این خدیجه است که برای تو غذا و آب آورده، چون نزد تو آید از خدا و

از من به او سلام برسان و او را بشارت بده به قصری از مروارید که در

ص: ۷۴

۱- [۱]. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۲- [۲]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳- [۳]. عیاشی، التفسیر، ج ۳، ص ۳۵.

۴- [۴]. همان.

آن نه سر و صدایی است و نه غم و اندوهی. (۱)

ذهبی گوید: بر صحت این حدیث اتفاق نظر است. (۲)

پس از ارتحال حضرت خدیجه علیهاالسلام، حضرت فاطمه علیهاالسلام در اطراف پیامبر می پیچید و می گفت:

یا اَبه! این امی؟

بابا! مادرم کجاست؟

بیک وحی فرود آمد و عرضه داشت:

پروردگارت فرمان می دهد که به فاطمه سلام برسانی و به او بگویی:

إِنَّ أُمَّكَ فِي بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ، كِعَابِهِ مِنْ ذَهَبٍ، وَعُمُدُهُ يَاقُوتٌ أَحْمَرٌ، بَيْنَ آسِيَةٍ وَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ؛

مادرت در خانه ای از مروارید است، که سقف آن از طلا و ستون هایش از یاقوت سرخ، در میان مریم و آسیه است. (۳)

چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود حق تعالی را به حضرت زهرا علیهاالسلام ابلاغ کرد، فاطمه ی ۵ ساله عرض کرد:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ؛

خداوند خود سلام است، همه ی سلام ها از او و به سوی اوست. (۴)

ص: ۷۵

۱- [۱]. بخاری، الصّحیح، ج ۵، ص ۴۸.

۲- [۲]. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳- [۳]. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۱۷۵، ح ۲۹۴.

۴- [۴]. همان.

خدیجه ی کبری از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله

احادیث فراوانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام رسیده است که به شماری از آنها فقط اشاره می کنیم:

۱. هذه صدیقه امتی ؛

او صدیقه ی اّمّت من است. (۱)

۲. یا خدیجه! أنت خیر امّات المؤمنین ؛

ای خدیجه! تو بهترین امّ المؤمنین ها هستی. (۲)

۳. ما أبدلنی الله خیرا منها ؛

هرگز خداوند همسری بهتر از او برایم جایگزین نکرده است. (۳)

۴. إنّ الله لیباهی بک کرام ملائکته کلّ یوم مرارا ؛

خداوند هر روز چندین بار با تو بر فرشتگان گرامی اش مباحثات می کند. (۴)

۵. فضّلت خدیجه علی نساء امتی ؛

خدیجه بر بانوان اّمّت من برتری داده شده است. (۵)

۶. مریم سیّده نساء عالمها و خدیجه سیّده نساء عالمها ؛

مریم سرور بانوان زمان خود و خدیجه سرور بانوان زمان خود می باشد. (۶)

۷. أفضل نساء أهل الجنّة خدیجه ابنه خویلد و فاطمه ابنه محمّد ؛

برترین بانوان بهشت، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمّد صلی الله علیه و آله

ص: ۷۶

۱- [۱]. ابن کثیر، البدایه و النّهایه، ج ۲، ص ۶۲.

۲- [۲]. سیلاوی، الأنوار الساطعه، ص ۷.

۳- [۳]. ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۸۵.

- ٤- [٤] . علامه ی مجلسی، بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٧٨.
- ٥- [٥] . ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ٧٤، ص ٨٤.
- ٦- [٦] . مشغری، الدرّ النّظیم، ص ٤٦٠.

می باشد. (۱)

۸. خدیجه ابنه خویلد سابقه نساء العالمین إلى الایمان بالله و بمحمد؛

خدیجه دختر خویلد در ایمان به خدا و رسول خدا، از همه ی بانوان جهان پیشی گرفته است. (۲)

۹. خطاب به حضرت فاطمه: إِنَّ بطنِ امِّکِ کانَ للإمامه و عاء؛

شکم مادرت ظرف امامت قرار گرفت. (۳)

۱۰. و قد ذکر بأنَّ اللهَ رزقه حبَّها؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود که خداوند مَنانِ محبَّتِ خدیجه علیها السلام را به آن حضرت روزی کرده است. (۴)

اَوْلِیَاتِ حضرت خدیجه علیها السلام

۱. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانویی است که به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد. (۵)

۲. وی نخستین بانویی است که با پیامبر نماز گزارد. (۶)

۳. او نخستین بانویی است که به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام ایمان آورد و به امر حضرت پیامبر با او بیعت کرد. (۷)

ص: ۷۷

۱- [۱]. ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۱۰۴.

۲- [۲]. حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۴.

۳- [۳]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۸۴.

۴- [۴]. گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص ۳۵۹.

۵- [۵]. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۲۵۹، ح ۴۶۷.

۶- [۶]. علامه ی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۸۰.

۷- [۷]. همان، ج ۱۸، ص ۲۳۳.

۴. وی نخستین بانویی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد. (۱)

۵. او نخستین بانویی است که از دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انگور بهشتی تناول نمود. (۲)

دوشیزه ی حجاز

همواره قلم در دست صاحبان زر، زور و تزویر بود، از این رهگذر بسیاری از حقایق مسلم تاریخ دستخوش تحریف شده است.

بدون تردید حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوشیزه بود و هرگز با کسی ازدواج نکرده بود، ولی برای این که یکی دیگر از همسران را دوشیزه معرفی کنند، برای حضرت خدیجه علیها السلام دو شوهر تراشیده اند، تا او را بیوه زن و چهل ساله معرفی کنند!!

ابن شهر آشوب در کتاب گران سنگ خود از چهار چهره ی برجسته ی جهان اسلام:

۱. احمد بلاذری، متوفای ۲۷۹ ق. صاحب کتاب: «أنساب الأشراف»

۲. ابوالقاسم کوفی، متوفای ۳۵۲ ق. صاحب کتاب: «الاستغاثه»

۳. سید مرتضی علم الهدی، متوفای ۴۳۶ ق. صاحب کتاب: «الشافی فی الامامه»

۴. شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق. صاحب کتاب «تلخیص الشافی» ؛

روایت کرده که گفته اند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد وی دوشیزه

ص: ۷۸

۱- [۱]. ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۱۳۴.

۲- [۲]. هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۲۵.

حسین بن حمدان خصیبی، متوفای ۳۳۴ ق. با صراحت و قاطعیت می نویسد:

به جز رسول خدا هرگز احدی افتخار همسری حضرت خدیجه علیها السلام را پیدا نکرد، چنانکه تا خدیجه زنده بود، پیامبر اکرم همسر دیگری برنگزید. (۲)

ابوالقاسم علی بن احمد کوفی، نوه ی موسی مبرقع و نواده ی امام جواد علیه السلام، متوفای ۳۵۲ ق. در این رابطه می نویسد:

بی گمان حضرت خدیجه علیها السلام به جز رسول خدا هرگز با احدی ازدواج نکرده بود. (۳)

ابن شهر آشوب می نویسد:

این مطلب را تأکید می کند آنچه در دو کتاب «الأنوار» و «البدع» آمده که رقیه و زینب، دختران هاله خواهر خدیجه بودند. (۴)

مورخ شهیر سید جعفر مرتضی برای اثبات این مطلب دو کتاب مستقل تألیف کرده:

(۱) بنات النبیّ أم ربائبه

(۲) القول الصائب فی إثبات الرّبائب

ص: ۷۹

۱- [۱]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲- [۲]. خصیبی، الهدایه الکبری، ص ۴۰.

۳- [۳]. کوفی، الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۰.

۴- [۴]. ابن شهر آشوب، همان.

و در کتاب سیره اش به تفصیل آن را اثبات کرده است.^(۱)

دختران هاله

حضرت خدیجه علیها السلام خواهری داشت به نام «هاله» با مردی از مخزوم ازدواج کرد و از او دختری آورد به نام هاله.

سپس با مردی از تمیم ازدواج کرد و از او پسری آورد به نام هند.

شوهرش ابوهند از همسر قبلی خود دو دختر به نام: رقیه و زینب داشت.

پس از درگذشت ابوهند، پسرش به خانواده ی پدری اش پیوست و دخترانش در تحت کفالت هاله ماندند.

حضرت خدیجه علیها السلام که امّ الأراامل (سرپرست زنان بیوه) و الأیتام بود، خواهرش هاله را با دو دختر ابوهند تحت کفالت خود قرار داد.

زینب و رقیه که در خانه ی حضرت خدیجه علیها السلام پرورش یافتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بابا خطاب می کردند.

در میان عرب رسم بود هر کس یتیمی را تربیت می کرد به عنوان فرزند او شناخته می شد، از این رهگذر این دو دختر نیز به پیامبر و خدیجه منسوب شدند.^(۲)

روی این بیان زینب و رقیه، نه فقط دختران پیامبر و خدیجه نبودند، بلکه حتّی دختران هاله نبودند، بلکه ربیبه های هاله، یعنی دختران ابوهند از همسر قبلی اش بودند.

پس از آن که آنها به همسری عثمان درآمدند، وسیله ی تبلیغ اموی ها شد، تا

ص: ۸۰

۱- [۱]. جعفر مرتضی، الصّحیح من سیره النّبی، ج ۲، ص ۱۸۷ - ۲۲۱.

۲- [۲]. کوفی، الاستغاثه، ج ۱، ص ۶۸.

او را رقیب سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام معرفی کرده، او را نیز داماد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قلمداد کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به مولای متقیان علیه السلام فرمود:

یا علی! اوتیت ثلاثا لم یؤتھن أحد و لا أنا؛

اوتیت صھرا مثلی و لم اوت أنا مثلی ...؛

— علی جان! خداوند به تو سه امتیاز داده که به احدی، حتی به من نداده است:—

خداوند به تو پدرزنی چون من داده، که به من پدرزنی در حدّ خودم نداده است. (۱)

روی این بیان افتخار دامادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منحصر از آن امیرمؤمنان علیه السلام می باشد، اگر فرد دیگری در این افتخار شرکت داشت، حدیث پیامبر نقض می شد.

سنّ حضرت خدیجه علیها السلام

حافظ عمادالدین عامری، متوفای ۸۹۳ ق. سنّ حضرت خدیجه را به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ دانسته و هیچ قول دیگری را نقل نکرده است. (۲)

حافظ ابوبکر بیهقی، متوفای ۴۵۸ ق. نیز فقط همین قول را صحیح دانسته است. (۳)

قول دیگر این است که حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ساله بود و این قول ابن عباس است. (۴)

حاکم نیشابوری با سلسله اسنادش از محمد بن اسحاق، صاحب سیره، نقل کرده که حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر

ص: ۸۱

۱- [۱]. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۵، ص ۷۴.

۲- [۲]. عامری، بهجه المحافل، ج ۱، ص ۴۸.

۳- [۳]. بیهقی، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۷۱.

۴- [۱]. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲۸ ساله بود، سپس می افزاید:

آنچه گفته می شود ۴۰ ساله بوده قول شاذّ می باشد. (۱)

تاریخ ازدواج

بی گمان ازدواج حضرت خدیجه علیهاالسلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال ۲۵ عام الفیل، ۱۵ سال پیش از بعثت و ۲۸ سال پیش از هجرت بوده است.

این پیوند مقدّس در ماه ربیع الاوّل اتفاق افتاده و اختلافی در آن نقل نشده است. (۲)

روز ازدواج نیز بنابر مشهور دهم ماه ربیع بوده است، چنانکه سید ابن طاووس آن را از شیخ مفید نقل کرده و روزه ی آن را برای شکرانه ی این پیوند مقدّس مستحبّ دانسته است. (۳)

مرحوم کاشف الغطاء به هنگام بحث از نهم ربیع می فرماید:

یکی دیگر از علل شادی حضرت زهرا علیهاالسلام در این ایام پیوند مقدّس سید

کاینات با بانوی پاک و پاک سرشت، حضرت خدیجه علیهاالسلام است، که بی گمان حضرت زهرا علیهاالسلام در این روز شاد و مسرور است و این شادی به شیعیان و

ص: ۸۲

۱- [۲]. حاکم، المستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲- [۳]. همان.

۳- [۴]. سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۱۱۵.

مهریه ی حضرت خدیجه علیهاالسلام

حضرت خدیجه ۴۰۰۰ دینار به عباس داد که آن را به عنوان مهریه به خانواده ی حضرت خدیجه علیهاالسلام بدهند (۲) ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط ۵۰۰ درهم به عنوان مهریه تقدیم نمود. (۳) حضرت ابوطالب نیز ۲۰ شتر جوان از مال خود بر آن افزود. (۴)

اگر چه این پیوند مقدّس ۱۵ سال پیش از بعثت اتفاق افتاده، ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۵۰۰ درهم (یعنی یک هشتادم مال ارسالی حضرت خدیجه را) به عنوان مهریه تقدیم می کند، تا امت از آن حضرت پیروی کرده، از مهریه های سنگین پرهیز کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره خود را مدیون حضرت خدیجه علیهاالسلامی دانست و لذا پس از تصرّف فدک به حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود:

دخترم! خداوند فدک را به پدرت اختصاص داد. دیگر مسلمانان نصیبی در آن ندارند.

مادرت خدیجه مهریه ای در عهده ی پدرت داشت. پدرت فدک را به عنوان

مهریه ی مادرت به تو داد، تا نحله ی تو باشد، سپس از آن فرزندان. (۵)

ص: ۸۳

۱- [۱]. کاشف الغطاء، جنّه المأوی، ص ۹۴.

۲- [۲]. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

۳- [۳]. علامه ی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۰.

۴- [۴]. کلینی، همان، ص ۳۷۵.

۵- [۱]. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۱۲.

حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک دختر و دو پسر آورد.

همه ی سیره نویسان اتفاق نظر دارند که به جز ابراهیم، دیگر فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه ی کبری بود:

(۱) قاسم، بزرگ ترین فرزند پیامبر، که پیش از بعثت متولد شد و در سن چهارسالگی درگذشت.

(۲) عبدالله که بعد از بعثت متولد شد و لذا به طیب و طاهر ملقب گردید. (۱) او نیز در شیرخوارگی، یکماه بعد از قاسم درگذشت. (۲)

(۳) حضرت فاطمه علیها السلام

غروب غمبار

پیامبر اکرم علیها السلام ۲۵ سال تمام با وی زندگی کرد، او تنها آرام بخش قلب پیامبر و تنها مایه ی تسلی آن حضرت بود، از این رهگذر به هنگام ارتحالش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قدری محزون شد که برای سلامتی اش نگران شدند. (۳)

وفات حضرت خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت، شب دهم ماه رمضان اتفاق افتاد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد قبر شده، شخصا همسرش را در قبر نهاد. (۴)

ارتحال حضرت خدیجه علیها السلام به فاصله ی اندکی از وفات حضرت ابوطالب علیه السلام رخ داد، از این رهگذر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن سال را «عام الحزن» نام

ص: ۸۴

۱- [۲]. ابن کلبی، جمهره النسب، ص ۳۰.

۲- [۳]. یعقوبی، التاریخ، ج ۲، ص ۲۶.

۳- [۴]. طبری، دلائل الامامه، ص ۸.

۴- [۵]. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸.

به هنگام فتح مکه، اشراف مکه با اصرار فراوان از آن حضرت تقاضا می کردند که در منزل آنها وارد شود، ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار قبر حضرت خدیجه علیها السلام میخیمه زد و ایام اقامتش در مکه را در کنار قبر حضرت خدیجه علیها السلام سپری کرد. (۲)

برای تحقیق بیشتر:

۱. الأنوار الساطعه، شیخ غالب سیلاوی، چاپ قم، ۱۴۲۴ ق.
۲. جوهره الكوثر، علی اکبر مهدی پور، چاپ قم، ۱۴۳۴ ق.
۳. نساء النبی و بناته، دکتر نجاح طائی، چاپ ۱۴۲۵ ق.

ص: ۸۵

۱- [۱]. اربلی، كشف الغمه، ج ۱، ص ۱۶.

۲- [۲]. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۳، ص ۵۷.

اشاره

سرسلسله ی بانوان بزرگی که کرسی خطابه را با خطابه های شورانگیز خود زینت بخشیده اند، صدیقه ی کبری، فاطمه ی زهرا علیهاالسلامی باشد، که قدرت بیان، گیرایی تعبیر، بلندی معانی و شیوایی اسلوب را از پدر والا قدرش به ارث برده، در فصاحت و بلاغت هم سنگ همسر بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام قرار گرفته، گوی سبقت را از همه ی بانوان عالم برده است.

خطبه ای که در این بخش تقدیم می گردد، خطبه ای است که پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه ی منوره، در حضور مهاجر و انصار، به عنوان «استیضاح خلیفه» و انتقاد از نظام حاکم ایراد شده است.

بزرگ بانوی جهان آفرینش، به هنگام القای این خطبه، در سوگ پدر بزرگوارش به شدت متأثر، از غضب حق شوی گرامی اش در دریای غم و اندوه غوطه ور، از ناحیه ی سینه، بازو، کمر و صورت به شدت مجروح و مصدوم بود، ولی در این خطبه از طرز تشکیل حکومت و تحریف مسیر خلافت انتقاد نموده، آثار زیان بار آن را در اجتماع نوین اسلام به تفصیل بیان کرده، از توحید، نبوت، امامت، فلسفه ی احکام، حقایق تابناک اسلام و معارف والای تشیع سخن گفته، چهره ی کریه غاصبان خلافت و متصدیان نامشروع زعامت

را به شایسته ترین وجه ممکن ترسیم نموده، که از دیدگاه عمق مطالب، استحکام معانی، استدلال به آیات قرآن، استشهاد به سنت قطعی، شیوایی بیان و تناسب آن با هدف خطابه، به قدری بلند و پرمایه است که نظیر آن، جز در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیربیان، مولای متقیان، پیشوای پروا پیشگان، حضرت علی علیه السلام یافت نمی شود.

فرازهای تابناک این خطبه در سینه ها ضبط شد، در بایگانی تاریخ نقش بست و در سرلوحه ی اوراق زرین تاریخ ثبت گردیده است.

فاطمه علیها السلام در مسجد

هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم نهایی خود را در مورد غصب فدک از حضرت زهرا علیها السلام گرفتند و نماینده ی ایشان را از آنجا خارج کردند و این خبر به آن حضرت رسید، سر مبارک را پوشاند و چادر بر سر کشید و همراه عده ای از زنان خدمتگذار و بانوان خویشاوندش به مسجد آمدند. هنگام راه رفتن چادر حضرت به زمین کشیده می شد و پایین آن زیر پای شان می رفت، و همانند پیامبر صلی الله علیه و آله راه می رفت. حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر وارد شد در حالی که او در بین گروهی از مهاجران و انصار و سایر مردم بود. پرده ای میان مردم و آن حضرت آویخته شد و ایشان نشست.

آن گاه چنان آهی کشید که بر اثر آن همگان گریستند و مجلس پر خروش و منقلب شد. سپس کمی صبر نمود تا صدای گریه ی مردم خاموش شد و هیجان شان آرام گرفت، در این حال با ستایش خداوند و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله سخن را آغاز کرد. مردم دیگر بار گریستند، و چون آرام شدند ایشان سخن

خود را از سر گرفت ...

نکته ای که در ابتدای ورود حضرت فاطمه علیها السلام به مسجد قابل تأمل است ناله ی سوزناک ایشان و به دنبال آن اشک و زاری مردم است. ناله ی فاطمه علیها السلام حکایت از وجود مطلبی دارد که او را آزرده است. مردم نیز از این مطلب آگاه شده و شروع به گریه کردند، زیرا بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بودند که: «فاطمه بضعه منی یؤذینی ما آذاها».

اکنون سؤال می شود این چه مطلبی بوده که او را آزرده است، و این آزرده شدن به دست چه کسی واقع شده است؟!!

طبق دنباله ی خطبه معلوم می شود که زهرای مرضیه علیها السلام از غصب فدک ناراحت است که توسط ابوبکر و عمر و همدستان شان واقع شده است.

اگر اهل بیت: با خلفا تعاملی خوب داشتند پس چرا دختر پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه از اعماق دل آه می کشد و از دست غاصبان فدک می نالد؟!!

حمد و ثنای الهی

در آغاز خطابه حضرت فاطمه علیها السلام جملاتی زیبا در اوج بلاغت و فصاحت در حمد و ثنای الهی فرمودند که از آن جمله است:

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَلِمَةً جَعَلَ الْأَيْدِ خُلَاصَ تَأْوِيلِهَا وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا .
الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيِيَّتُهُ وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ . ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمِثْلَهُ
إِمْتِنَانًا ؛

— گواهی می دهم که معبودی جز « الله » نیست ، او یگانه است و برایش

همتایی نیست. کلمه ای است که تأویل آن اخلاص است، و درک آن را در دل ها قرار داده و حقیقت آن را در گستره ی اندیشه روشنی بخشیده _

_ است. خداوندی که چشم ها دیدنش را نتوانند، و زبان ها از وصف او بازمانند، و درک چگونگی اش در خیال ننگند. او تمامی اشیاء را پدید آورد بدون این که موجودی قبل از آن باشد و آنان را آفرید بدون آن که از الگو و نمونه ای پیروی کند. _

بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

در ادامه حضرت در مورد بعثت و پیامبری پدرشان سخن گفتند و عظمت او و رسالتش را بیان داشته فرمودند:

فَأَنَارَ اللَّهُ بِرَبِّ أَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلْمَهَا وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَجَلَّا عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ فَأَنقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَدَعَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ؛

_ آنگاه خداوند به وجود پدرم محمد _ صلی الله علیه و آله تاریکی هایشان را روشنی بخشید، و از دل ها مشکلات را زدود، و از چشم ها ابهام را کنار زد.

آن حضرت در میان مردم برای هدایت پیاخاست. ایشان را از گمراهی رهایی بخشید، و آنان را از غفلت به در آورده بینایی و بصیرت شان داد، و به آیین استوار راهنمایی نمود و آنها را به راه راست فراخواند.

در این فرازها بارها صدیقه ی طاهره علیهاالسلام از رسول الله صلی الله علیه و آله با کلمه ی «پدرم» یاد می کند تا برای مردم یاد آوری نماید که من دختر او و کسی هستم که در

خانه ی او بزرگ شده است.

آری، فاطمه علیهاالسلام همان امّ ابیهایی است که در بیت نبوت پرورش یافت، و در خانه ی وصایت زندگی کرد، و امامت را تربیت نمود.

یادگارهای پیامبر صلی الله علیه و آله

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم نمود و آنها را به تکالیف الهی و بندگی خدا یاد آور ساخت، و یادگارهای رسول الله صلی الله علیه و آله را در میان شان بیان داشته فرمود:

وَ (نَحْنُ) بَقِيَّتُهُ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ (مَعَنَا) كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ؛

ما یادگارانی هستیم که خداوند بر شما قرار داده، و به همراه ما کتاب ناطق الهی و قرآن صادق، نور تابناک و شعاع درخشنده ای است.

حکمت های شریعت اسلام

در ادامه بعضی از حکمت های دین مبین اسلام و احکام الهی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر را بیان کردند و در مورد ولایت فرمودند:

وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ،

پیروی از ما (اهل بیت) را برای سامان یافتن امر امت، و امامت و پیشوایی ما را برای ایمنی از پراکندگی و تفرقه قرار داده است.

با این کلام حضرت فاطمه علیهاالسلام اساس تمام تفرقه ها در اسلام را دور بودن از ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام بیان نمودند که اگر مسلمانان همراه با آنها و

امامت شان بودند هیچ گاه تفرقه در اسلام به وجود نمی آمد. و همچنین طبق این کلام روشن می شود هرگاه جدایی در اسلام روی داد آن طرف که امامت اهل بیت علیهم السلام است حق بوده و باید به سوی آن رفت و بقیه باطل است.

پس تمامی مسلمانانی که به سمتی غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام رفتند به سمت باطل رفته اند و از حق جدا شده اند.

معرفی خویشتن

در دنباله حضرت فاطمه علیهاالسلام برای این که عذری از مسلمانان باقی نماند خودشان را معرفی کرده بیان داشتند:

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ! أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْوًا، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا؛

ای مردم! بدانید که من فاطمه ام و پدرم محمد _صلی الله علیه و آله است. ابتدا و انتهای کلامم این است و آنچه را که می گویم نادرست نمی گویم، و در آنچه انجام می دهم از مسیر حق کناره نمی گیرم، پس با گوش های شنوا و قلب های آگاه سخن مرا گوش کنید .

در این فراز دوباره زهرای اطهر علیهاالسلام خود را معرفی می نماید تا برای احدی عذری باقی نماند و نگویند ما گوینده ی این کلام را نمی شناختیم. همچنین شمه ای از عصمت خود را بیان می نماید تا مردم بدانند سخن فاطمی غیر از سخن دیگران است.

مسیر رسالت الهی

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام به بیان مسیر رسالت الهی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و

وصی ایشان پرداختند، و با اشاره به این که خداوند به وسیله ی رسولش مردم را از بت پرستی نجات داد و به وسیله ی حضرت علی علیه السلام در تمامی معرکه ها او را یاری کرد فرمود:

« كَلِّمُوا أَوْ قَتَلُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَالَهَا اللَّهُ » (۱) أَوْ نَجَمِ قَوْمِ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرْتُ فَاغْرَهُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِيءُ حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَيُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْتَرًّا نَاصِحًا مُجِدِّدًا كَادِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَاكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِّ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ؛

—هرگاه آتشی برای جنگ برافروختند خداوند آن را خاموش ساخت، یا آن گاه که شاخ شیطان سر بر می آورد یا دهان اهل شرک برای فتنه گشوده می شد، در این حال پدرم برادرش (علی _ علیه السلام) را در ژرفای کام دشمن می افکند، و او نیز باز نمی آمد تا آن که بال های ایشان را با قدم هایش لگدمال سازد و شراره ی فتنه را با شمشیرش خاموش نماید. او (علی علیه السلام) در راه خدا پذیرای هر رنج و سختی بود، و در اجرای فرمان خداوند بسیار کوشا، به رسول خدا نزدیک ترین افراد، و در جمع اولیای خدا سالار و سرور بود. در راه خدا کمر همت بسته بود. خیر خواه، تلاشگر و سخت کوش بود. سرزنش هیچ ملامتگری او را از سعی و مجاهدت در راه خدا باز نمی داشت. و این در حالی بود که شما در

ص: ۹۲

آسایش و نعمت به سر می بُردید؛ و آسوده خاطر، شادمان و بهره مند از ایمنی بودید! پیش آمدهای ناگوار را برای ما انتظار می کشیدید، و چشم به راه خبرهای آن بودید هنگام پیکار، از نبرد کناره می گرفتید، و از

صحنه ی جنگ فرار می کردید!!

در اینجا حضرت زهرا علیهاالسلام زحمات طاقت فرسای پدر و شوهرش را برای آنها روشن می سازد که شما از جنگ ها فرار می کردید، ولی شوهرم حضرت علی علیه السلام یگانه ی میدان نبرد بود و اسلام به دست او پیشرفت کرد. اما الآن شما تمامی زحمات او را نادیده گرفته اید و بر مسند او تکیه زده اید.

صدیقه ی طاهره علیهاالسلام در این فراز تلاش می کند حقی که خلفا غضب کرده اند را بیان دارد و گذشته ی اسلام را به یاد مسلمانان آورد. عده ی زیادی از این مسلمانان که با غاصبان حق امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کرده بودند در جنگ های صدر اسلام حضور داشتند و رشادت های حضرت را دیده بودند و می دانستند احدی وجود ندارد که بتواند با او برابری کند ولی دنبال ابوبکر و عمر رفتند و از حق دور شدند.

رفتار مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

در ادامه حضرت فاطمه علیهاالسلام با صراحت بیشتری سخن می گوید و پایمالی حق توسط مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان کرده فرمود:

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ . فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانَ

رَأْسَهُ مِنْ مَغْرِزِهِ، هَاتِفَا بَكْمَ فَأَلْفَاكُم لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْغَزَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ .

ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ، فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُم غَضَابًا، فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ، هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ

الْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبِرُ !

اَيْدَارَا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ ! « أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ » . (۱)

_ هنگامی که خداوند برای پیامبر خویش جایگاه انبیا و منزلگاه برگزیدگان را برگزید ، کینه های ناشی از نفاق در شما پدیدار گشت و پوشش دین فرسوده شد ، در این حال خاموش ترین گمراهان به سخن آمد ، و آن گمنام فرومایه آشکار شد ، و سر کرده ی اهل باطل به صدا درآمد و در عرصه ی شما قدرت نمایی کرد و شیطان از کمینگاه خویش سر برآورد در حالی که شما را به سوی خود فرا می خواند ، و شما را چنان یافت که دعوت او را اجابت می نمایید و به فریبش فریفته می شوید . _

آن گاه از شما خواست که قیام کنید، و دریافت که به سویش می شتایید ، و آتش خشم و کینه را در وجودتان برافروخت و دید که به خشم می آیید ! پس داغ بر شتر دیگران نهادید و به آبشخوری وارد شدید که از آن شما نبود. این در حالی بود که از پیمانتان روزگاری نگذشته ، و زخم (ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله) فراگیر ، و جراحت آن هنوز التیام نیافته ، و پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله هنوز به خاک سپرده نشده بود.

ص: ۹۴

به گمان ترس از وقوع در فتنه به سرعت اقدام کردید، ولی بدانید که در فتنه سقوط کردید و جهنم کافران را از هر سو در بر می گیرد.

در این فراز به روشنی مراحل بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای سقیفه به تصویر کشیده شده است. حضرت زهرا علیها السلام مردمی که از حضرت علی علیه السلام جدا شدند و

با دیگران بیعت کردند را پیروان شیطان می داند که در فتنه گرفتار شده اند با این که هنوز چند روزی از فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله نگذشته بود.

فاطمه زهرا علیها السلام خشمگین است که آنها هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله را دفن نکرده به دنبال تعیین خلیفه رفتند با این که در غدیر خم همگی با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کرده بودند و می دانستند او به عنوان جانشین معرفی شده است.

رجوع به قرآن

سپس حضرت فاطمه علیها السلام مردم را به قرآن دعوت می کند و از آنها می خواهد به قرآن بازگشت کنند و به دستورات آن عمل کنند:

فَهَيِّهَاتَ مِنْكُمْ! وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ؟! وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، [وَ] قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَعْبَهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَعْضُهُ تَحْكُمُونَ؟

این رفتارها از شما بعید بود! چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می گردید با این که کتاب خدا در میان شماست؟! کتابی که فرمان هایش آشکار و صریح، دستورهای آن درخشنده و روشنگر، نشانه هایش تابان، نواهی اش نمایان و اوامرش پدیدار است. البته شما آن را پشت سر

نهاده اید، (وای بر شما!) آیا از آن رو گردانده اید؟ یا به غیر آن حکم می کنید؟ _

در این قسمت حوراء انسیه علیها السلام آن مردم را به بازگشت و رجوع به قرآن دعوت می کند، قرآنی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به آن عمل نکردند و پشت سر انداختند. فقط ظاهر قرآن را می خواندند و به دستورات آن عمل نمی کردند. اگر

به فرامین قرآن عمل کرده بودند هرگز دیگران و نا اهلان را بر امیرالمؤمنین علیه السلام ترجیح نمی دادند.

درخواست ارث

در این فراز - که مهمترین قسمت خطابه ی حضرت فاطمه علیها السلام است - ایشان با استناد به قرآن کریم ارث پدر را برای خود خواستار شده فرمود:

وَأَنْتُمْ الْأَنْ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ؟ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؟!

أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟! بَلَى قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ، أَنَّى ابْتُئِتُّ.

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَأَغْلَبُ عَلَى إِرْثِي؟

يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا إِرْثَ أَبِي؟! «لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا» (۱) أَفَعَلَى عَمِيدٍ تَرَكَتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؟ إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (۲)

وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبْرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ

ص: ۹۶

۱- [۱]. بخشی از آیه ی ۲۷ سوره ی مریم .

۲- [۲]. سوره ی نمل، آیه ۱۶ .

لَعْدُنْكَ وَلِيَا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (۱)، وَقَالَ: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (۲)، وَقَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ» (۳)، وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ

لِلوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (۴).

وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حُظَّوَةٌ لِي وَلَا إِرْثَ مِنْ أَبِي وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا!!

أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيِهِ [مِنَ الْقُرْآنِ] أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟

أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟!

أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَغْلَمَ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟!

و اینک شما چنان می پندارید که ما (از پیامبر خدا _صلی الله علیه و آله) هیچ ارثی و بهره ای نداریم؟! آیا به دنبال حکم جاهلیت هستید؟ به راستی برای اهل یقین کدامین داوری از قضاوت خداوند بهتراست؟!

آیا نمی دانید؟! آری، نیک می دانید و همچون خورشید درخشان برایتان روشن است که من دختر پیامبر خدایم.

ای مسلمانان آیا نشسته اید که ارث مرا غاصبان ببرند؟!

ای پسر ابو قحافه آیا در کتاب خدا چنین آمده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ به راستی مطلبی تعجب آور و متحیر کننده آورده ای؟! آیا با قصد و عمد، کتاب خدا را وا گذاشته و آن را پشت

ص: ۹۷

۱- [۳]. سوره ی مریم، آیه ی ۵ و ۶.

۲- [۴]. سوره ی انفال، آیه ی ۷۵.

۳- [۵]. سوره ی نساء، آیه ی ۱۱.

۴- [۱]. سوره ی بقره، آیه ی ۱۸۰.

سرتان افکنده اید؟ آنجا که گفته است: «و سلیمان از داود ارث بُرد».

و نیز آن گاه که سرگذشت حضرت یحیی بن زکریّا علیهما السلام را بازگو کرده فرموده است: «زکریّا به خداوند گفت: پروردگارا!... مرا از جانب خویش وارثی عطا فرما، تا از من و از دودمان یعقوب ارث ببرد» و باز خداوند (در موضعی دیگر) فرموده است: «در کتاب خدا خویشاوندان

به ارث بردن از یکدیگر سزاوارترند» و همچنین فرموده: خداوند درباره ی فرزندانان به شما چنین سفارش می کند که سهم پسر برابر با سهم دو دختر باشد. و نیز فرمود: «هرگاه مرگ یکی از شما فرا رسد و مالی باقی گذارد، برای پدر و مادر و نزدیکان خود به نیکی وصیت کند. این حکم بر متقین مقرّر و واجب است».

و آیا پنداشته اید که بهره ای از آن اموال ندارم و به من از پدرم ارثی نمی رسد؟!

و یا آن که میان من و او خویشی و نسبتی نبوده است؟!

آیا خداوند شما را به آیه ای از قرآن مخصوص داشته و پدرم را استثنا کرده است؟!

یا می گوید که ما اهل دو مذهبیم و از یکدیگر ارث نمی بریم؟!

آیا من و پدرم بر یک مذهب نبوده ایم؟!

یا شما به خاصّ و عامّ قرآن از پدرم و پسر عموم آشناتر و آگاهترید؟!

حضرت فاطمه علیها السلام در این کلام با بیان پنج آیه ی قرآن که در مورد ارث است اثبات می کند که ایشان از رسول الله صلی الله علیه و آله ارث می برد. همچنین با چند استدلال منطقی و برهان عقلی تمامی شبهاتی که ممکن است در مورد ارث بردن ایشان

از پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شود را پاسخ می گوید.

در تمامی این فرازا آنچه واضح است ظلم بزرگ خلفا در حق فاطمه علیها السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که به خاطر آن ایشان مجبور شده است چنین خطبه بخواند.

در قسمت آخر این فراز صدیقه ی طاهره علیها السلام خدا و رسولش را حاکم قرار

می دهد که در مورد آن قوم حکم کنند.

تویخ انصار

پس از این سخنان، حضرت فاطمه علیها السلام صورت مبارک خود را به طرف انصار برگردانده و کلامی تویخ آمیز به آنان فرمود که:

يَا مَعْشَرَ النَّبِيِّهِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ ! مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي ؟ !

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَبِي يَقُولُ : " الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ " ؟ سِرِّعَانَ مَا أَخَذْتُمْ، وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالَةَ ! وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَيَّ مَا أَطْلُبُ وَ أَزَاوِلُ . أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ؟

— ای بلند پایگان ، و یاوران دین و نگهبانان اسلام ! این چه سستی است که نسبت به حق من روا می دارید ؟ و چه چشم برهم نهادنی است که در مورد ظلم من شما را فرا گرفته است؟! —

آیا پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی فرمود : حرمت هر کس در فرزندانش پاس داشته می شود ؟

چه زود بدعت ها و آنچه را که نباید ، پدید آوردید ! و چه شتابان ما را از

پی آمد ناپسند کردار خود، بهره مند ساختید! در حالی که شما نسبت به مقصودی که من در پی آنم، و خواهان آن بوده، به آن پرداخته ام توانایی دارید. آیا می گوید پیامبر خدا محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - از دنیا رفت؟

در این فراز زهرای مرضیه علیها السلام از انصار تعجب می کند که چگونه در برابر دیدگان آنها چنین جسارتی به او روا داشته می شود و از این سکوت شان گلایه

دارد.

آه فاطمی

در ادامه حضرت فاطمه علیها السلام همچنان انصار را توبیخ نموده که در برابر دیدگان آنها چنین ظلم عظیمی در حق یگانه دخت رسول الله صلی الله علیه و آله روا داشته می شود. سپس حضرت از کلماتش با آهی از سوز سینه و شعله ای از غم وجود تعبیر کرده فرمود:

أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ، هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخَذَلِ الَّتِي خَامَرْتُمْ، وَالْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُهَا قُلُوبُكُمْ، وَلَكِنَّهَا فَيَضُهُ النَّفْسِ، وَ نَفْتَهُ الْغَيْظِ، وَ خَوْرُ الْقَنَاهِ، وَ بَثُّ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجْبَةِ .

فَدُونَكُمْ مَوْهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَغْضَبِ اللَّهِ وَ شَنَاةِ الْأَيْدِ، مَوْصُولَةَ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ، « الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنِدَةِ » (۱) فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ « وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ » (۲).

ص: ۱۰۰

۱- [۱]. سوره ی هُمَزَه، آیه ی ۷ تا ۹ .

۲- [۲]. سوره ی شعراء، آیه ی ۲۲۷ .

وَ أَنَا ابْنُهُ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ « وَ انْتِظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ » . (۱)

— آنگاه باشید آنچه را که باید بگویم گفتم با آن که می دانم سستی و کوتاهی با شما آمیخته است که از یاری ما بازتان می دارد، و لباس بی وفایی و مکر دل هایتان را فروپوشیده است، اما گفتارم آهی است که از نهادم —

— برآمد، و شعله ای از غم های وجودم که از نارسایی توانم در گرفتن حقوق حکایت داشت، و اظهار غصه ی سینه ام که دیگر نتوانستم آن را مخفی کنم، و خواستم حجت را بر شما تمام کنم. —

اینک این شما و این شتر خلافت، آن را جهاز کنید و بر آن سوار شوید، در حالی که پشت این مرکب مجروح، و پنجه اش فرسوده است .

بد نامی و عیب آن پایدار باشد، داغ ننگ ابدی و خشم خدای جبار بر آن نهاده شده، و به آتش افروخته ی (غضب) الهی پیوند یافته است، همان آتشی که بر دل ها احاطه و اشراف دارد، پس آنچه انجام می دهید را خدا می بیند و به زودی آنان که ستم کردند خواهند دانست به چه منزلگاهی می روند!

و من دختر آن پیامبر هشدار دهنده ام که شما را از کیفری سخت که در پیش است بیم داده است . پس شما اقدام کنید، ما نیز اقدام کننده ایم، و منتظر باشید که ما هم منتظریم.

در این فراز صدیقه ی طاهره علیهاالسلام خطبه ی خود را آهی از غم های سینه اش و اتمام حجتی برای آن مردم بیان می نماید. سپس غصب خلافت توسط آنان را

ص: ۱۰۱

موجب خشم و غضب الهی می داند و نسبت به عاقبت سخت آن هشدار می دهد.

اکنون ما پس از چهارده قرن با شنیدن این آه فاطمی عرضه می داریم: یا فاطمه علیها السلام، کاش بودیم و این ناله های جگر سوز تو را جواب می گفتیم، و حق تو را از آن ظالمان غاصب بازپس می گرفتیم.

حدیث جعلی

در این هنگام ابوبکر عبد الله بن عثمان در جواب حضرت فاطمه علیها السلام حدیث جعلی «نحن معاشر الانبياء لا نورث» را مطرح کرد. حضرت در جواب او فرمود:

سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أثرَهُ وَيَقْتَفِي سُوْرَهُ.

أَفْتَجْمَعُونَ إِلَى الْعُدْرِ اغْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ وَ الْبُهْتَانِ ؟

وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بَغَى لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ .

هذا كتابُ اللهِ حَكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصِيْلًا يَقُولُ : « يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ » (۱) [وَ يَقُولُ :] « وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ » . (۲)
فَبَيَّنَ عَزَّوَجَلَّ فِيمَا وَزَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذُّكْرَانِ وَ الْأِئْمَانِ مَا أَزَاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَ أزالَ التَّظَنِّيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ . كَلَّا ! بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا « فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ »

ص: ۱۰۲

۱- [۱]. سوره ی مریم، آیه ی ۶ .

۲- [۲]. سوره ی نمل، آیه ی ۱۶ .

—سبحان الله؛ پدرم رسول خدا —صلی الله علیه و آله هرگز از کتاب خدا روی گردان نبود و با دستورهای آن مخالفت نمی نمود، بلکه از کتاب خدا پیروی می فرمود و از آن تبعیت می کرد.

آیا بر بی وفایی گرد هم آمده اید تا بر او نسبت دروغ و ناروا بدهید؟!!

این رفتار شما پس از رحلت او همانند فتنه هایی است که در زمان حیاتش

—برای قتل آن حضرت اعمال می کردید!—

این کتاب خداست، داوری دادگر، و گوینده ای که کلامش حکم قطعی است، می فرماید: «می خواهم فرزندانم از من و از آل یعقوب ارث ببرد». و نیز می فرماید: «و سلیمان از داود ارث بُرد». پس خداوند عزوجل حکم خویش را در سهم افراد و تشریح واجبات و چگونگی میراث بیان فرموده، و ضمن آن بهره ی مردان و زنان را تعیین نموده. به طوری که عذر اهل باطل را دفع کرده، و گمانه زنی و شبهه افکنی را در موضوع سهم بازماندگان از میان بُرده است.

هرگز چنین نیست! بلکه نفس های شما خواسته ای زشت را برایتان زیبا جلوه داده است، و باید صبر نیکو کرد خداوند در مقابل آنچه شما می پردازید کمک کننده است.

هنگامی که یک حدیث دروغین برای غضب ارث صدیقه طاهره علیهاالسلام مطرح شد، ایشان آن حدیث را مخالف قرآن دانستند و به همه هشدار دادند که آن حدیث جعلی است و دوباره دو آیه از قرآن کریم که در مورد ارث انبیاء است را

ص: ۱۰۳

بیان کردند. و این گونه منافقین را رسوا نمودند و نقشه های آنان را بر ملا ساختند.

در ادامه پاره ی تن رسول الله با استناد به کتاب الهی صبر جمیل را سر لوحه ی کار خود قرار می دهد و از خداوند در مقابل این ظلم بزرگ که در حق او روا داشته شده یاری می خواهد.

کلام ابوبکر

سپس ابوبکر گفت که: مسلمانان با من بیعت کردند و این امر را بر گردن من

گذاشتند و تمامی آنها بر این مطلب اتفاق دارند.

حضرت فاطمه علیها السلام در جواب او رو به مردم نموده فرمود:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ! الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ [الْقَبِيحِ] الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟

کَلَّا! بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرُتُمْ وَ شَرَّ مَا مِنْهُ اعْتَضْتُمْ.

لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمِلَهُ ثَقِيلًا، وَ عَجَبُهُ وَبِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ .

— ای گروه مسلمانان! که به سخن باطل شتافته، و بر رفتار زشت زیانبار چشم فرو بسته اید! آیا در آیات قرآن نمی اندیشید؟
یا مگر بر دل هایتان قفل زده شده است؟ —

نه، بلکه اعمال زشت قلب هایتان را تیره کرده و بر آنها چیرگی یافته، و

گوش و چشمتان را بسته است! بد تأویلی کردید و بد راهی را نشان دادید.

و (به راستی که) چه خیری را وانهاده و چه شری را به جای آن برگزیده اید!

و به خدا سوگند به زودی باری را که بر دوش گرفته اید سنگین، و فرجام کردار خود را سخت و ناخوشایند خواهید یافت، آن گاه که پرده برایتان برداشته شود و پوشیده ها آشکار گردد و عذاب هایی که گمانش را نمی بردید از سوی پروردگارتان بر شما ظاهر گردد و در آنجا اهل باطل

زیان خواهند دید.

در این فراز حضرت زهرا علیهاالسلام قاطعانه کلام ابوبکر را پاسخ دادند، و مردم را از عاقبت سوء کنار زدن امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام بر حذر داشتند.

پس از این کلمات حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به قبر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله گردانید و اشعاری خواند که دل تمامی شنونده ها را به درد آورد و به خانه بازگشت.

جا دارد تمامی کسانی که به دنبال حقیقت هستند این خطبه ی نورانی را با دقت بخوانند و در فرازهای آن بیندیشند تا بدانند چه ظلم هایی بر اهل بیت علیهم السلام وارد شده و چگونه حضرت فاطمه علیهاالسلام به روشن گری در مورد آنها پرداخت. اگر کسی حتی نگاهی کوتاه به این خطابه داشته باشد می فهمد که آیا خلفا با اهل بیت علیهم السلام روابطی خوب داشتند یا نه؟

امیدوارم همه ی ما از کسانی باشیم که در برابر ناله های فاطمه زهرا علیهاالسلام سکوت نکنیم و از حق او دفاع کنیم.

ص: ۱۰۵

- ۱- ابوالفضل احمد بن ابی طاهر، مشهور به «ابن طیفور» متوفای ۲۸۰ هـ. آن را با سلسله اسنادش از طریق «زید بن علی بن الحسین علیه السلام» روایت کرده است. (۱)
- ۲- ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری، محدث پرآوازه ی قرن چهارم، با سلسله اسنادش از عقيله العرب حضرت زینب علیهاالسلام روایت کرده است. (۲)
- ۳- ابن مردویه، احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، متوفای ۴۱۰ هـ. آن را با سلسله اسنادش از طریق عایشه روایت کرده است. (۳)
- ۴- سید مرتضی علم الهدی، متوفای ۴۳۶ هـ. آن را با سلسله اسنادش از طرق مختلف روایت نموده است. (۴)
- ۵- شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. آن را با همان اسناد روایت کرده است. (۵)
- ۶- ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری - امامی - از بزرگان قرن پنجم هجری، آن را با اسناد مختلف از طریق ابن عباس، امام باقر علیه السلام، حضرت زینب علیهاالسلام و عایشه روایت کرده است. (۶)
- ۷- ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از شخصیت های برجسته ی قرن ششم، آن را از طریق عبدالله محض روایت کرده است. (۷)

ص: ۱۰۶

-
- ۱- [۱]. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۰ - ۲۶.
 - ۲- [۲]. ابن ابی الحدید پس از ستایش فراوان از جوهری به عنوان: عالم، محدث کثیر الادب، ثقه و پرهیزکار؛ این خطبه را از کتاب «السقیفه و فدک» از جوهری روایت کرده است. [ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱] و اربلی آن را از روی نسخه ی کهن «سقیفه» که در ربیع الآخر ۳۲۲ هـ. بر مؤلف قرائت شده، روایت کرده است [اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۰۶].
 - ۳- [۱]. ابن مردویه، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۰۱-۲۰۳.
 - ۴- [۲]. سید مرتضی علم الهدی، الشافی فی الامامه، ج ۴، ص ۶۹ - ۷۷.
 - ۵- [۳]. شیخ طوسی، تلخیص الشافی، ج ۳، ص ۱۳۹.
 - ۶- [۴]. طبری، دلائل الامامه، ص ۱۰۹ - ۱۲۵.
 - ۷- [۵]. طبرسی، الاحتجاج، ص ۹۷ - ۱۰۸.

۸- ابوالمؤید، موقّق بن احمد مکی خوارزمی - اخطب خوارزم - متوفّای ۵۶۸ ه. آن را با سلسله اسناد خود از عایشه حدیث کرده است. (۱)

۹- رضی الدّین، علی بن موسی - ابن طاووس - متوفّای ۶۶۴ ه. آن را از طریق ابن مردویه، ابن ابی الحدید و جوهری روایت نموده است. (۲)

۱۰- علی بن عیسی اربلی، متوفّای ۶۹۳ ه. آن را از کتاب «السّقیفه» از یک نسخه ی کهن، که در سال ۳۲۲ ه. بر مؤلف قرائت شده روایت کرده است. (۳)

اگر بخواهیم همه ی منابع خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام را نقل کنیم در این صفحات نمی گنجد، و لذا به ۱۰ مورد یاد شده بسنده می کنیم و یادآور می شویم که شیخ صدوق فرازهایی از آن را در علل الشرایع، ابن ابی الحدید معتزلی قسمت اعظم آن را در شرح نهج البلاغه و متن کامل آن را علامه ی مجلسی از بیش از ۱۰ طریق در بحارالانوار روایت کرده است. (۴)

برای تحقیق بیشتر

۱. إعلموا أنّی فاطمه، عبدالحمید مهاجر، چاپ بیروت، ۱۴۱۳ ق (۱۰ مجلد).

۲. در سایه سار خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام، حسین عمادزاده، چاپ اصفهان، ۱۳۸۸ ش.

۳. اللّمعه البیضاء فی شرح خطبه الزّهراء: محمد علی انصاری قراچه داغی، چاپ قم، ۱۴۱۸ ق.

ص: ۱۰۷

۱- [۶]. خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۱ - ۱۲۳.

۲- [۷]. ابن طاووس، الطرائف، ص ۴۰۹ - ۴۲۱.

۳- [۸]. اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۰۵ - ۱۱۸.

۴- [۱]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵ - ۲۳۳.

هنگامی که بیماری حضرت فاطمه علیهاالسلام شدت یافت، بانوان مدینه متوجه شدند که آخرین شعله های زندگی آن حضرت در حال سو سو کشیدن است، از این رهگذر یکدیگر را خبر دادند و به صورت دسته جمعی به عیادت آن بانوی مظلومه شتافتند.

از مشاهده ی جسم رنجور و تن مصدوم آن حوریّه ی انسیّه، به شدت دچار غم و اندوه شدند و در هاله ای از حیرت و تعجب فرو رفتند و سکوت سنگینی بر مجلس حکم فرما شد.

یکی از بانوان سکوت را شگفت و با جملاتی بریده عرضه داشت:

ای یادگار پیامبر! وضع مزاجی و بیماری شما چگونه است؟

گویی مرزبان اسلام و مرزدار ایمان، منتظر همین یک جمله بود، آن تن رنجور و دل مهموم سخن آغاز کرد، خطبه ای بسیار گیرا، با تعبیراتی بسیار شیوا و واژگانی بسیار والا ایراد فرمود، از جور هیئت حاکمه، سکوت مرگبار مهاجر و انصار، سرنوشت شوم خلافت، تعدی متولیان امر به حریم نبوت، غصب خلافت، به انحراف کشیده شدن مسیر امامت و ده ها هشدارهای لازم و

ضروری را گوشزد نمود. به طوری که بانوان عیادت کننده چون به خانه های خود باز گشتند، شب تا به سحر، با گریه و فریاد، سیمای مظلومانه ی تنها یادگار پیامبر را به تصویر کشیدند.

آن شب در مدینه احدی به خواب نرفت.

این نغمه های مظلومانه ی حضرت فاطمه علیها السلام بود که از حلقوم زنان مدینه بیرون می آمد و در فضای یثرب طنین می انداخت و خواب را از دیدگان همگان می ربود.

و اینک متن این خطبه:

حضرت زهرای مرضیه علیها السلام پس از حمد خدا و درود بر خاتم پیامبران فرمود:

أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكَنَّ، قَالِيَهُ لِرِجَالِكُنَّ، لَفْظَتْهُمْ بَعِيدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ، وَ شَنَا تُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ، فَ قُبِحَا لِفُلُولِ الْحَدِّ، وَاللَّعْبِ بَعِيدِ الْجِدِّ، وَقَزَعِ الصَّفَاهِ وَ صَيَدِ الْقَنَاهِ، وَ خَطَلِ الْأَرَاءِ وَ زَلَلِ الْأَهْوَاءِ، « لَبِئْسَ مَا قَدَمْتُ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَيَّخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ » (۱).

لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَدْتُهُمْ رِبْقَتَهَا وَ حَمَلْتُهُمْ أَوْقَتَهَا، وَ شَنَنْتُ عَلَيْهِمْ عَارَهَا، فَجَدَعَا وَ عَقَرَا وَ سَحَقَا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

وَيَحْجِبُهُمْ! أَنِّي زَخَزَحُوهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ؟ وَ قَوَاعِدِ التُّبُوهِ وَ الدَّلَالَةِ، وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ، وَالطَّيِّبِينَ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ

ص: ۱۰۹

الأخِرَه. «ألا ذلِكَ هُوَ الخُسْرَانُ المُبِينُ» (١).

وَ مَا الَّذِي تَقْمُوا مِنْ أَيْبَالِحَسَنٍ ؟ تَقْمُوا مِنْهُ وَاللَّهُ تَكْبِيرَ سَيْفِهِ، وَقَلَهُ مُبَالَاتِهِ بِحَتْفِهِ، وَشِدَّةَ وَطْأَتِهِ وَنِكَالَ وَقَعْتِهِ، وَتَنَمُّرَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

وَاللَّهُ لَوْ تَكَافُوا عَنْ زَمَامِ نَبِيذِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِمَا عَتَلَقَهُ، وَ لَسَارَ بِهِمْ سَيْرًا سِيَّجِحًا، لَا يَكَلِّمُ خُشَّاشُهُ وَلَا يَتَعَتَّعُ رَاكِبُهُ، وَ لَأَوْرَدَهُمْ مِنْهَا صَافِيًا رَوِيًّا فَضًّا فَاضًا تَطْفَحُ ضَمَّتَاهُ وَلَا يَتَرْتَقُ جَانِبَاهُ، وَ لَأَضِيدَهُمْ بِطَانًا وَ نَصِيحَ لَهُمْ سِرًّا وَ إِعْلَانًا، وَ لَمْ يَكُنْ يَتَحَلَّى مِنَ الْغِنَى بِطَائِلٍ، وَ لَا يَحْطَى مِنَ الدُّنْيَا بِنَائِلٍ، غَيْرَ رِيِّ النَّاهِلِ وَ شَبَعِهِ الْكَافِلِ، وَ لَبَانَ لَهُمُ الزَّاهِدُ مِنَ الرَّاغِبِ، وَ الصَّيَادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ، « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ » (٢) وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ » (٣).

أَلَا، هَلُمَّ وَاسْتَمِعْ، وَ مَا عَشْتِ أَرَاكَ الدَّهْرَ عَجَبًا. وَ إِنْ تَعَجَبْتَ، فَعَجَبْتُ قَوْلَهُمْ. لَيْتَ شِعْرِي إِلَى أَيِّ سَنَدٍ اسْتَنْدُوا؟ وَ عَلَى أَيِّ عِمَادٍ إِعْتَمَدُوا؟ وَ بِأَيِّهِ عَزَّوَهُ تَمَسَّكُوا؟ وَ عَلَى أَيِّهِ ذُرِّيَّةُ أَقْدَمُوا وَ اخْتَنَكُوا؟ « لَبَسَ الْمُؤَلَّى وَ لَبَسَ الْعَشِيرَ » (٤) « وَ بُسَّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا » (٥) اسْتَبْدَلُوا

ص: ١١٠

١- [٢] - سورة ي زمر، آيه ي ٣٩.

٢- [١] . سورة ي اعراف، آيه ي ٩٤.

٣- [٢] . سورة ي زمر، آيه ي ٥١.

٤- [٣] . سورة ي حج، آيه ي ١٣.

٥- [٤] . سورة ي كهف، آيه ي ٥٠.

- وَاللَّهُ - الذَّنَابَا بِالْقَوَادِمِ، وَالْعُجْزَ بِالكَاهِلِ، فَرَعْمَا لِمُعَاطِسِ قَوْمٍ:

«يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»، (۱) «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ»، (۲) «أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهْدِي إِلَّا أَن يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ». (۳)

أَمَا، لَعَمْرِي! لَقَدْ لَقَحْتُ، فَانظُرْهُ رَيْثَمَا تُنْبِجُ، ثُمَّ اخْتَلَبُوا مِلْمًا الْقَعْبِ دَمَا عَيْطَا، وَدُعَا فَا مُبِيدَا، هُنَالِكَ يَحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غَيْبَ مَا أَسَّسَهُ الْأَوَّلُونَ.

ثُمَّ طَبِئُوا عَن دُنْيَاكُمْ أَنْفُسَا، وَاطْمَأْنَأُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشَا، وَابْتَشَرُوا بِسَيْفِ صَارِمِ، وَ سَيَطْوَهُ مُعْتَدِ غَاشِمِ، وَ هَرَجَ شَامِلِ، وَ اسْتَبَدَادِ مَن الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فَيَنْكُكُمْ زَهِيدَا، وَ جَمَعَكُمْ حَصِيدَا، فَيَا حَسِيرَةً لَكُمْ، وَ أَنَّى بِكُمْ، وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ، أَنْزَلْنَا مُكْمُوها وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ؟!

— من نسبت به دنیای شما بی رغبت و به مردان شما خشمناکم. —

من آنها را چشیدم و دور انداختم. آنها را آزمودم و بر آنها خشم گرفتم. آه چقدر زشت است کندی لبه ی شمشیر و سستی پس از تلاش و کوشش.

چه زشت است تن به ذلت دادن، همانند نیزه ای که ترک برداشته است.

وه چه زشت است تباهی اندیشه و لغزش افکار!

«چه اعمال ناشایستی برای آخرت فرستادند، خشم خدا را خریدند و در عذاب جاودانه هستند».

ریسمان این مسئولیت را بر گردنشان انداختم و سنگینی آن را بر دوششان

ص: ۱۱۱

۱- [۱]. سوره ی کهف، آیه ی ۱۰۴.

۲- [۲]. سوره ی بقره، آیه ی ۱۲.

۳- [۳]. سوره ی یونس، آیه ی ۳۵.

— قرار دادم و ننگ و عارش را بر آنها پراکندم. —

ذلت و خواری، هلاکت و نابودی و دوری از رحمت خداوند بر قوم ستم پیشه باد.

وای بر آنها! چگونه خلافت را از پایگاه استوار رسالت و جایگاه تعیین شده ی نبوت دگرگون کردند؟ چگونه آن را از محلّ نزول جبرئیل امین و از دست فرد آگاه به امور دین و دنیا بیرون بردند، که این خسران آشکار می باشد.

چه باعث شد که از امیر مؤمنان علیه السلام کینه به دل بگیرند؟

به خدا سوگند تنها عامل کینه شان شمشیر او بود که خویش و بیگانه نمی شناخت، او نسبت به مرگ ترس و وا همه نداشت، او به شدت حمله می کرد و ضربه های کاری فرود می آورد، او در مورد خدا بسیار سخت گیر بود.

به خدا سوگند اگر شما دفاع می کردید از زمام امورتان که خدا به او سپرده بود، او آن را به دست می گرفت و به آسانی آن را پیش می برد.

دیگر نه شتر خلافت زخمی می شد و نه راکت خود را به زحمت می انداخت.

آنان را به آبشخور صاف و زلالی می رسانید که از دو طرف سرریز می شد و تیره نمی گردید و آنان را سیراب شده بیرون می برد.

در آشکار و نهان آنها را نصیحت می کرد و از ثروت دنیا و بیت المال مسلمین برای خود چیزی بر نمی داشت، جز به مقداری که تشنه ای را سیراب کند و گرسنه ای را سیر کند.

ص: ۱۱۲

در آن هنگام فرد زاهد از افراد تشنه ی قدرت شناخته می شد، راستگو از دروغگو باز شناخته می شد.

«اگر اهل آبادی ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را فرا روی آنها می گشودیم، لکن دروغ گفتند و تکذیب کردند، پس آنها را به کیفر اعمالشان مؤاخذه کردیم» «آنان که از اینها ستم پیشه کردند، بدی های اعمالشان به آنها خواهد رسید، آنها هرگز نمی توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند».

اکنون به هوش باشید و گوش فرا دهید. هر چه زندگی کنید، روزگار شگفتی هایی را نشان خواهد داد. اگر تعجب کنید، گفتار آنها شگفت انگیز است. ای کاش می دانستم به چه تکیه گاهی تکیه کرده اند؟! به کدام ستونی اعتماد کرده اند؟! به کدامین ریسمانی چنگ زده اند؟! به کدامین ایل و تباری اقدام کرده اند و سیطره یافته اند؟!

«و چه سرپرست بد و خویشان زشتی برگزیده اند».

«برای ستمگران جایگزین بدی هست».

به خدا سوگند، دُم را به جای سینه و پشت را به جای شانه برگزیده اند!

خوار و ذلیل باد قومی که: «گمان می کنند که کار شایسته انجام می دهند».

«آگاه باشید که آنها تباهکار هستند، لکن خود نمی فهمند».

وای بر آنها!

«آیا کسی که به سوی حق رهنمون می شود شایسته ی پیروی است، یا کسی که خود هدایت نمی یابد، مگر این که هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟»

ص: ۱۱۳

__ آگاه باشید، به جان خود سوگند، این فتنه ها آبتن شده، منتظر باشید تا ببینید چه حوادث تلخی را پدید خواهد آورد؟__

از پستان شتر خلافت، پیمانۀ پیمانۀ خون تازه و زهر کشنده خواهید دوشید.

آنجاست که ره پویان باطل، خسارت می بینند و آیندگان عاقبت شوم آنچه را که مؤسسان اولیۀ بنیاد نهاده اند خواهند دید.

دیگر از مال و منال دنیا دست بشوید و منتظر فتنه ها باشید.

با شمشیر برنده و سلطه جویان ستمگر بشارت باد.

منتظر هرج و مرج فراگیر و استبداد زمامداران ستم پیشه باشید، که حقوق و غنایم شما را بسیار اندک و اندوخته های شما را درو خواهند کرد.

افسوس بر شما، عاقبت کارتان به کجا خواهد کشید؟

حقایق امور از شما مخفی گشته است. آیا من شما را بر چیزی که خوشایندتان نیست، می توانم وادار کنم؟!

منابع خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام در بستر

متن کامل این خطبه که آن را حضرت صدیقۀ ی طاهره در بستر بیماری خطاب به زنان مهاجر و انصار که به عیادت آن حضرت آمده بودند القاء فرمود، در صدها منبع مورد اعتماد و استناد ثبت شده که به چند نمونه از آنها به عنوان مثال اشاره می کنیم:

۱. ابوالفضل، احمد بن ابی طاهر، مشهور به: «ابن طیفور» متوفای ۲۸۰ ق. با

ص: ۱۱۴

سلسله اسنادش از «عطیه ی عوفی» (۱).

۲. ابوبکر، احمد بن عبدالعزیز جوهری، متوفای ۳۲۳ ق. با سلسله اسنادش از فاطمه بنت الحسین علیهما السلام (۲).

۳. ابوجعفر، محمد بن جریر بن رستم طبری، مشهور به «طبری امامی» از شخصیت های برجسته ی قرن پنجم، همنام صاحب تاریخ طبری، با سلسله اسنادش از امام زین العابدین علیه السلام و فاطمه بنت امام حسین علیهما السلام (۳).

۴. ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، مشهور به: «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ ق. با سلسله اسنادش از عمر بن امیرالمؤمنین و فاطمه بنت امام حسین علیهم السلام (۴).

۵. ابوجعفر، محمد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ ق. با سلسله اسنادش از ابن عباس (۵).

۶. ابومنصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علمای قرن ششم، از سوید بن غفله، یار با وفای مولای متقیان علیه السلام (۶).

۷. ابو عبدالله، حسین بن جیر، صاحب کتاب «نخب المناقب» از علمای قرن هفتم (۷).

ص: ۱۱۵

-
- ۱- [۱]. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۸ - ۳۰.
 - ۲- [۱]. جوهری، السقیفه و فدک، ص ۱۲۰ - ۱۲۱.
 - ۳- [۲]. طبری، دلائل الامامه، ص ۱۲۵ - ۱۲۹.
 - ۴- [۳]. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۵۴ - ۳۵۷.
 - ۵- [۴]. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۳۷۴ - ۳۷۶، ح ۸۰۴.
 - ۶- [۵]. طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.
 - ۷- [۶]. ابن جیر، الإعتبار فی إبطال الإختیار - مخطوط - .

۸. زین الدّین، علی بن یوسف بن جبر، از رجال برجسته ی قرن هفتم. (۱)

۹. ابو حامد، عزالدّین، عبدالحمید بن هبه الله مدائنی، مشهور به: «ابن ابی الحدید» متوفای ۶۵۶ ق. از فاطمه بنت الحسین علیهما السلام. (۲)

۱۰. ابوالحسن، علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، متوفای ۶۹۳ ق. از طریق فاطمه بنت الحسین علیهما السلام. (۳)

اگر بخواهیم همه ی منابع خطبه را نقل کنیم، سخن به درازا می کشد، و لذا به همین ده مورد یاد شده بسنده می کنیم.

کتابنامه ی شرح های خطبه ی در بستر

خطبه ی حضرت زهرا علیها السلام در بستر نیز همانند خطبه ی فدکیه در سطح بسیار گسترده ای نقل شده و شروح بسیار فراوانی برای آن نوشته شده، که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. البلاغه الفاطمیّه، عبدالرضابن محمدعلی مطبعی، چ نجف اشرف، ۱۳۶۸ ق.

۲. البلاغه الفاطمیّه، از مؤلف ناشناخته، چ نجف اشرف، ۱۳۶۴ ق.

۳. البلاغه الفاطمیّه، سید جاسم بن حسن شبّر، چ نجف اشرف، ۱۹۵۱ م.

۴. پیام فاطمه، حاج شیخ حسن سعید، متوفای ۱۴۱۶ ق. چ تهران، ۱۳۵۰ ش.

۵. پیام فاطمه، محمدواصف لاهیجانی، متوفای ۱۴۱۷ ق. چ قم، ۱۳۷۵ ش.

۶. حماسه ای بی نظیر در کنار بستر زهرا علیها السلام، محمدحسین بروجردی، چ قم، ۱۳۷۰ ش.

ص: ۱۱۶

۱- [۷]. ابن جبر، نهج الایمان، ص ۶۲۱ - ۶۲۲.

۲- [۱]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.

۳- [۲]. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۱۸ - ۱۲۰.

۷. خطبات الزهراء، سید حیدر جوادی، سید ذی شأن، اله آبادی، چ ۱۳۷۹ ش

- به زبان اردو - .

۸. خطب فاطمه الزهراء علیهاالسلام، حلم حائری، چ نجف اشرف.

۹. دفاع از حریم حق، عمران علیزاده، متوفای ۱۴۳۰ ق. چ قم، ۱۳۷۷ ش.

۱۰. دفاع زهرا از ولایت، سید محمد عابدین زاده، چ تهران، ۱۳۷۶ ش.

۱۱. سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام، پژوهشکده ی باقر العلوم قم، - مخطوط - .

۱۲. کلام فاطمه الزهراء مع النساء عند ما یعدنھا، از مؤلف ناشناخته.

۱۳. گلچینی از آموزه های تربیتی در زندگانی فاطمه ی زهرا، علی اکبر حسینی، مسعود چارلی و فریده یوسفی، چ تهران، ۱۳۷۹ ش.

۱۴. المصاحف الفاطمیة، هیئت المحسن المظلوم الشہید، قم - مخطوط - .

۱۵. ده ها کتاب تحت عنوان: «خطبه های حضرت زهرا علیهاالسلام» که شامل خطبه ی در بستر نیز می باشد، از سید علی فانی، علی اسلامی، علی لواسانی، فریبا مقصودی، مهدی جعفری و

۱۶. ده ها کتاب تحت عنوان: «شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام» از احمد ارجمندی، احمد مدرّس باغمیشه ای، سید ابوالقاسم خوانساری، سید علی اکبر حسینی یزدی، سید محمدسعید عبقاتی، هادی بنایی و

۱۷. و ده ها کتاب دیگر که پیرامون خطبه ی فدکیه تألیف شده و خطبه ی در بستر نیز به پیوست آن شرح شده است.

پیامدهای خطبه ی در بستر

(۱) بانوان مهاجر و انصار که بیانات هشداردهنده ی حضرت زهرا علیهاالسلام را

ص: ۱۱۷

شنیدند و دیدند که ایشان مطلقاً از زخم سینه، درد پهلو، سقط محسن، به آتش کشیده شدن خانه و زندگی اش نامی به میان نیاورده، نگرانی های خودش را از

آینده ی اّمّت اسلامی بیان کرده، نسبت به آینده ی تلخی که در انتظار اّمّت بود هشدار داد، اشک ریزان ناله کُنان و موی کُنان به خانه های خود آمده، شب را تا به سحر با گریه و فغان به سر بردند و این نغمه های مظلومانه ی صدّیقه ی طاهره، از حلقوم بانوان مهاجر و انصار در فضای شهر یثرب طنین انداخت و خواب را از دیدگان همگان ربود.

۲) سُویّد بن غفله ی جعفی، که از اصحاب با وفای مولای متّقیان بود(۱) و یکی از راویان خطبه ی در بستر می باشد، می گوید:

زنان مهاجر و انصار پس از شنیدن این سخنان به خانه های خود آمده، آن سخنان جانکاه را برای شوهران خود بازگو کردند، پس از این ماجرا گروهی از بزرگان مهاجر و انصار، به عنوان عذرخواهی، به محضر بی بی دو عالم شرفیاب شدند و گفتند:

ای سرور بانوان! اگر امیرمؤمنان این مطالب را پیش از بیعت با ابوبکر بیان می فرمود، ما هرگز جز علی علیه السلام را بر نمی گزیدیم.

ص: ۱۱۸

۱- [۱]. سُویّد بن غفله، یکی از اصحاب با وفای مولای متّقیان می باشد، که طبرسی خطبه ی بی بی را از ایشان نقل کرده است. او مردی فقیه، زاهد، عابد و متواضع بود که به سال عام الفیل متولّد شد، پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و لذا سعادت دیدار پیامبر را پیدا نکرد [اسد الغابه: ۳/۳۷۹]. او یکی از بزرگان اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام بود [رجال برقی، ص ۴]. شیخ طوسی او را از یاران مولا برشمرد [رجال طوسی، ص ۴۳] و شیخ مفید او را از اولیا و بزرگان اصحاب مولای متّقیان معرّفی کرده است [الاختصاص، ص ۳]. از او احادیث فراوان در منابع حدیثی نقل شده، از جمله داستان خالد بن عرفطه، حبیب بن جمّاز و خبر غیبی مولای متّقیان را ایشان نقل کرده است [ارشاد مفید: ۱ / ۳۲۹] وی در حدود سال ۸۲ ق. در سنّ ۱۲۰ سالگی از دنیا رفت [ناظم زاده، اصحاب امام علی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۸۹].

صدیقه ی طاهره فرمودند:

إِلَيْكُمْ عَنِّي، فَلَا عُذْرَ بَعْدَ تَعْذِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ؛

برخیزید و از من دور شوید، که پس از آن همه روشن گری ها دیگر هیچ عذری از شما پذیرفته نیست، که خود تقصیر کردید و فرمان را نادیده گرفتید. (۱)

بی بی اشاره به داستان غدیر می کنند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ۷۰ روز پیش از شهادت خود، ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را در اجتماع ۰۰۰/۱۲۰ نفری در صحرای غدیر خم برای همگان اعلام کردند و از همه ی آنها برای مولای متقیان بیعت گرفتند، دیگر عذری از احدی پذیرفته نیست.

(۳) پس از انتشار خبر دیدار زنان و مردان مهاجر و انصار با حضرت زهرا علیهاالسلام غاصبان خلافت در صدد برآمدند که با حضرت زهرا علیهاالسلام دیدار کنند و در میان مردمان وانمود کنند که حضرت زهرا علیهاالسلام آنها را مورد عفو قرار داده است.

حضرت زهرا علیهاالسلام اجازه ی دیدار نداد، به امیرمؤمنان علیه السلام متوسل شدند، سرانجام به محضر حضرت زهرا علیهاالسلام مشرف شدند، سلام کردند و پاسخ سلام نشیندند.

پس از یک سلسله سخنان بیهوده، عرض کردند: شما خیال می کنید که ما حق شما را غصب کرده ایم، به خدا این طور نیست، پدر بزرگوارتان فرموده است که از ما هر چه بماند صدقه است.

حضرت زهرا فرمود:

من از شما یک سؤال می کنم، اگر جواب صحیح دادید با شما سخن می گویم.

ص: ۱۱۹

۱- [۱]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۹.

گفتند: بفرمایید.

حضرت فرمود:

آیا از پدرم شنیدید که فرمود: رضای فاطمه رضای من است و غضب فاطمه غضب من است.

گفتند: آری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را شنیدیم.

حضرت فاطمه علیها السلام دست ها را بلند کردند و فرمودند:

من خدا و فرشتگان را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا آزردید، مرا به غضب آوردید و مرا خشنود نکردید.

صدای ابوبکر به گریه بلند شد و حضرت خطاب به او فرمودند:

وَاللَّهِ لَقَدْ أَدْعُونَ اللَّهَ - عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ أُصَلِّيَهَا ؛

به خدا سوگند، من در هر نمازی که می خوانم بر تو نفرین می کنم. (۱)

بخاری با سند صحیح روایت کرده که:

فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِيبَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرَتْهُ، فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُؤْفِقَتْ ؛

حضرت فاطمه بر ابوبکر خشمگین شد، از او قهر کرد و تا زنده بود با وی سخن نگفت. (۲)

در ادامه آمده است:

فَلَمَّا تُؤْفِقَتْ، دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيُّ لَيْلًا، وَ لَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَابَكْرٍ ؛

هنگامی که حضرت فاطمه وفات کرد، همسرش علی او را شبانه دفن کرد

ص: ۱۲۰

۱- [۱]. ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۲۰.

۲- [۲]. بخاری، الصّحیح، ج ۵، ص ۱۷۷.

و به ابوبکر اطلاع نداد. (۱)

برای تحقیق بیشتر

۱. پیام فاطمه، حاج شیخ حسن سعید، متوفای ۱۴۱۶ ق.

۲. خطبه های حضرت صدیقه ی کبری، از فریبا مقصودی کرمانشاهی.

۳. حماسه ای بی نظیر در کنار بستر زهرا، محمد حسین بروجردی.

ص: ۱۲۱

۱- [۳]. همان.

هنگامی که شیفتگان قدرت و تشنگان حکومت، خانه ی وحی را نشانه رفتند، احدی در صدد دفاع از تنها جانشین پیامبر بر نیامد. شمشیر زنان عرصه های بدر و حنین، شمشیرهای خود را غلاف کردند و به نهان خانه ی منازل خود خزیدند، تا از خطرات نیروهای مهاجم که به احدی ترحم نمی کردند، مصون و سالم بمانند.

پس از بیعت مردم با ابوبکر، مطلع شدند که زبیر به خانه ی مولای متقیان رفته، با آن حضرت به رایزنی پرداخته است.

عمر به محضر حضرت فاطمه علیها السلام شتافت و عرضه داشت:

به خدا سوگند، پدرت در نزد ما از همه عزیزتر است و بعد از ایشان شما در نزد ما از همه گرامی تر می باشید، ولی اگر اینها (منظورش: حضرت علی علیه السلام و زبیر بود) در خانه ات گرد آیند، حرمت تو مانع نمی شود از این که دستور بدهم خانه را بر سرشان آتش بزنند. (۱)

ابوبکر به عمر دستور داد که به خانه ی حضرت فاطمه علیها السلام برود و افرادی را

ص: ۱۲۲

۱- [۱]. ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۵۷۲.

که در آن خانه به بست نشسته اند، بیرون بیاورد.

هنگامی که آنها امتناع ورزیدند، عمر هیزم طلبید و گفت:

سوگند به خدایی که جان من در دست اوست، اگر بیرون نیاید، خانه را به آتش می کشم و بر سر کسانی که در آن هستند، فرو می ریزم.

برخی از حاضران گفتند: ای اباحفص! فاطمه دختر پیامبر در این خانه است!

گفت:

اگر چه فاطمه نیز در آن باشد. (۱)

ابوبکر به او فرمان داد که به هر وسیله ای که ممکن باشد، آنها را از خانه بیرون کند و اگر امتناع کنند، با آنها نبرد کند.

عمر مقداری آتش برداشته، به سوی خانه ی وحی رفت که آنجا را آتش بزند، حضرت فاطمه علیهاالسلام با او مواجه شد و فرمود:

آیا آمده ای که خانه ام را آتش بزنی؟

گفت: آری، مگر این که شما نیز وارد شوید در آنچه دیگران وارد شده اند. (۲)

حضرت فاطمه علیهاالسلام که غربت و مظلومیت امام زمانش را مشاهده کرد، خود را برای دفاع جانانه از حجّت خدا مهیا کرد و خطبه ای کوتاه، لکن بسیار با صلابت ایراد نمود.

این خطبه از نظر تسلسل زمانی نخستین خطبه ی حضرت صدّیقه ی طاهره است، لکن به جهت اهمّیت خاصّ خطبه ی فدکیه و خطبه ی در بستر، این خطبه

ص: ۱۲۳

۱- [۱]. ابن قتیبه، الامامه و السّیاسه، ج ۱، ص ۱۹.

۲- [۲]. ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۳.

را به عنوان خطبه ی سوم آوردیم:

و اینک متن خطبه ی حضرت فاطمه ی اطهر علیهاالسلام در پشت در:

لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ أَسْوَأَ مَحْضَرًا مِنْكُمْ.

تَرَكْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَنَازَةً بَيْنَ أَيْدِينَا، وَقَطَعْتُمْ أَمْرَكُمْ فِيمَا بَيْنَكُمْ، وَ لَمْ تُؤْمَرُوا، وَ لَمْ تَرَوْا لَنَا حَقًّا.

كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ.

وَاللَّهِ لَقَدْ عَقَدَ لَهُ يَوْمَئِذٍ الْوِلَاةَ، لِيَقْطَعَ مِنْكُمْ بِذَلِكَ مِنْهَا الرَّجَاءَ.

وَ لَكِنَّكُمْ قَطَعْتُمْ الْأَسْبَابَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ نَبِيِّكُمْ.

وَاللَّهِ حَسِيبٌ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ؛

من هرگز قومی از نظر حضور زشت تر از شما سراغ ندارم. جسد مقدس پیامبر اکرم _صلی الله علیه و آله را در میان دست های ما رها کردید و امر خود را در میان خود بریدید و دوختید! امارت و سرپرستی ما را منظور نکردید، بلکه حقی برای ما به رسمیت نشناختید. گویی شما اصلاً نمی دانید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم چه فرمود؟!

به خدا سوگند برای ولایت و سرپرستی او (یعنی علی علیه السلام) عهد و پیمان گرفت، تا برای همیشه طمع و چشم داشت شما را از رسیدن به امارت و خلافت قطع کند. لکن شما پیوند ارتباط میان خود و پیامبرتان را قطع کردید. خداوند در دنیا و آخرت در میان ما و شما داور و حسابگر می باشد.

ص: ۱۲۴

این خطبه در منابع مختلف آمده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. ابو عبدالله، محمد بن مسلم دینوری، مشهور به: «ابن قتیبه» متوفای ۲۷۶ ق. (۱).
 ۲. ابو عبدالله، محمد بن محمد بن نعمان، مشهور به: «شیخ مفید» متوفای ۴۱۳ ق. (۲).
 ۳. ابو منصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از بزرگان جهان تشیع در قرن ششم. (۳).
- و ده ها منبع مورد اعتماد و استناد در طول قرون و اعصار. (۴).

ص: ۱۲۵

-
- ۱- [۱]. ابن قتیبه، همان.
 - ۲- [۲]. شیخ مفید، الأمالی، ص ۵۰.
 - ۳- [۳]. طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۸۰.
 - ۴- [۴]. در اینجا به شماری از آنها اشاره می کنیم: (۱) بحار الأنوار، از علامه ی مجلسی، ج ۲۸، ص ۲۰۵، ۲۳۲ و ۳۵۶. (۲) بیت الأحران، از محدث قمی، ص ۶۰. (۳) صحیفه الزهراء، از أسعد عبود، ص ۲۱۱. (۴) عوالم، از بحرانی، ج ۱۱، ص ۵۷۶. ح ۲۷. (۵) الغدیر، از علامه ی امینی، ج ۵، ص ۳۷۲ (چاپ دیگر ص ۵۸۸). (۶) فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، از رحمانی همدانی، ص ۵۱۹. (۷) فاطمه الزهراء من المهد إلى اللحد، از سید محمد کاظم قزوینی، ص ۲۶۵. (۸) کلمه فاطمه الزهراء، از سید حسن شیرازی، ص ۲۹۱. (۹) مسند فاطمه الزهراء، از سید حسین شیخ الاسلامی، ص ۴۳۹ و ۴۴۱. (۱۰) من حیاة الخلیفه، عبدالرحمن بکری، ص ۱۶۷. (۱۱) الموسوعه الکبری، از شیخ اسماعیل انصاری، ج ۱۰، ص ۱۷۲. (۱۲) موسوعه کلمات سیدتنا فاطمه الزهراء، گروهی، ص ۳۵۵. (۱۳) نهج السیاده، از محمد باقر محمودی، ج ۱، ص ۳۹. (۱۴) الهجوم علی بیت فاطمه، عبدالزهراء مهدی، ص ۱۰۶.

در این خطبه نکات اخلاقی فراوانی هست که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

(۱) حضور ناشایست

منطق وحی برای حضور در خانه ی اشخاص نکات اخلاقی فراوانی بیان کرده که شماری از آنها به قرار زیر است:

۱. هرگز به خانه ی کسی بدون هماهنگی وارد نشوید: « حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا » (۱).

۲. هرگز به خانه ی کسی بدون سلام وارد نشوید: « وَ تُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا » (۲).

۳. اگر کسی در خانه نبود وارد نشوید: « فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا » (۳).

۴. مگر هنگامی که اجازه ی ورود داده شود: « حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ » (۴).

۵. اگر گفتند: برگردید، حتما برگردید: « وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا » (۵).

در تهاجم نخستین به خانه ی وحی، افراد مهاجم بدون هماهنگی هجوم کردند، سلام که تحیت اسلامی است و پیام سلامتی و اعلام این معنی است که ضرری از سوی من به شما نخواهد رسید و خطری از سوی من شما را تهدید نمی کند، چنین تحیتی گفته نشد و اعلام امتیت نشد، بلکه همراه با تهدید و اعلام خطر بود.

ص: ۱۲۶

۱- [۱]. سوره ی نور، آیه ی ۲۷.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. همان، آیه ی ۲۸.

۴- [۴]. همان.

۵- [۵]. همان.

به اعلام عدم رضایت از سوی صاحب خانه اعتنا نشد و تهدیدها ادامه یافت.

در برابر فرمان برگردید، بر حضور ناشایست خود اصرار ورزیدند و برنگشتند.

آنچه در آیه ی شریفه به صراحت آمده، در مورد خانه های معمولی است، نه بیوت النَّبِی و خانه ی وحی!

(۲) تهاجم به خانه ی وحی

این حضور ناشایست در برابر خانه ی وحی و خانه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، که قرآن کریم به صراحت از آن نهی کرده و فرموده است:

« لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ » ؛

به خانه های پیامبر وارد نشوید، جز هنگامی که به شما اذن داده شود. (۱)

بدون هماهنگی، بدون اذن، بدون سلام، همراه با تهدید و اعلام خطر در مقابل خانه ی وحی گرد آمدند و اصرار کردند که وارد خانه ی وحی شوند.

و چه حضور ناشایستی!

(۳) حرمت شکنی

در آیین مقدّس اسلام برخی از مکان ها و برخی از زمان ها حرمت دارند:

۱. خانه ی خدا (کعبه)

۲. مسجدالحرام

۳. شهر مکه

ص: ۱۲۷

۵. ماه های حرام (ذیقعدہ، ذیحجہ، محرّم و ماه رجب)

۶. خانه ی علی و فاطمه:

قرآن کریم می فرماید:

« فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَهُ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ » ؛

__خانه هایی که خداوند اذن ترفیع آنها را داده است.__(۱)

هنگامی که بزرگ مفسّر قرآن حضرت ختمی مرتبت این آیه ی شریفه را تلاوت فرمود، یکی از اصحاب برخاست و عرضه داشت:

ای رسول خدا! این خانه ها کدام خانه ها هستند؟

حضرت پیامبر فرمود:

بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ ؛

__خانه های پیامبران. __

ابوبکر برخاست، در حالی که با دست خود به سوی خانه ی حضرت فاطمه و حضرت علی علیهما السلام اشاره می کرد، پرسید:

يَا رَسُولَ اللَّهِ ! هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا ؛

__ای پیامبر خدا! آیا این خانه نیز از آنهاست؟ __

بزرگ مفسّر قرآن فرمود:

نَعَمْ، مِنْ أَفْضَلِهَا ؛

__آری، از برترین آنهاست. __

این حدیث شریف را بسیاری از محدّثان و مفسّران با سلسله اسناد خود از

انس بن مالک، بریده و ابوبرزه روایت کرده اند که از آن جمله است:

۱. ابن مردویه، متوفای ۴۱۰ ق. در مناقب (۱)

۲. ثعلبی، متوفای ۴۲۷ ق. در تفسیر (۲)

۳. حسکانی، متوفای بعد از ۴۷۰ ق. در شواهد (۳)

۴. سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. در تفسیر (۴)

جای شگفت است که شخصا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفسیر آیه و پاسخ آن حضرت را دریافته و حرمت خانه ی حضرت فاطمه را دانسته، ولی فرمان تهاجم را صادر کرده، در پایان عمر و حالت احتضار اظهار ندامت کرده می گوید:
من از دنیا تأسف نمی خورم، جز بر سه چیزی که انجام دادم، ای کاش انجام نمی دادم و بر سه چیزی که انجام ندادم، ای کاش انجام می دادم.

اما آن سه چیزی که انجام دادم و ای کاش انجام نمی دادم:

فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكْشِفْ بَيْتَ فَاطِمَةَ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ كَانُوا قَدْ غَلَّقُوهُ عَلَى الْحَرْبِ ؛

ای کاش خانه ی فاطمه را برای چیزی نمی گشودم، اگر چه برای جنگ بسته بودند.

این متن را بسیاری از مورخان و محدثان از بزرگان اهل سنت، با سلسله

ص: ۱۲۹

۱- [۱]. ابن مردویه، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۸۴، ح ۶۱.

۲- [۲]. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۷، ص ۱۰۷.

۳- [۳]. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۲ - ۵۳۴، ح ۵۶۶ - ۵۶۸.

۴- [۴]. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۵۰.

راویان خود از وی نقل کرده اند، از آن جمله:

۱. ابن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ ق. در تاریخ (۱)
۲. ابن عبدربه، متوفای ۳۲۸ ق. در عقد الفرید (۲)
۳. حمید بن زنجویه، متوفای ۲۵۱ ق. در اموال (۳)
۴. ابوالعباس مبرّد، متوفای ۲۸۵ ق. در الکامل (۴)
۵. علی بن الحسین مسعودی، متوفای ۳۴۵ ق. در مروج الذهب (۵)

۴) ساختارشکنی

از آداب و رسوم همه ی ملل و اقوام این است که به هیچ دلیل به در خانه ی افراد مُعزّی نمی روند و متعزّض افراد عزادار نمی شوند.

حضرت فاطمه علیهاالسلام عزادار بود، هنوز جسد مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روی زمین بود که به خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام تهاجم نموده، حرمت عزای پیامبر را شکستند. این نوع ساختارشکنی حتّی در میان اقوام جاهلی نیز رایج نبود.

۵) انکار بدیهیات

برخی از شیفتگان مکتب خلافت، برای تبرئه نمودن غاصبان خلافت، همه ی حوادث تلخی را که بر خاندان عصمت و طهارت رفته، مورد تردید و

تشکیک قرار می دهند، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

ص: ۱۳۰

۱- [۱]. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۲۵۴ در چاپ دیگر ص ۴۲۹.

۲- [۲]. ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۵، ص ۲۱ در چاپ دیگر: ج ۴، ص ۲۶۷.

۳- [۳]. حمید بن زنجویه، کتاب الأموال، ج ۱، ص ۳۰۵.

۴- [۴]. مبرّد، الکامل، ج ۱، ص ۶.

۵- [۵]. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۸.

۱. ابوبکر باقلانی، متوفای ۴۰۳ ق. می نویسد:

آنچه رافضی ها می گویند که طناب به گردن علی علیه السلام انداختند و او را برای بیعت ابوبکر بردند و عمر بر حضرت فاطمه لگد زد تا محسن را سقط کرد، به سخن آنها نمی توان اعتماد کرد!^(۱)

۲. قاضی عبدالجبار معتزلی، متوفای ۴۱۵ ق. می نویسد:

از سخنان شگفت انگیز رافضی ها این است که می گویند: یزید امام حسین را به شهادت رسانیده و اهل بیتش را به اسارت برده است!

ما با خرد و اندیشه ی خود دریافته ایم که ابوبکر حضرت فاطمه را زنده و محسن را نکشته است!^(۲)

۳. ابن ابی الحدید معتزلی، متوفای ۶۵۶ ق. می نویسد:

آنچه شیعیان می گویند که قنفذ را به خانه ی فاطمه فرستادند، او را با عصا زد و در بازوانش اثری چون بازوبند پدید آمد و تا به هنگام وفاتش باقی ماند و عمر او را در میان در و دیوار فشار داد و محسن را سقط کرد، هیچ یک از اینها در میان اصحاب ما صحّت ندارد!^(۳)

۴. ابن تیمیّه ی حرّانی، متوفای ۷۲۸ ق. می نویسد:

ما یقین داریم که ابوبکر اقدام به ایذاء و اذیت حضرت علی و زبیر نکرد، حتی سعد بن عباده را نیازرد، تنها چیزی که می توان گفت این

است که خانه (خانه ی حضرت فاطمه علیها السلام) را تفتیش کرد، تا ببیند آیا چیزی از بیت المال آنجا هست که در میان افراد مستحقّ تقسیم کند!

ص: ۱۳۱

۱- [۱]. باقلانی، نکت الانتصار، ص ۳۶.

۲- [۲]. عبدالجبار، تثبیت دلائل النبوه، ص ۲۳۹.

۳- [۳]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۶. ر.ک: المحسن السبط، ص ۵۴۶.

بعدها پشیمان شد و گفت: ای کاش این کار را نیز انجام نمی دادم ...

اما آنچه جاهلان و دروغگویان می گویند و افراد ابله آن را تصدیق می کنند، که صحابه خانه ی فاطمه را تخریب کردند، بر شکمش زدند، تا بچه اش را سقط کرد، همه اش دروغ و افترا می باشد، به اتفاق همه ی مسلمانان!!^(۱)

در اینجا فقط یادآور می شویم که تعدادی از بزرگان اهل سنت که متهم به تشیع نیستند، داستان لگد زدن به شکم حضرت فاطمه و اسقاط محسن را به صراحت در کتاب های خود آورده اند، که از آن جمله است:

۱. ابراهیم بن سیار معتزلی، مشهور به: «نظام» متوفای ۲۳۱ ق. استاد جاحظ گفته است:

إِنَّ عَمْرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ، حَتَّى أَلْقَتِ الْمَحْسَنَ مِنْ بَطْنِهَا، وَ كَانِ يَصِيحُ: أَحْرَقُوا دَارَهَا بَمَنْ فِيهَا، وَ مَا كَانَ فِي الدَّارِ غَيْرَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ؛

— عمر در روز بیعت بر شکم فاطمه زد، به طوری که محسن را سقط کرد و خود فریاد می زد:—

خانه را با کسانی که در آن هست آتش بزنید، در حالی که در خانه کسی جز علی، فاطمه، حسن و حسین نبود. —

این فراز را شهرستانی (۴۷۹ – ۵۴۸ ق) از او نقل کرده است.^(۲)

عبدالقاهر بغدادی، متوفای ۴۲۹ ق. و صلاح الدین صفدی، متوفای ۷۶۴ ق.

ص: ۱۳۲

۱- [۱]. ابن تیمیّه، منهاج السنّه، ج ۴، ص ۲۲۰.

۲- [۲]. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۷.

آن را به اختصار نقل کرده اند. (۱)

۲. ابن ابی دارم، متوفای ۳۵۲ ق. که ذهبی از او به عنوان: امام، حافظ و فاضل تعبیر کرده، در اواخر عمرش فقط مثالب را برای او می خواندند.

حافظ محمد بن حماد می گوید: در نزد او حاضر شدم، شیخی برای او قرائت می کرد که:

إِنَّ عَمْرَ رَفَسَ فَاطِمَةَ حَتَّى أَسْقَطَتْ مُحَسَّنًا؛

__عمر با لگد بر سینه ی فاطمه زد، تا محسن را سقط کرد.__(۲)

ابن حجر عسقلانی نیز همان تعبیر را از او نقل کرده است. (۳)

۳. بر اساس نقل ابن شهر آشوب، ابن قتیبه ی دینوری، متوفای ۲۷۶ ق. نیز در کتاب «المعارف» گفته است:

إِنَّ مُحَسَّنًا فَسَدَ مِنْ زَحْمِ قَنْفَذِ الْعَدَوِيِّ؛

__محسن در اثر فشار قنفذ عدوی تلف شد.__(۴)

۶) راز تأخیر در خاکسپاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روز دوشنبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شهادت رسید، روز چهارشنبه به خاک سپرده شد، زیرا تشنگان قدرت جنازه ی پیامبر را روی زمین گذاشتند و به سوی گرفتن بیعت رفتند.

ابن ابی شیبه از عروه روایت کرده که ابوبکر و عمر در دفن پیامبر حضور

ص: ۱۳۳

۱- [۱]. بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۱۴۸ و صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۵.

۲- [۲]. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۸؛ همو، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳- [۳]. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۹۳.

۴- [۴]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۰۷.

نیافتند، زیرا به سقیفه ی بنی ساعده رفته، در میان انصار بودند و پیکر مقدّس پیامبر پیش از بازگشت آنها به خاک سپرده شد. (۱)

همه ی مورّخان و محدّثان از عایشه روایت کرده اند که گفته:

ما از خاک سپاری پیامبر آگاه نشدیم، جز هنگامی که در شب چهارشنبه صدای بیل و کلنگ را شنیدیم. (۲)

در طول قرون و اعصار همگان بر این تصریح کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز دوشنبه رحلت نموده، در شب چهارشنبه به خاک سپرده شد. (۳)

ابن کثیر گوید: پس از آن که بیعت ابوبکر به انجام رسید، به تجهیز پیامبر شروع کردند! (۴)

۷) تشنگان قدرت

آنان که به دروغ خود را خادمان امت می نامیدند، آن قدر تشنه ی قدرت و شیفته ی حکومت بودند، که پیکر مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را روی زمین رها کردند، به دنبال بیعت گرفتن رفتند و بر پیکر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز نخواندند.

تنها لطفی که در حقّ اهل بیت انجام دادند، این بود که به آنها اجازه دادند که

مشغول تجهیز و تکفین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشند. (۵) و خود به کار مهم تر مشغول شدند و آن حضور در سقیفه و اخذ بیعت بود!

ص: ۱۳۴

۱- [۱]. ابن ابی شیبّه، المصنّف، ج ۱۴، ص ۵۶۸.

۲- [۲]. احمد حنبل، المسند، ج ۶، ص ۲۴۲؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۴۴؛ بیهقی، التّیّن الکبری، ج ۳، ص ۴۰۹؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۸۲.

۳- [۳]. ابن کثیر، البدایه و النّهایه، ج ۵، ص ۲۷۱.

۴- [۴]. همان، ص ۲۶۵.

۵- [۱]. هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۳.

ابن کثیر فصلی را تحت عنوان: «امور مهمه ای که بعد از وفات پیامبر و پیش از دفن آن حضرت اتفاق افتاده» باز کرده، در آغاز آن می نویسد:

بزرگ ترین، والاترین و پربرکت ترین آنها بر اسلام و امت اسلامی، بیعت ابوبکر بود!^(۱)

بعدها که امور بر وفق مرادشان پیش رفت، روزی امیرمؤمنان علیه السلام را مشاهده کردند که اندوهگین است، غافل بودند از این که مولای متقیان معزّی هست و در سوگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اندوهگین است، ابوبکر پرسید:

چه شده، ترا اندوهناک می بینم!؟

مولای متقیان فرمود:

إِنَّهُ عَنَانِي مَا لَمْ يَعْنِكَ ؛

بر من حادثه ای رخ داده، که بر تو رخ نداده است. _

ابوبکر خطاب به حاضران گفت:

گوش کنید، شما را به خدا سوگند آیا کسی بیش از من برای پیامبر اندوهگین بود؟! ^(۲)

این بود اشاره ای کوتاه به اولین فراز از خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام در پشت در.

امید است بتوانیم در آینده کتاب مستقلی در شرح این خطبه تقدیم کنیم.

ص: ۱۳۵

۱- [۲]. ابن کثیر، همان، ص ۲۴۴.

۲- [۳]. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۱۲.

برای تحقیق بیشتر:

۱. سیاه ترین هفته ی تاریخ، از علی محدث بندرریگی

۲. غنچه ی یاس، از مهدی فاطمی

۳. المحسن السَّبَط مولود أم سقط؟ از سید محمدمهدی خراسان

۴. نه‌ایه التَّحقیق فیما جرى فی أمر فدک، از ایشان

۵. الهجوم علی بیت فاطمه، از عبدالزّهراء مهدی

ص: ۱۳۶

اشاره

از صدّیقه ی طاهره، حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام آثار علمی ارزشمند فراوانی بر جای مانده که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

(۱) خطبه های حضرت فاطمه علیها السلام

سه خطبه از خطبه های حضرت فاطمه علیها السلام که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است:

۱. خطبه ی فدکیه

۲. خطبه ی در بستر

۳. خطبه ی پشت در

(۲) مسند فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام «محدّثه» و «محدّثه» بود.

محدّثه بود، زیرا احادیث فراوانی از پدر بزرگوارش حدیث کرده است.

محدّثه بود، زیرا فرشته با وی سخن می گفت. (۱)

ص: ۱۳۷

۱- [۱]. شیخ صدوق، علل الشّرایع، ج ۱، ص ۱۸۲، باب ۱۴۶، ح ۱.

ابوعمر، یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبرّ قرطبی، متوفای ۴۶۳ ق. اسامی ۴۰۷ تن از بانوان محدّثه را گرد آورده است. (۱)

عزالدین، علی بن ابی الکرّم، مشهور به «ابن اثیر» متوفای ۶۳۰ ق. قریب یک هزار بانوی محدّثه را معرفی کرده است. (۲)

شهاب الدّین، احمد بن علی بن محمد عسقلانی، مشهور به: «ابن حجر» متوفای ۸۵۲ ق. تعداد ۱۵۴۵ نفر از بانوان صحابی محدّثه را برشمرده است. (۳)

در این میان به جز حضرت فاطمه علیهاالسلام، احدی این سعادت را نداشت که در تمام لحظات و ساعات شبانه روز، بدون هیچ محدودیتی بتواند به محضر مقدّس رسول اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده، از آن حضرت حدیث استماع کند.

از این رهگذر حضرت فاطمه علیهاالسلام احادیث فراوانی از پیامبر اکرم علیهاالسلامو حضرت امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده است.

حضرت زینب، حضرت امّ کلثوم، امام حسن، امام حسین علیهم السلام و بسیاری از اصحاب و صحابیّات از آن حضرت روایت کرده اند.

جالب تر این که امیرمؤمنان علیه السلام احادیثی از همسر گرامی شان روایت کرده اند. (۴)

کتابنامه ی مسند فاطمه علیهاالسلام

در کتاب های حدیثی فراوانی احادیث نورانی حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت

ص: ۱۳۸

۱- [۱]. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۴۲ - ۵۲۰.

۲- [۲]. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۸۹ - ۶۴۲.

۳- [۳]. ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۲ - ۲۹۱.

۴- [۴]. طبری، دلائل الامامه، ص ۶۹.

شده، ما در اینجا به تعدادی از کتاب هایی که مستقلاً پیرامون احادیث آن حضرت تألیف شده، اشاره می کنیم:

۱. اخبار الزهراء علیهاالسلام، از ابو جعفر، محمد بن علی بن بابویه، مشهور به شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق.

سید ابن طاووس در کتاب «الیقین» از این کتاب حدیث نقل کرده است. (۱)

۲. تحقیق جزء من احادیث فاطمه، از عاطف احمد امان الدقن، چاپ ۱۴۰۲ ق.

۳. جامع احادیث فاطمه الزهراء، از محمد روحانی علی آبادی، ۱۰ مجلد، - مخطوط - .

۴. فاطمه الزهراء، أقوالها و أفعالها، از علی کریمی جهرمی - مخطوط - .

۵. الکلمات الباهره، للصدیق الطاهر، از عبدالمجید بن محمد یزدی، متوفای ۱۳۴۵ ق. - مخطوط - .

۶. الکلمه الطیبه، یا سخنان حضرت فاطمه علیهاالسلام، از امیر ظهیری، چاپ تبریز، ۱۳۷۷ ش.

۷. کلمه فاطمه الزهراء، از شهید سید حسن شیرازی، مستشهد ۴۰۰ ق. چاپ بیروت، ۱۴۲۱ ق.

۸. مسند فاطمه، از ابو حفص، عمر بن احمد بن عثمان مروزی، مشهور به: «ابن شاهین» متوفای ۳۸۵ ق. (۲)

۹. مسند فاطمه علیهاالسلام، از علی بن عمر دارقطنی، صاحب سنن دارقطنی، متوفای ۳۸۵ ق. که محدث بحرانی از آن روایت کرده است.

ص: ۱۳۹

۱- [۱]. سید ابن طاووس، الیقین، ص ۴۲۴.

۲- [۲]. محقق طباطبائی، أهل البيت فی المکتبه العربیّه، ص ۴۷۲.

۱۰. مسند فاطمه، از محمد بن جریر طبری - امامی - که محدث بحرانی در تفسیر البرهان از آن روایت کرده است.

۱۱. مسند فاطمه علیها السلام، از مؤلفی ناشناخته، که شیخ حرّ عاملی از آن روایت کرده است. (۱)

۱۲. مسند فاطمه علیها السلام، از مؤلفی ناشناخته، که با یک واسطه از شیخ صدوق روایت کرده است. و محدث بحرانی در مدینه المعجز از آن حدیث نقل کرده است. (۲)

۱۳. مسند فاطمه علیها السلام، از جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چاپ بیروت، ۱۴۱۳ ق. شامل ۲۸۴ حدیث.

۱۴. مسند فاطمه علیها السلام، از شیخ عزیزالله عطاردی، چاپ تهران، ۱۴۱۳ ق.

۱۵. مسند فاطمه الزهراء علیها السلام، از سید حسین شیخ الاسلامی، چاپ قم، ۱۴۱۹ ق. شامل ۴۹۶ حدیث.

۱۶. من روی عن فاطمه علیها السلام، از شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. (۳)

۱۷. من فقه الزهراء، از سید محمد حسینی شیرازی، متوفای ۱۴۲۲ ق. در پنج مجلد.

۱۸. موسوعه کلمات الزهراء، از محمد دشتی، متوفای ۱۳۸۰ ش. چاپ قم، ۱۴۱۶ ق.

۱۹. میراث حضرت زهراء، از محمدرضا آل یاسین، چاپ تهران، ۱۳۷۷ ش.

۲۰. نهج الحیاه، از محمد دشتی، متوفای ۱۳۸۰ ش. چاپ قم، ۱۳۷۲ ش.

ص: ۱۴۰

۱- [۱]. شیخ حرّ عاملی، أمل الآمل، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲- [۲]. شیخ آغا بزرگ، الدرّیعه، ج ۲۱، ص ۲۷.

۳- [۳]. نجاشی، الرجال، ص ۳۹۰.

و ده ها کتاب دیگر تحت عنوان: چهل حدیث، چهل گوهر، کوثر تسییح، گلبوته های گلستان فاطمه علیهاالسلام، گهرهای فاطمی و ...

۳) صحیفه الزهراء علیهاالسلام

بسیاری از دقایق علمی، حقایق عرفانی، مسائل اجتماعی و تربیتی اسلام، در قالب دعا در اختیار شیفتگان معارف اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته، تا ضمن راز دل با آفریدگار جهان، معارف والا و حقایق تابناک تعالیم اسلام در اعماق دل نفوذ کرده، دل را جلا داده، دیده را ضیاء بخشیده، زنگار گناه و هوای عصیان را از دل ها بزدايد و دل را شایسته ی کسب نور و آماده ی نزول رحمت پروردگار نماید.

بخشی از فرهنگ ماندگار تنها یادگار پیامبر را دعاها و نیایش های آن حضرت تشکیل می دهد، که به هنگام تهجد و مناجات با خداوند منان بر زبان جاری کرده، در بایگانی حافظه ی فرزندانش ثبت شده، بعدها به ارادتمندان، دلباختگان و شیفتگان آثار اهل بیت علیهم السلام منتقل شده است.

در همه ی کتاب هایی که پیرامون ادعیه و اذکار در طول قرون و اعصار نگارش یافته، تعدادی از دعاهای آن حضرت آمده است، ما در اینجا فقط به شماری از آثاری که مستقلاً در این رابطه تألیف شده، اشاره می کنیم:

کتابنامه ی نیایش های حضرت فاطمه علیهاالسلام

۱. ادعیه ی فاطمیه، از محمد دشتی، متوفای ۱۳۸۰ ش. چاپ قم، ۱۳۷۷ ش.

۲. ادعیه و اذکار حضرت فاطمه علیهاالسلام، از محمد روحانی علی آبادی، شامل ۸۷

دعای واصله از حضرت فاطمه علیهاالسلام - مخطوط - .

ص: ۱۴۱

۳. دعاء فاطمه علیها السلام، از مؤلفی ناشناخته، که نسخه ی خطی آن به شماره ی ۳۶۲۹ در کتابخانه ی سلطنتی برلین موجود است. (۱)

۴. صحیفه الزّهراء، از جواد قنومی، چاپ قم، ۱۳۷۳ ش.

۵. صحیفه الزّهراء، از اسعد عبود، چاپ قم، ۱۴۲۱ ق.

۶. صحیفه الزّهراء، از محسن عقیل، چاپ بیروت ۱۴۲۱ ق.

۷. صحیفه الزّهراء، از سید ذی شأن حیدر جوادی اله آبادی، چاپ ۱۳۷۹ ش. - به زبان اردو - .

۸. صحیفه ی فاطمه ی زهرا علیها السلام، از سید محمد هادی جونپوری، چاپ هند - به زبان اردو - .

۹. الصّحیفه الفاطمیّه، از ابواحمد عبداللّه بن عدنان منتفکی رفاعی - مخطوط - .

۱۰. الصّحیفه الفاطمیّه الجامعه، از سید محمد باقر موحد ابطحی، چاپ قم، ۱۴۲۱ ق.

۱۱. لمعه من صحیفه فاطمه، تدوین حسینه کربلایی های اصفهان، چاپ بی تا.

۱۲. مناجات حضرت بی بی فاطمه علیها السلام، از مؤلفی ناشناخته که نسخه ی خطی آن به شماره ی ۵۷۷ در کتابخانه آپسالا، در سوئد موجود است - به زبان آذری - . (۲)

(۴) حدیث لوح فاطمه علیها السلام

روزی جابر بن عبداللّه انصاری به محضر حضرت فاطمه علیها السلام مشرف

ص: ۱۴۲

۱- [۱]. فهرست کتابخانه ی سلطنتی برلین، ج ۳، ص ۳۳۰.

۲- [۲]. فهرست کتابخانه ی آپسالا، ج ۳، ص ۳۸۹.

می شود، در دست آن حضرت لوح سبزرنگی را مشاهده می کند، که در آن مطالبی با نور نوشته شده است.

در مورد این لوح از آن حضرت می پرسد، حضرت می فرماید:

این لوحی است که آن را خداوند منّان به رسول عالمیان اعطاء فرموده، در این لوح نام پدرم، شوهرم، دو فرزندم و دیگر اوصیاء از تبار من ثبت شده است، پدرم آن را به من اهداء فرمود.

آنگاه جابر اجازه می گیرد و متن آنها را رونویسی می کند.

روزی امام باقر علیه السلام برای مشاهده ی دست نوشته ی جابر به منزل ایشان تشریف فرما شده، متن آن را از حفظ می خواند و جابر با دست نوشته ی خود مطابقت می کند، حتّی یک حرف نیز اختلاف نداشته است.

محدّثان بزرگ شیعه متن آن را به واسطه ی امام باقر و امام صادق علیهماالسلامو جابر بن عبدالله از حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت کرده اند، که به تعدادی از این بزرگان اشاره می کنیم:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹. (۱)

۲. علی بن حسین مسعودی، متوفای ۳۴۶ ق. (۲)

۳. شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. (۳)

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، از محدّثان قرن چهارم. (۴)

ص: ۱۴۳

۱- [۱]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲- [۲]. مسعودی، اثبات الوصیّه، ص ۲۶۰.

۳- [۳]. شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۳۴ و کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۸.

۴- [۱]. نعمانی، الغیبه، ص ۶۲.

۵. شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ ق. (۱).

۶. شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق. (۲).

۷. ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ق. (۳).

۸. امین الاسلام طبرسی، مفسر بزرگ شیعه در قرن ششم. (۴).

۹. شیخ الاسلام، ابراهیم بن مؤید جوینی حموینی، متوفای ۷۳۰ ق. (۵).

۱۰. شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ ق. (۶).

اینها نه تن از محدثان والامقام شیعه (به جز جوینی) بودند که حدیث لوح را با اسناد معتبر و مورد استناد در کتاب های پایه و مرجع روایت کرده اند.

گذشته از منابع حدیثی، آثار مستقلی نیز پیرامون حدیث لوح تدوین شده که از آن جمله است:

۱. ترجمه ی حدیث لوح فاطمه علیهاالسلام، از احمد بروجردی جواهری، چاپ کرمانشاه، ۱۳۲۱ ش.

۲. حدیث لوح، از علی لباف، چاپ تهران، ۱۳۷۵ ش.

۳. رساله ی لوح حضرت فاطمه علیهاالسلام، از سید عزیزالله امامت، چاپ کاشان.

۴. شهادة الشهداء در حدیث لوح فاطمه الزهراء، از سید اسماعیل هاشمی،

چاپ اصفهان، ۱۳۶۴ ش.

۵. صحیفه ی فاطمیّه (لوح فاطمی) چاپ هند، ۱۳۳۴ ق.

ص: ۱۴۴

۱- [۲]. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۱۰.

۲- [۳]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۳.

۳- [۴]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۵۹.

۴- [۵]. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۷۴.

۵- [۶]. جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۶.

۶- [۷]. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۱، ص ۴۶۸.

گردهمایی پنج تن آل عبا در زیر کساء و نزول آیه ی تطهیر(۱) در شأن آنها، از مسلمات تاریخ است و در صدها منبع معتبر از منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی و رجالی شیعه و اهل سنت، با اسناد معتبر روایت شده است.

در کتاب گران سنگ «فاطمه ی زهرا» اثر ارزشمند شخصیت برجسته ی جهان تشیع، علامه ی بزرگوار، آیه الله حاج شیخ عبدالحسین امینی رحمه الله، منابع و مآخذ اهل تسنن بررسی شده، تعداد ۳۰۰ تن از راویان حدیث کساء و نزول آیه ی تطهیر در حقّ خمسه ی طیبه، به ترتیب قرون و اعصار معرّفی شده است.(۲)

از بررسی احادیث وارده به این نتیجه می رسیم که حادثه ی حدیث کساء حدّاقلاً سه بار اتفاق افتاده است:

۱. در خانه ی امّ سلمه

ده ها حدیث معتبر با اسناد صحیح از بزرگان تشیع و تسنن از وقوع این حادثه در خانه ی امّ سلمه خبر داده اند.(۳)

۲. در خانه ی حضرت فاطمه علیها السلام

به هنگام وقوع حادثه ی حدیث کساء، واثله بن اسقع، از اصحاب عظیم الشان پیامبر اکرم، در خانه ی حضرت فاطمه علیها السلام حضور داشته، این حادثه را به

ص: ۱۴۵

۱- [۱]. سوره ی احزاب، آیه ی ۳۳.

۲- [۲]. علامه ی امینی، فاطمه ی زهرا، چاپ تهران، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸۷ - ۵۱۱.

۳- [۳]. ترمذی، السنن، ج ۵، ص ۲۵۱، ۳۲۸ و ۶۶۳؛ حاکم، المستدرک علی الصّیحیحین، ج ۳، ص ۱۴۶؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱۰، ص ۱۷۷، ۱۸۷ و ۱۹۷.

چشم خود دیده، برای دیگران نقل کرده، ده ها تن از راویان از او روایت کرده اند.^(۱)

۳. در برابر نصارای نجران

به هنگام حضور نصارای نجران برای مباحله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را در زیر کساء گرد آورد، آنگاه آنها را به مباحله فرا خواند و آنها امتناع کردند و به جزیه راضی شدند.^(۲)

ابن حجر مکی (۸۹۹ - ۹۷۴ ق) می نویسد:

این عمل از سوی رسول خدا در خانه ی ام سلمه و در خانه ی حضرت فاطمه علیها السلام و در غیر آنها تکرار شده است.^(۳)

آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی (۱۲۵۳ - ۱۳۳۷ ق) صاحب عروه نیز بر وقوع آن در خانه ی ام سلمه، حضرت فاطمه و زینب بنت جحش تصریح نموده است.^(۴)

حدیث کساء معروف

متن حدیث کساء معروفی که در مجالس و محافل برای برآورده شدن حوائج می خوانند، در منابع فراوان آمده، که از آن جمله است:

(۱) غرر الأخبار و درر الآثار، تألیف: حسن بن محمد دیلمی، صاحب ارشاد

ص: ۱۴۶

۱- [۱]. ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۷، ص ۵۰؛ احمد حنبل، المسند، ج ۶، ص ۴۵؛ همو، فضائل الصّحابه، ص ۶۶؛ طحاوی، مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲- [۲]. شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۶۹؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص ۵۶.

۳- [۳]. ابن حجر، الصّواعق المحرّقه، ص ۱۴۴.

۴- [۴]. یزدی، سؤال و جواب فارسی، ص ۴۴۴.

القلوب، از علمای برجسته ی قرن هشتم. (۱)

(۲) المنتخب، تألیف: فخر الدین طریحی، متوفای ۱۰۸۷ ق. صاحب مجمع البحرین. (۲)

(۳) عوالم العلوم، تألیف: شیخ عبدالله بحرانی، شاگرد برجسته ی علامه ی مجلسی، از علمای قرن یازدهم. (۳)

بر حدیث کساء مشهور، ده ها شرح و ترجمه به زبان های مختلف تألیف شده و از سوی صدها تن از شعرای نامی، به زبان های مختلف به نظم درآمده است.

۶) مصحف فاطمه علیها السلام

یکی از اسامی حضرت فاطمه علیها السلام «محدّثه» است. محدّثه به کسی گفته می شود که فرشته ها با او سخن می گویند.

سخن گفتن فرشتگان با سه بانو از بانوان امم پیشین به صراحت در قرآن آمده است:

(۱) حضرت مریم؛ (۲) همسر حضرت ابراهیم؛ (۳) مادر حضرت موسی. (۴)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

حضرت فاطمه را از این جهت «محدّثه» نامیده اند که فرشته بر او نازل می شد و با او سخن می گفت، همان گونه که بر حضرت مریم

ص: ۱۴۷

۱- [۱]. دیلمی، غرر الأخبار، ص ۲۹۸.

۲- [۲]. طریحی، المنتخب، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳- [۳]. بحرانی، عوالم، ج ۱۱، ص ۹۳۰.

۴- [۴]. سوره ی آل عمران، آیه ی ۴۲؛ سوره ی هود، آیه ی ۷۱-۷۳؛ سوره ی قصص، آیه ی ۷.

نازل می شد. (۱)

در حدیث دیگری فرمود:

جبرئیل بعد از رحلت پیامبر به محضر حضرت فاطمه می آمد، او را تسلی می داد، از جایگاه پدرش سخن می گفت، از آنچه پس از او برای فرزندان رخ خواهد داد، خبر می داد و علی علیه السلام آن را می نوشت. (۲)

در حدیث دیگری فرمود:

حضرت فاطمه مصحفی از خود به یادگار گذاشت، که قرآن نیست، لکن گفتار خداوند است، فرشته املاء کرده، علی علیه السلام نوشته است. (۳)

امام باقر علیه السلام کیفیت نزول مصحف را چنین توصیف می کند:

خداوند منان به جبرئیل، میکائیل و اسرافیل امر فرمود که مصحف را برای حضرت فاطمه فرود آورند. و آن در شب آدینه ای در ثلث دوّم شب بود.

چون فرشته ها وارد شدند، او مشغول تهجد بود، منتظر ماندند تا حضرت فاطمه از نماز فارغ شد، بر او سلام کردند و عرضه داشتند:

سلام، سلامت می رساند.

آنگاه مصحف را در کنار او قرار دادند.

حضرت فاطمه فرمود:

خدای سلام است، سلام از او و به سوی اوست، بر شما نیز درود باد. (۴)

ص: ۱۴۸

۱- [۱]. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲.

۲- [۲]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸.

۳- [۳]. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۵۶.

۴- [۱]. طبری، دلائل الامامه، ص ۱۰۶.

امام باقر علیه السلام در مورد محتوای مصحف فاطمه فرمود:

آنچه در گذشته رخ داده، آنچه مقدر است در آینده رخ دهد، اخبار هر یک از آسمان ها، شمار فرشتگان هر آسمان، نام و شمار پیامبران مرسل و غیر مرسل، اسامی ائمت هر پیامبر، اسامی مؤمنان و کافران، اسامی شهرها، وصف قرون اولیه، شمار طاغوت ها و مدت حکومت هر یک از آنها، نام و سیرت هر امام و مدت امامت هر یک در آن آمده است.^(۱)

امام رضا علیه السلام در یک حدیث طولانی نشانه های امام را می شمارد و می فرماید:

باید مصحف فاطمه نیز در دست او باشد.^(۲)

مصحف حضرت فاطمه علیه السلام یکی از ودایع امامت می باشد و اینک در محضر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد.^(۳)

۷) دیگر آثار ماندگار حضرت فاطمه علیها السلام

از صدیقه ی طاهره حضرت فاطمه علیها السلام آثار ماندگار فراوان بر جای مانده، که

از آن جمله است:

۱. اشعار نغز و پر مغز

۲. أحرار

۳. أذکار

ص: ۱۴۹

۱- [۲]. همان، ص ۱۰۵.

۲- [۳]. شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- [۴]. تهرانی، الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۲۶.

۴. وصایا

۵. مناجات ها

۶. وقفنامه ها

۷. احتجاج ها

برای تحقیق بیشتر:

۱. فاطمه الزهراء من المهد إلى اللحد، آیه الله سید محمد کاظم قزوینی (متوفای ۱۴۱۵ ق)

۲. مسند فاطمه الزهراء، سید حسین شیخ الاسلامی (متوفای ۱۴۳۲ ق)

۳. کتابنامه ی آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر، علی اکبر مهدی پور.

ص: ۱۵۰

پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سران سقیفه چندین بار به خانه وحی تهاجم کردند، در هر مورد، صدیقه طاهره علیها السلام تنها مدافع مولای متقیان بود، پشت در آمده، از آنها خواست که حرمت خانه وحی را نگه دارند، ولی آنها هیزم جمع کرده، در مقابل خانه وحی آتش افروختند و در خانه ای را که جبرئیل بدون اذن وارد نمی شد به آتش کشیدند، ریحانه پیامبر را در میان در و دیوار آزدند و محسن فاطمه را به شهادت رسانیدند و از این طریق ثلث عترت طه را با یک لگد از بین بردند.

وارد خانه شده، مولای متقیان را برای اخذ بیعت به سوی مسجد بردند.

حضرت فاطمه علیها السلام به دفاع خود از امام زمانش ادامه داد، غاصب فدک به غلام خود «قُنْفُذ» فرمان داد که دست فاطمه علیها السلام را کوتاه کند، او نیز با غلاف شمشیر آنقدر بر آن حضرت کوبید که سینه، بازو و کتف مبارکش شکست و به شدت بیمار شد و با همین بیماری به شهادت رسید.

قلم همواره در دست مثلث شوم زر، زور و تزویر بود، از این رهگذر حوادث مربوط به خاندان عصمت و طهارت، همواره مورد غفلت قرار گرفته و یا به صورت بسیار کمرنگ مطرح شده است.

با توجه به این که عامل شهادت حضرت فاطمه علیهاالسلام سران سقیفه بودند، ظلم مضاعف شده و اقوال بسیار مختلف نقل شده است:

چهل روز بعد از شهادت پیامبر، ۶۰ روز، ۷۰ روز، ۷۲ روز، ۷۵ روز، ۹۰ روز، ۹۵ روز، ۱۰۰ روز، شش ماه و هشت ماه.

مشهور بین علمای امامیه ۷۵ روز و ۹۵ روز می باشد.

بزرگانی چون: کلینی، شیخ مفید، طبری امامی و مرحوم مقّم ۷۵ روز را برگزیده اند. (۱)

بزرگان دیگری چون: شیخ طوسی، طبرسی، سید ابن طاووس، شهید اول، کفعمی، شیخ بهایی و سید محسن امین ۹۵ روز را انتخاب کرده اند. (۲)

بر اساس روایت ۷۵ روز، سیزدهم جمادی الاولی روز شهادت آن حضرت خواهد بود و بر اساس روایت ۹۵ روز سوم جمادی الثانیه روز شهادت آن بزرگوار می باشد.

در گذشته بازار قم و تهران بر اساس ۷۵ روز، روز ۱۳ جمادی الاولی، بازار

ص: ۱۵۲

-
- ۱- [۱]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص ۱۸۵؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۱۳۴؛ مقّم، وفاه فاطمه.
 - ۲- [۲]. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۹۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۰۰؛ سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۱؛ شیخ بهایی، توضیح المقاصد، ص ۱۳.

را تعطیل می کردند، ولی در عهد زعامت مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرحوم محدث قمی به امر ایشان ده شب در مسجد بالای سر حضرت معصومه علیهاالسلام منبر رفتند و ارجحیت ۹۵ روز را اعلام کردند. از آن موقع مراجع قم، به روایت ۹۵ روز اعتنای بیشتری قائل هستند و اخیراً مراجع عظام جهان تشیع اقدام نموده، روز سوم جمادی الثانیه را به عنوان روز شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام تعطیل رسمی نموده، در آن روز با ده ها هزار نفر به سوی حرم مطهر کریمه اهل بیت پیاده روی می کنند و به امر ایشان در همه شهرستان ها این شیوه اجرا می گردد.

جالب توجه و شایان دقت است که شیخ بهایی، شیخ طوسی، علامه حلی، سید ابن طاووس و دیگر بزرگانی که روایت ۹۵ روز را برگزیده اند، تصریح کرده اند که روز شهادت آن حضرت، روز سوم جمادی الثانیه می باشد.

سید محسن امین در این رابطه می نویسد:

بنابر مشهور در میان اصحاب ما، حضرت فاطمه علیهاالسلام روز سوم جمادی الآخره سال یازدهم هجرت وفات نمود و آن از امام صادق علیه السلام روایت شده است. (۱)

نکته دیگری که در اینجا لازم است به آن اشاره شود، این است که دو روایت ۷۵ و ۹۵ به یک روایت برمی گردد، زیرا در قرون اولیه کتاب های حدیثی و تاریخی با خط کوفی و بدون نقطه نوشته می شد و در شکل نگارش «سبعین» و «تسعین» شبیه یک دیگر نوشته می شود، با نقطه از یکدیگر باز شناخته می شود.

به احتمال قوی متن روایت «تسعین» بوده، برخی از اعلام آن را «سبعین»

ص: ۱۵۳

۱- [۱]. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۹.

خوانده اند، یا بعدها تسعین به سبعین تصحیف شده است.

با توجه به صدور حدیث از امام صادق علیه السلام برای روز سوم جمادی الثانی ۹۵ روز تقویت می شود.

شایسته است که شیفتگان خاندان عصمت و طهارت هر دو ایام فاطمیه را ارج نهاده، برای آن حضرت در هر دو فاطمیه مجالس عزا برگزار کنند.

علت این که ایام فاطمیه سه روز برگزار می شود این است که ما نمی دانیم در سال یازدهم هجری ماه صفر، ربیع الاول و ربیع الثانی آیا ۲۹ روز بوده، یا ۳۰ روز، یا برخی ۲۹ و برخی دیگر ۳۰ روز بوده است، از این رهگذر سه روز برگزار می کنیم تا روز شهادت را درک کرده باشیم.

محل دفن حضرت فاطمه علیها السلام

در مورد محل دفن حضرت فاطمه علیها السلام سه قول است:

(۱) بقع

(۲) روضه نبوی

(۳) خانه خویش

از امام رضا علیه السلام سؤل شد که حضرت فاطمه علیها السلام کجا دفن شده، فرمود:

دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا، فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمِّيَّهِ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ؛

در خانه خویش به خاک سپرده شد، هنگامی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرا گرفت. (۱)

شیخ طوسی همین قول را برگزیده و اضافه کرده که احتمال بقیع بعید

ص: ۱۵۴

از محضر امام هادی علیه السلام پرسیدند که آیا بیت حضرت فاطمه علیها السلام در طیبه است، یا همان گونه که دیگران می گویند در بقیع است؟ در پاسخ نوشتند:

ایشان در کنار جدم صلی الله علیه و آله می باشد. (۲)

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

علی علیه السلام حضرت فاطمه را شبانه در خانه اش به خاک سپرده که بعدها جزو مسجد شد. (۳)

امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

حضرت فاطمه در خانه اش به خاک سپرده شد، بعدها عمر بن عبدالعزیز آن را در مسجد داخل کرد. (۴)

عبدالعزیز بن عمران گوید: حضرت فاطمه در خانه اش به خاک سپرده شد، با او همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله معامله شد، یعنی: دقیقاً همان جا که بسترش پهن شده بود، در همان جا مدفون شد. (۵)

کسانی که محلّ قبر آن حضرت را در بقیع می دانند به حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام استناد می کنند که وصیت فرمود: هنگامی که من وفات کردم، مرا تجهیز کنند، سپس به کنار رسول خدا ببرید که تجدید عهد کنم، از آنجا به نزد مادرم حضرت فاطمه ببرید، سپس به بقیع برگردانید و در آنجا دفن کنید. (۶)

ص: ۱۵۵

۱- [۱]. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۸.

۲- [۲]. سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳- [۳]. ابن شُبّه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۰۶.

۴- [۴]. همان، ص ۱۰۷.

۵- [۵]. همان، ص ۱۰۸.

۶- [۶]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۲.

تصادفاً این حدیث نیز دفن در خانه را تقویت می کند.

شیخ طوسی در ضمن حدیثی از ابن عباس نقل می کند که گفت:

ما پیکر امام حسن را به بقیع بردیم و در کنار مادرش فاطمه دفن کردیم. (۱)

در اینجا منظور از مادرش فاطمه، حضرت فاطمه بنت اسد می باشد. (۲)

سمهودی از ابن شبه نقل می کند که عباس بن عبدالمطلب را در اول مقابر بنی هاشم، نزد قبر فاطمه بنت اسد دفن کردند. (۳)

روی این بیان قبری که در کنار ائمه بقیع می باشد، قبر حضرت فاطمه بنت اسد می باشد.

سمهودی دفن در بقیع را ترجیح می دهد، ولی از عز بن جماعه نقل می کند که قوی ترین اقوال آن است که در خانه اش مدفون شده است، در مکان محراب چوبی داخل مقصوره حجره شریف و من دیدم که خدام حجره از پا نهادن در آن مکان به شدت امتناع می کنند و آنجا را محلّ قبر حضرت فاطمه علیها السلام می دانند. (۴)

سمهودی می گوید: قول دیگر این است که در مسجد منسوب به آن حضرت در بقیع مدفون می باشد، که در طرف قبله قبه عباس است.

غزالی گوید: مستحب است که انسان همه روزه پس از زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت بقیع برود.

آنگاه قبور زیارتی بقیع را می شمارد، به هنگام بحث از زیارت امام حسن

ص: ۱۵۶

۱- [۱]. شیخ طوسی، الامالی، ص ۱۶۱، ص ح ۱۹.

۲- [۲]. تستری، تواریخ النبی والآل، ص ۸۲.

۳- [۳]. سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۹۱۰.

۴- [۴]. همان، ص ۹۰۶.

مجتبی علیه السلام می نویسد: آنگاه در مسجد فاطمه علیها السلام نماز بخواند، که آن همان «بیت الحزن» می باشد، که حضرت فاطمه در آنجا برای پدرش اقامه عزا می کرد. (۱)

سپس به هنگام بحث از قبر ابراهیم (فرزند پیامبر اکرم) گفته: آنجا به بیت الحزن مشهور است. (۲)

روی این بیان بیت الاحزان در اول بقیع در کنار قبور ائمه بقیع قرار دارد و صدیقه طاهره پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست امام حسن و امام حسین علیه السلام را می گرفت به بقیع می آمد، در آن مکان در سایه درختی به اقامه عزا می پرداخت.

پس از بریدن آن درخت توسط غاصبان فدک، به اُحد می رفت و در کنار قبر عمویش حضرت حمزه سید الشهداء به عزاداری می پرداخت.

بعد از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام بیت الاحزان به مسجد حضرت فاطمه علیها السلام معروف شد و به مدت ۵۰ سال درش بسته شد، هنگامی که کاروان غم از سفر کوفه و شام بازگشتند، حضرت امّ کلثوم در بیت الاحزان را باز کرد و در آنجا به عزاداری پرداخت، پس از آن همه روزه حضرت امّ البنین به آن نقطه می رفت و برای حضرت قمر بنی هاشم و دیگر فرزندان اقامه عزا می کرد و بانوان مدینه در آن مکان اجتماع کرده، با حضرت امّ البنین هم ناله می شدند.

احتمال دفن حضرت در روضه نبوی

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

بَيْنَ قَبْرِي وَ مِثْرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛

ص: ۱۵۷

۱- [۱]. همان، ص ۹۰۷.

۲- [۲]. همان، ص ۹۱۸.

بین قبر و منبر من باغی از باغ های بهشت است. (۱)

شیخ مفید از این حدیث استفاده کرده که قبر مطهر حضرت فاطمه علیها السلام در روزه نبوی است. (۲)

شیخ طوسی در تقریب این سخن فرموده: روایت روزه و بیت با یکدیگر سازگار می باشد، ولی احتمال دفن در بقیع به دور از حقیقت است. (۳)

از امام رضا علیه السلام در مورد محلّ دفن صدیقه طاهره سؤل شد، عیسی بن موسی در مجلس حضور داشت، گفت: در بقیع.

راوی پرسید: شما چه می فرمایید؟

حضرت فرمود: گفت.

عرضه داشت: من با عیسی بن موسی کاری ندارم، شما از پدران خود چه نقل می فرمایید؟

حضرت فرمود: در خانه اش به خاک سپرده شد. (۴)

روی این بیان احتمال بقیع ضعیف است و احتمال دفن در خانه قوی تر می باشد، که به هنگام توسعه مسجد خانه حضرت فاطمه جزو مسجد قرار گرفته و به «مسجد فاطمه» شهرت یافته است.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا نماز در خانه فاطمه افضل است یا در روزه؟

فرمود: در خانه فاطمه. (۵)

ص: ۱۵۸

۱- [۱]. ابن قتال نیشابوری، روزه الواعظین، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲- [۲]. شیخ مفید، المقنعه، ص ۴۵۹.

۳- [۳]. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۹.

۴- [۴]. حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۶۷، ح ۱۳۱۴.

۵- [۱]. شیخ طوسی، همان، ص ۸، ح ۱۶.

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام خانه حضرت فاطمه بین خانه پیامبر و درب مسجد که به کوچه مقابل بقیع (باب جبریل) باز می شود، قرار دارد. (۱)

پاداش زیارت

شیخ طوسی می فرماید: آنچه در پاداش زیارت آن حضرت روایت شده بیش از آن است که به شما آید، سپس روایتی را از شخص حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل کرده که فرمود:

پدرم به من خبر داد که هر کس سه روز بر او و بر من سلام کند، خداوند بهشت را برایش واجب می کند.

راوی پرسید: آیا در حال حیات ایشان و شما؟

فرمود: آری در حال حیات و پس از ممات ما. (۲)

با توجه به این که امکان حضور در کنار قبر آن حضرت در زمان ما ممکن نیست و مولای متقیان پس از دفن آن حضرت، محلّ قبر را هموار کرد تا محلّ قبر مخفی باشد، شایسته است که زائران مدینه منوره، در روضه مطهر و در کنار ضریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در بقیع به آن حضرت سلام کنند. (۳)

نکته دیگر این که بر اساس روای صادقه یکی از بزرگان قبر مطهر و مضجع منور حضرت معصومه علیهاالسلام در قم جایگزین قبر گمشده آن حضرت می باشد. (۴)

ص: ۱۵۹

۱- [۲]. همان، ح ۱۵.

۲- [۳]. همان، ص ۹، ح ۱۸.

۳- [۴]. ابن قتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۳۴۹.

۴- [۵]. مهدی پور، کریمه اهل بیت، ص ۴۳.

زیارت نامه ای از امام باقر علیه السلام برای حضرت فاطمه علیهاالسلام به شرح زیر روایت شده است:

يَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجِدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَرَعْمَنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ، وَ مُصِيءٌ دَقُونٌ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَنَا بِهِ أَبُوكَ، وَ أَنَا بِهِ وَصِيُّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صِدْقْنَاكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا بِالْبُشْرَى، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّآ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ؛

— ای آزموده ای که خداوند پیش از آن که تو را بیافریند، بیازمود. —

پس تو را در مورد آن آزمایش شکبیا یافت.

ما خود را از موالیان شما می دانیم و به آنچه پدر بزرگوارت و وصی اش آورده اند، ایمان داریم و بر آن شکبیا هستیم. اینک از تو می خواهیم که ما را در برابر تصدیق شما، به یک بشارت بزرگ ملحق فرمایی، تا به خود بشارت دهیم که در پرتو ولایت شما پاکیزه شده ایم. (۱)

ابو محمد، جعفر بن احمد بن علی قمی، مشهور به «ابن رازی» از محدثین والامقام قم و معاصر شیخ صدوق، روایت مفصلی با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده، که در فرازی از آن آمده است:

يُدْعَى النَّاسُ بِأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ، مَا خَلَا شِيعَةَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يُدْعَوْنَ بِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ؛

— در روز رستاخیز همگان با نام مادرانشان خوانده می شوند، به جز شیعیان

ص: ۱۶۰

۱- [۱]. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۰، ح ۱۹.

علی _ علیه السلام، که آنها با نام پدرانشان خوانده می شوند.

پیامبر عظیم الشان از پیک وحی پرسید: ای حبیب من، ای جبرائیل! راز آن چیست؟ گفت:

لَأَنَّهُمْ أَحَبُّوا عَلِيًّا فَطَابَ مَوْلِدُهُمْ؛

_ زیرا آنها علی _ علیه السلام را دوست داشتند، پس ولادت آنها از طریق حلال انجام یافت. (۱)

این حدیث شریف صریح است در این که محبت مولای متقیان موجب حلال زادگی می شود و نشان طهارت مولد می باشد.

آخرین فراز از زیارت نامه حضرت فاطمه علیها السلام نیز صریح است در این که ولایت فاطمه زهرا علیها السلام نشانه طهارت مولد می باشد.

مفهوم مخالفه این زیارت نامه دلالت می کند بر این که دشمنان حضرت فاطمه علیها السلام، قاتلان محسن، آتش افروزان در خانه وحی، از طیب مولد محروم بودند.

برای تحقیق بیشتر:

۱. دلائل الامامه، طبری امامی، از بزرگان شیعه در قرن پنجم.

۲. تاریخ المدینه المنوره، ابن شُبّه، متوفای ۲۶۲ ق.

۳. قبر گمشده، داود الهامی، متوفای ۱۴۲۱ ق.

ص: ۱۶۱

۱- [۱]. ابن رازی، المسلسلات، ص ۱۰۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

